

زبان اوستایی

اثر
س. ن. سوکولوف

ترجمه
دکتر قیه بهزادی



مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی



تاریخ و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام

۴/۴

۴/۴

کتاب حاضر از جمله آثاری است که مؤسسه اقوام آسیایی وابسته به فرهنگستان علوم شوروی منتشر کرده است، مؤلف دانشمند این کتاب زبان اوستایی را با زبانهای دیگر هند و اروپایی و... مانند یونانی باستان و لاتینی هندی باستان و فارسی باستان، و همچنین با فارسی نو مقایسه کرده است. گذشته از این، دستور زبان اوستا بدقت در آن ارائه شده و در پایان نمونه‌هایی از اوستا با تفسیر آنها آمده است. سرانجام، منون انتشار یافته اوستا معرفی و ویژگیهای ترجمه‌های آن به انضمام ترجمه‌ی «گاهان» به دست داده شده است. امید است که مطالعه این کتاب پژوهندگان زبانهای باستانی را سودمند افتد.

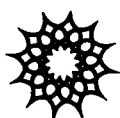


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زبان آوستایی

اثر
س.ن. سوکولوف

ترجمه
دکتر قیه بهزادی



مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
تهران: ۱۳۷۰

کتاب حاضر در اصل توسط N.S. Sokolov به زبان روسی نگاشته و ترجمه حاضر برگردان متن انگلیسی آن است که L. Navrozov با عنوان زیر ترجمه کرده است:

The *Avestan Language* Nauka Publishing House Central Department
of Oriental Literature, Moscow, 1967.

مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
دبسته

وزارت فرهنگ و آموزش عالی

زبان اوستایی

شماره: ۶۵۰

ویراستار: سهیلا صارمی

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: ۱۳۷۰

چاپ: چاپخانه مرکز انتشارات علمی و فرهنگی

نوبت چاپ: اول

بها: ۷۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

سوکولوف، سرگئی نیکلایوویچ. Sokolov, Sergei Nikolaevich.

زبان اوستایی / اثر س. ن. سوکولوف، ترجمه رقیه بهزادی. —
تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰.

دوازده، ۱۳۸ ص.

عنوان اصلی. Avestan Language.

۱. زبان اوستایی. الف. بهزادی، رقیه، ۱۳۱۱ —

مترجم. ب. عنوان. ج. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۴ فا ۵۳

PIR (PK ۶۱۰۱)

فهرست مطالب

هفت - شانزده	مقدمه
۲۸-۱	آواشناسی
۱۱	واکه‌ها
۱۲	واکه‌گونه‌ها
۱۶	همخوان‌ها
۲۵	نواخت (آهنگ) و تکیه
۲۶	تفاوت‌های آوایی اوستایی با فارسی باستان
۱۱۸-۲۸	سازه‌شناسی
۳۱	بخش‌های گفتار (اسم، اسم و صفت)
۳۵	صرف اسم
۵۸	ضمایر (ضمایر با صورتهای جنس)
۶۸	اعداد
۷۲	معانی صورتهای صرفی اسم (جنس، شمار، حالت)
۷۹	حروف اضافه
۸۲	قید
۸۴	پایانه‌های شخصی

۸۶	نظام حال
۹۵	نظام گذشته ساده
۹۶	نظام گذشته نقلی
۹۹	حالات
۱۰۲	وجوه (حرف ربط)
۱۰۵	تمنایی
۱۰۸	تأکیدی، امری
۱۰۹	اختلاط صورتهای فعل
۱۱۰	پیش فعلها
۱۱۱	منفی
۱۱۳	اسم فعل، وجه وصفی
۱۱۶	مصدر
۱۲۰-۱۱۸	اطلاعات مختصری درباره جمله
۱۳۴-۱۲۱	ضمیمه
۱۳۸-۱۳۴	فهرست مراجع اصلی

مقدمه

۱. زبان اوستایی یکی از زبانهای باستانی شعبه ایرانی شاخه هند و ایرانی (آریایی) است که به زبانهای هند و اروپایی وابستگی دارد. زبان اوستایی، که از کهنترین زبانهای مکتوب هند و اروپایی به شمار می‌رود، یک قرن و نیم است که نه تنها توجه ایرانشناسان، بلکه توجه شمار بسیاری از دانشمندانی را که به مباحث هند و اروپایی می‌پردازند به خود جلب کرده است.

۲. سرزمین اصلی طوایف هند و ایرانی به احتمال قوی ناحیه‌ای است که امروزه آسیای مرکزی نامیده می‌شود. تقسیم هند و ایرانی به دو شعبه هندی و ایرانی از مهاجرتهای متوالی ناشی شد: در آغاز، یکی از این طوایف از طریق افغانستان کنونی به هندوستان رفت (طوایف هندی) و سپس طوایف دیگری که در آسیای مرکزی باقی مانده بودند به سرزمین ایران کنونی و افغانستان رفتند (طوایف ایرانی)^۱. سکونت طوایف ایرانی در اراضی وسیع واقع در میان جلگه‌های مجاور

(۱) رجوع شود به:

R, Ghirshman, *Iran*, Harmondsworth, 1954, PP. 73 - 74.

مؤلف، نخستین موج (هندی) مهاجرت را آغاز هزاره دوم قبل از میلاد، و دومین موج (ایرانی) را مربوط به آغاز هزاره اول قبل از میلاد می‌داند.

دریای خزر تا خلیج فارس طبعاً باعث ایجاد گویشهای مختلف ایرانی شد که به صورت زبانهای مستقل درآمدند. از بعضی از آنها اطلاعی در دست نیست و برخی دیگر (مادی و سکایی) آثاری در وام واژه‌ها، اسامی خاص و نامهای مربوط به محلها از خود باقی نهادند. تنها دو زبان باستانی از طریق اسناد و مدارک به دست ما رسیده است: فارسی باستان و اوستایی.

۳. یکی از آنها که در کتیبه‌های میخی داریوش و خشیارشا و دیگر پادشاهان ایرانی از قرن ششم تا قرن چهارم قبل از میلاد به کار رفته است زبان بومی این پادشاهان بود که از استان فارس امروزی برخاستند. این نکته ما را بر آن می‌دارد که آن زبان را دقیقاً فارسی باستان بنامیم.

البته مدارک زبان فارسی باستان، که از روزگاری باقی مانده که بدان زبان سخن می‌گفته‌اند، بسیار ارزشمند است. بدبختانه این مدارک، بسیار کمیاب است.

۴. زبان ایرانی کهن دیگری (که موضوع این رساله است) زبان اوستایی است که به عصر ما رسیده، و مجموعه‌ای از متون دینی زردشتی است. آیین زردشتی یک دین باستانی ایرانی است که بر اثر بسط اسلام تقریباً از میان رفته است؛ و بازماندگان آنان (پارسیان) در روزگار ما بیشتر در خارج از ایران یعنی در هندوستان زندگی می‌کنند.

۵. زمان کتابت دستنوشته‌های اوستایی موجود پیشتر از قرن ۱۳ تا ۱۴ میلادی نیست (کهنترین سندی که دربارهٔ قسمتی از اوستاست مربوط به ۱۲۷۸ است). اوستا از صورت شفاهی تا صورت مکتوب راهی دراز پیموده است چنانکه خواهیم دید تعیین این نکته که از چه زمانی به صورت مکتوب درآمده دشوار است. زبان مدارک موجود را ضمناً همان گونه که در میان پارسیان متداول است زبان اوستایی می‌نامیم.

تاریخ اوستا

۶. بخشی از اساطیر و داستانهای قهرمانی مربوط به دوره وحدت فرهنگی هند و ایرانی در میان ملتهای مختلف هندی و ایرانی تکامل و تغییر یافتند تا اینکه به صورت غیر قابل تشخیص قصه‌های عامیانه درآمدند؛ بخشی دیگر از آنها در روزگاری به عنوان قسمتی از متون دینی ثبت گردید در این مورد نکته‌ای را باید ذکر کنیم: سرودهای ودایی طوایف هندی که به دست ما رسیده بخوبی حفظ شده و این امر به سبب یک سنت ثابت و مداوم شفاهی و سپس یک سنت دینی مکتوب بوده است. در میان ایرانیان احتمالاً وضعی مشابه وجود داشته است اما پیدایی دین زردشتی که دینی تازه و مربوط به قرن هفتم تا قرن ششم قبل از میلاد بوده بکلی این سنت را به هم زده است ولی به سبب این واقعه (پیدایی آیین زردشتی) است که سندی بسیار گرانبها یعنی گاهان را در دست داریم. گاهان عبارت از سخنانی خطاب به اهورامزدا و نیایشهای او است که معمولاً به بنیانگذار دین جدید زردشتی نسبت داده می‌شود و بخش بسیار مقدس و عزیز متون زردشتی را تشکیل می‌دهد.

در آغاز، آیین زردشتی همه ادیان آریائی را منسوخ کرد و به جای آن یک آیین منحصر به فرد پرستش خدای متعال یعنی اهورامزدا را برقرار ساخت که تجسم عنصر مهریان و آفریننده حیات بود اما ضربه‌ای که به سنت دینی باستانی وارد آمد مهلک نبود همان گونه که درباره همه ادیان جدید صدق می‌کند آیین زردشتی تنها از راه سازگاری با اساطیر و اعتقاداتی که عمیقاً ریشه دوانده بودند توانست گسترش یابد بنابراین، خدایان پیشین، بتدریج، جایگاههای دیرین خود را در میان خدایان باز یافتند و اجزایی از سرودهای کهن در بافت متون دینی جدید پیوند خورد.

۷. مجموعه نوشته‌های مقدس زردشتی با گسترش این آیین بتدریج شکل گرفت. گاهان جایی کوچک ولی افتخارآمیز در آن دارد گذشته از این، گاهان شامل نیایشها، سرودهایی خطاب به ایزدان متعدد، دستورهای مربوط به مراسم دینی، تاریخ افسانه‌آمیز و به عبارت دیگر دربرگیرنده متون بسیار متفاوتی است که به ادوار

مختلف تعلق دارند و طی مدتی طولانی منحصرأ به صورت شفاهی حفظ گردیده‌اند. نکات مهم زیر در این باره باید به خاطر سپرده شود:

(۱) بخشهایی از اوستا که در مکانها و زمانهای مشخص نشأت گرفته است (بدون توجه به این واقعیت که در بعضی موارد ممکن است نتیجه یک انتقال سنتی طولانی بوده باشد تا یک نمونه زبان زنده) به سبب انتقال از یک گویش به گویشی دیگر از یک سده به سده دیگر تغییر یافته.^۲ این نکته، بویژه در مورد متونی که با نام خود خود زردشت پیوستگی ندارد صدق می‌کند. اما این تغییرات منجر به پدید آمدن گویش تازه‌ای نشد، زیرا میل به حفظ متن به صورت اصلی آن، در برابر میل کمابیش ناخودآگاه منتقل کننده، به منظور تطابق دادن متن با گویش خود او همیشه مقاومت کرده است.

باستانی‌ترین عناصر سنت دینی ایرانی قبل از زردشت احتمالاً در آسیای مرکزی به وجود آمد. بنا به افسانه‌ای که در میان پارسیان متداول است، آیین زردشتی در بلخ نشأت گرفت و سپس به سوی غرب گسترش یافت؛ بعدها ماد به صورت مرکز آن درآمد و مادیها از پیروان آن شدند. با گذشت زمان، وظایف روحانی در دست مغان، که یکی از طوایف مادیها بود، متمرکز شد. هرگاه به یاد بیاوریم که تنها فقط انتقال نیافتند، بلکه همزمان با این انتقال غنی شدند، روشن خواهد شد که زمان و مکان اوستا را به آسانی نمی‌توان تعیین کرد. گذشته از این، می‌توان ادعا کرد که هیچ متنی غیر از گاهان، که بنا بر سنت زردشتی انتقال یافته باشد، سندی در اثبات زبان مشخص دیگری به شمار نمی‌رود. در این مورد گاهان مقامی ممتاز دارد و مدرک زبانی بسیار قابل اعتمادی را عرضه می‌کند، زیرا [روحانیون زردشتی] کوشش بسیار به عمل آورده‌اند که کلمات آن پیامبر را دقیقاً حفظ کنند، و گاهان کمتر از همه دستخوش تغییر بوده و کمتر تابع تحریفاتی ضمن

(۲) رجوع کنید به:

انتقال قرار گرفته و اصالت گویشی خود را حفظ کرده است.

(۲) زبان مدارک بتدریج از زبان مفسران سنت دور شد و با گذشت روزگار، تنها برای مقاصد دینی به کار رفت. اما چون زبان مدارک منحصرأ در مراسم دینی مورد استفاده قرار می گرفت، متونی که به مجموعه کتب افزوده می شد می بایستی به همان زبان باشد، به شرط آنکه نویسندگان این افزوده ها تا حدی بر این زبان تسلط داشته باشند. بدین ترتیب، تردیدی نیست که بخشی از متون، که بر اثر سنت زردشتی انتقال یافته، به زبان مرده ای نوشته شده است.

۸. متون اوستایی احتمالاً بار اول در زمان اشکانیان (در حدود ۱۰۰ میلادی) با الفبایی که متکی بر آرامی بود نوشته شد که در آن نشانه هایی برای واکها وجود نداشت و بعضی نشانه ها که برای همخوانها به کار می رفت ممکن بود چندین صوت را برساند. این متن اشکانی باقی نمانده، و بعضی از پژوهشگران (مثلاً بیلی) وجود آن را رویهم رفته انکار می کنند.^۳

تدوین بعدی (بدون تردید) در زمان ساسانیان صورت گرفت و در اواخر سده چهارم^۴ یا در اواسط سده ششم^۵ یا شاید حتی در اواسط سده هفتم^۶ تکمیل شد. این تدوین یا منحصرأ بر اساس سنت شفاهی یا بر اساس متن اشکانی و با کمک سنت

(۳) پالیارو: A. Pagliaro، چنین تصور می کند که متن اوستایی اشکانی به آرامی نوشته شد (نک به: A. Pagliaro and A. Bausani, *Storia Letteratura Persiana*, Milano, 1960, P. 44).

(۴) رجوع کنید به:

H. Reichelt, *Zur Beurteilung der awestischen Vulgata*, WZKM, 27, 1913, S. 53.

(۵) رجوع کنید به:

H.W. Bailey, *Zoroastrian Problems*, P. 172.

(۶) رجوع کنید به:

A. Pagliaro and A. Bausani, *OP. Cit.* P. 49.

شفاهی انجام گرفت. بعضی از طرفداران فرضیه متن اشکانی، مانند آندره آس F. Andreas، آلتهايم F. Altheim و دیگران، هیچ گونه نقشی برای سنت شفاهی قایل نیستند و هرگونه تغییری را در اوستا منحصراً نتیجه کتابت قدیمی می‌دانند. به منظور نوشتن متون مقدس بود که الفبای مخصوصی بر اساس خط فارسی میانه (پهلوی)، که تلفظ را با دقت فراوان نشان می‌داد، اختراع شد. این مجموعه، پس از آنکه مدون شد، به اوستا شهرت یافت (اوستا در فارسی نو، از اپستاک apastak فارسی میانه گرفته شده که به معنی اساس و پایه است)^۷، برخلاف ترجمه و تفسیر همراه آن (و شاید دوره مخصوصی از متون) که به زبان فارسی میانه یازند (در فارسی، زند و پازند اوستا: azainti)^۸ بود.

این دوره، مشخص دوره دوم (مکتوب) سنت اوستایی است. در طی این دوره، غلبه تازیان و ورود اسلام به ایران ضربه‌ای دیگر به سنت اوستایی وارد آورد. جوامع زردشتی بتدریج کاهش یافتند و نتوانستند مانند گذشته بسختی مقاومت کنند. آنان در مرحله نخست، منحصراً، متونی را که به طور مستقیم برای مراسم دینی مورد نیاز بود به خاطر می‌سپردند و آنها را می‌خواندند و از روی آنها می‌نوشتند، و در این ضمن، سایر متون به دست فراموشی سپرده شد. بنابراین، متن موجود اوستا بیش از یک چهارم یا یک سوّم متن اصلی نیست.

طبعاً هر مدرکی، ضمن آنکه طی هزار سال بارها مورد استنساخ قرار می‌گیرد، تغییراتی می‌یابد (این خود تقریباً از زمان تدوین اوستا تا زمان دست‌نوشته‌های سده چهاردهم است، و بهترین متونی به شمار می‌رود که اوستا را امروزه به ما نشان می‌دهد). در مطلب تحت بررسی، باید به خاطر داشت که با

(۷) تعبیرات دیگری نیز وجود دارد.

(۸) قرار دادن مداوم دو کلمه در کنار یکدیگر موجب شده است که تعبیرات غیر دقیق «زند اوستا» و «زبان زند» مدتها در اروپا برای نشان دادن زبان اوستا متداول شود.

انحطاط آیین زردشتی، مهارت و دانش دبیران بتدریج کاهش یافت. بدین ترتیب، باید تغییراتی را در نظر گرفت که ضمن انتقال کتبی، بر اثر طرز تلفظ دبیران و قیاسهای غلط و سرانجام اشتباهات محض، پیش آمده است.

ساخت اوستا

۹. اوستا به صورت کنونی از چند بخش تشکیل یافته است. یسنا، به معنای پرستش و قربانی، یک متن دعایی زردشتی است که پر از تکرار دعا‌های مقدس و برشمردن ایزدان است و مسلماً بعدها به صورت کنونی تدوین یافت. اما یسنا شامل بخشهای کهنتر دیگر نیز هست (مانند هوم یشت، ۱۱-۹؛ و گاهان، ۳۴-۲۸، ۵۱-۴۳، ۵۳) و یسن. هپتان هایتی (۳۵، ۴۱-۳، ۶) که جزء گاهان نیست ولی به همان گویش نوشته شده است. و سپرد که از لحاظ آیین پرستش، متمم یسناست.

ویدیوداد به معنای «قوانین ضد دیو» مجموعه‌ای از دعا‌هایی است که در روزگاری متأخرتر گردآوری شده و شامل بخشهای بسیار کهنی نیز هست. در بعضی مواقع، تنها ویدیوداد (وندیداد) را در مراسم می‌خواندند و گاهی بخشهایی از آن با بخشهایی از یسنا و سپرد متناوباً خوانده می‌شد.

یشتها سرودهایی است در ستایش فرشتگان و ایزدان و شامل بخشهایی است که از لحاظ اصل و منشأ کهن هستند.

خرده اوستا مجموعه‌ای از خلاصه‌های اوستا (به صورت اصلی) برای استفاده روزانه عموم زردشتیان است. این مجموعه شامل نیایشهایی خطاب به خورشید و ماه و مهر و آب و آتش است: اشم و هو، نیرنگ کستی یستن، سروش باج، نیایش که نیایشهایی به پنج مظهر روز است، گاهنبارها که دعا‌هایی خاص برای روزهای ماه است: سی‌روزه، دعا برای تعطیلات سالانه: آفرینگان و غیره. گذشته از نسخه اوستایی، یعنی متونی که زردشتیان در روزگاران ما آن را می‌پذیرند، بخشهایی با ارزشهای متفاوت و به صورت خلاصه‌ها و نقل قول‌هایی در

متون زردشتی فارسی میانه باقی مانده است. در میان آنها نیرنگستان اثر دعایی، پرسش‌نیاها و آفرین دهمان اثر اخلاقی، و هادخت نسک (مربوط به آخرت) و فرهنگ اویم اوک (فرهنگ فارسی میانه اوستا) بویژه حائز اهمیت است.

دستنویسهای اوستا

۱۰. دو نوع دستنویس از اوستا موجود است: نخست «ساده» که در مراسم دینی به کار می‌رفته (فقط یسنا یا ترکیبی از بخشهای تعیین شده یسنا، ویسپرد و ونیداد) و دیگری «پهلوی» که بخشهایی از اوستا به زبان فارسی میانه است. دستنویسهای اوستا در مجموعه‌های مختلفی در اروپا و هندوستان حفظ شده است. در شوروی، کتابخانه عمومی سالتیکو شچدرین Saltykov - Schchedrin قطعاتی از اوستا را در اختیار دارد. نسخه‌های بسیار ذیقیمت آن در کپنهاگ، اکسفورد و لندن نگهداری می‌شود. بعضی دستنویسهای کپنهاگ به صورت مجلداتی با چاپ عکسی در دسترس همه دانشمندان جهان قرار گرفته است. رجوع کنید به: (فهرست مراجع اصلی در این کتاب).

مطالعات اوستا: اشاره مختصر تاریخی

۱۱. دانشمند فرانسوی انکیل دوپرون Anquetil Duperon نخستین کسی بود که دانش اروپایی را درباره اوستا به کار برد. سفرش به هندوستان، آشنائی او با دستورها (موبدان عالی رتبه زردشتی) و ثبت دستنویسها می‌تواند به صورت یک داستان ماجراجویانه درآید. در ۱۷۷۱ نخستین ترجمه اوستا را بر اساس آنچه که دستورهای پارسی به او گفته بودند انتشار داد. بدین ترتیب، گام نخست برداشته شد و مطالعات اوستایی بزودی جای پراهمیتی در شکوفائی بعدی زیانشناسی تطبیقی هند و اروپایی یافت. نامهای دانشمندان زیانشناسی تطبیقی مانند بوب F. Bopp، راسک R. Rask، برنوف E. Burnouf و دیگران در ارتباط با مطالعات اوستایی ذکر

می‌شود.

تا اواسط قرن نوزدهم دو نهضت در مطالعات اوستایی به وجود آمد:

(۱) مکتب سنتی (اشپیگل، یوستی) که متکی بر تفسیراتی به فارسی میانه و نوشته‌های زردشتی بود، و (۲) مکتب تاریخی - تطبیقی (روت R. Roth و دیگران) که متکی بر اطلاعات زبانشناسی تطبیقی و بیشتر بر اساس مدارک هند باستان بود. سود و زبان هریک از این دو مکتب آشکار است. اتکا به سنت باعث می‌شود که واقعیتهای روح اوستا دقیقتر درک شود. اما در تکرار همه خطاهایی که ضمن انتقال روی می‌دهد خطری وجود دارد؛ گذشته از این، زبان فارسی میانه که گواه عمده‌ای برای بررسی سنتی است هنوز به اندازه کافی مورد بررسی قرار نگرفته است. مطالعات تاریخی - تطبیقی شناخت عمیق‌تری از دستور این زبان می‌بخشد و در تصحیح بسیاری از خطاهای انتقال سنتی ما را یاری می‌دهد ولی خودبخود وسیله‌ای برای درک کافی متن نیست.

در اواخر قرن نوزدهم، تلفیق موفقیت‌آمیزی از این دو مکتب صورت گرفت. در این باره باید از گلدنر K. Geldner نام ببریم که متن انتقادی او از اوستا (۱۸۹۵ - ۱۸۸۶) هنوز بی‌نظیر است. دیگری دارمستتر J. Darmesteter است که ترجمه‌ای کامل از اوستا با تفسیرهای بسیار جالب توجه به دست داد (۱۸۹۳ - ۱۸۹۲). همچنین باید از هوبشمن H. Hubschmann و جکسن W. Jackson یاد کرد. آثار بارتولومه Chr. Bartholomae (که مهمترین آنها «زبانهای ایرانی پیش از تاریخ»، «زبان اوستایی و زبان فارسی باستان» و «فرهنگ ایرانی باستان» است) در زمینه مطالعات اوستایی تحولی عظیم به وجود آورد و هنوز هم حاوی اطلاعات فراوانی است (رجوع کنید به: فهرست مراجع اصلی).

مطالعات اوستایی در قرن بیستم در بسیاری از کشورها ادامه یافت و مسائل اوستایی متنوعی را، رایخلت H. Reichelt، یونکر H. Junker، هرتل J. Hertel و هومباخ H. Humbach در آلمان؛ بنونیست E. Benveniste و دومزیل J. Dumezil و

دوشن گیمن J. Duchene Guillemin در فرانسه؛ هنینگ W. Henning، بیلی H. Bailey و گرشویچ J. Gershevitch در انگلیس؛ کوری لویتز I. Kury Lowicz در لهستان؛ مورگن اشتیرنه G. Morgenstierne کریستنسن A. Christensen، بار K. Barr و نیبرگ H. Nyberg در کشورهای اسکاندیناوی؛ انکلساریا Anklesaria و سایر دانشمندان پارسی در هندوستان (تاوادیا Tavadia که در آلمان کار می کرد از جمله آنان بود)؛ اسمیت M. smith در آمریکا و فرای من A. A. Freiman، آبایف V. I. Abayev و برتلس E. E. Bertles در شوروی، بررسی کردند.

این فهرست البته کامل نیست، بویژه آنکه اوستا باید به روشهای گوناگون به وسیله دانشمندانی که درباره تاریخ و دستور تطبیقی زبانهای هند و اروپایی و مخصوصاً زبانهای ایرانی تحقیق می کنند مورد بررسی قرار گیرد.

آواشناسی

۱۲. در اوستا که زبان مرده‌ای است مآخذ ما صوت نیست، بلکه سند مکتوب است، و از این رو باید ترکیب صوتی آن را بر اساس الفبا تعیین کرد. الفباهای ایرانی میانه متکی بر آرامی و علایم کمی دارد. مثلاً، الفبای پهلوی کتابی به صورت موجود تنها ۱۶ حرف دارد، بدون احتساب آنهایی که به وسیله علایم مشخص اختیاری تمیز داده می‌شود. در الفبای اوستایی متکی بر پهلوی کتابی، ۱۴ صوت برای واکه‌ها و ۳۵ نشانه برای همخوانها و نیم‌واکه‌ها وجود دارد. جدول ۱ این الفبا را به صورت حرف‌نویسی بین‌المللی نشان می‌دهد که بر اساس کتاب مشهور پایه‌زبان‌شناسی ایرانی Grundriss der Iranischen Philologie است. این کتاب در آغاز سده بیستم در استراسبورگ انتشار یافت.

الفبای اوستایی

جدول ۱

1. 𐬀	2. 𐬁	3. 𐬂	4. 𐬃	5. 𐬄	6. 𐬅
7. 𐬆	8. 𐬇	9. 𐬈	10. 𐬉	11. 𐬊	12. 𐬋
13. 𐬌	14. 𐬍	15. 𐬎	16. 𐬏	17. 𐬐	18. 𐬑
19. 𐬒	20. 𐬓	21. 𐬔	22. 𐬕	23. 𐬖	24. 𐬗
25. 𐬘	26. 𐬙	27. 𐬚	28. 𐬛	29. 𐬜	30. 𐬝
31. 𐬞	32. 𐬟	33. 𐬠	34. 𐬡	35. 𐬢	36. 𐬣
37. 𐬤	38. 𐬥	39. 𐬦	40. 𐬧	41. 𐬨	42. 𐬩
43. 𐬪	44. 𐬫	45. 𐬬	46. 𐬭	47. 𐬮	48. 𐬯

1. a	2. ā	3. e	4. ē	5. o	6. ō
7. o	8. ō	9. ē	10. q	11. i	12. ī
13. u	14. ū	15. k	16. x	17. g	18. ǵ
19. ǰ	20. ǰ̄	21. t	22. ǰ̄	23. d	24. ḏ
25. ǰ̄	26. p	27. f	28. b	29. w	30. n
31. ǰ̄	32. ǰ̄	33. m	34. n,m	35. y	36. y
37. v	38. v	39. r	40. s	41. z	42. ǰ̄
43. ǰ̄	44. ǰ̄	45. ǰ̄	46. h	47. h̄	48. x̄

گونه مختلف نشانه‌های ساده و مرکب نیز وجود دارد.

نشانه‌های ۳۵ و ۳۷ در آغاز واژه می‌آید، و نشانه ۳۴ به جای نشانه‌های ۳۰ و ۳۱ و ۳۳ در بعضی موارد به کار می‌رود، و نشانه‌های ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ روزگاری از لحاظ ریشه‌ای متمایز بودند ولی این اختلاف در سنت مکتوب از میان رفته است. ۱۴. از آواشناسی زبان اوستایی تنها تصویری کلی می‌توانیم داشته باشیم، زیرا قرائت کنونی متون اوستایی تحت تأثیر زبان مادری پارسیان یعنی لهجه گجراتی

یا فارسی قرار می‌گیرد. در زیر، بعضی از صداهای زبان اوستا بر طبق محتملترین اطلاعات تلفظ سنتی آورده می‌شود: ṣ ṣ̌ صوتی است که از لحاظ فراگویی بی‌شابهت به «(i)» در انگلیسی نیست. ṣ̌ یک a لبی شده است (ظاهرأ یک واکهٔ پسین یا یک واکهٔ دوگانه است). ṣ یک a خیشومی شده است. x صدایی شبیه صدای ch در آلمانی است. ṣ̌ یک پاشیدهٔ دندانی بیواک مانند θ در انگلیسی است. ṣ یک پاشیدهٔ پسین واکدار است. ṣ̌ یک پاشیدهٔ پیشین واکدار است. ṣ̌ پاشیده‌ای که فراگویی نامشخصی دارد و شبیه به صدای ṣ̌ و ṣ است. ṣ̌ یک سایشی پیشین مانند ترکیب ch در انگلیسی است. y عبارت از صدای واکدار مشابه خود آن (ی) است. u پاشیدهٔ واکدار دولبی مانند w در انگلیسی است. ṣ̌ یک واکه‌گون خیشومی پسین و ṣ̌ نوع نرم شدهٔ آن است. ṣ̌ نوع نرم شدهٔ hx و لبی شده x است.

برای ضبط واقعیات زبان زنده‌ای مانند فارسی میانه در زمان ساسانیان کافی بود که لااقل استخوان‌بندی واژه‌هایی را که خط پهلوی منعکس کنندهٔ آنها بود، نشان دهند. پس برای ضبط متونی به زبانی مرده مانند اوستایی لازم بود که تطابق میان نظام خطی و تلفظ با اطمینان بیشتری انجام گیرد.^۹ در این فرایند، هدف این بود که تا حد امکان با تلفظ قابل پذیرش، با همهٔ اختلافات جزئی آن، تطابق برقرار شود (این به خودی خود، هدفی برای بیان متون در تشریفات دینی بود). به همین سبب، هدف از مدارک، تعیین گونه‌های موضعی بود که تغییر واکه‌هایی را که دیگر وجود نداشت منعکس سازد. ابداع‌کنندگان الفبا در دورهٔ ساسانی از عهدهٔ این مسأله بخوبی برآمدند و خط اوستایی صرف‌نظر از بعضی ناهماهنگیهای نظام خطی اجتناب‌ناپذیر، روش متناسبی برای آوانویسی آوایی (ولی نه واجی) در دو گویش به شمار می‌رود: گویش گاهان و اوستای متأخر (همان گونه که سایر بخشهای اوستا

۹) قابل توجه اینکه پس از آنکه فارسی میانه به نوبهٔ خود به صورت زبانی مرده درآمد، الفبای اوستا را برای نشان دادن متون فارسی میانه به صورت آوانویسی به کار بردند (پازند).

نیز معمولاً با همین عنوان نامیده می‌شود).

۱۵. اگر تحریفات ضمن استنساخ را تا حد امکان بتوان نادیده گرفت، می‌توان از روش آوایی به روش واجی دوگوش بالا پی برد. در این تجزیه و تحلیل، باید نه تنها از خود متن مدرک، بلکه از اطلاعات تطبیقی-تاریخی استفاده کنیم. کمبود مدرک کتبی اوستا به ندرت ما را قادر می‌سازد که هر مسأله مربوط به اوستا را بدون فراتر رفتن از حوزه آن حل کنیم.

کوششی در این بازسازی توسط مورگن اشتیرنه به عمل آمد.^{۱۰} وی در اوستا چند ابداع نظام خطی محض را کشف کرد و تشخیص داد مانند: افزایش یک میان هشت به داخل واژه همچنانکه در مورد i و u دیده می‌شود (pati به صورت paiti و daru به صورت dauru). به عقیده او این صورتهای کامی شدن دندانیهایی و لیبی‌ها پیش از (pat'i) i و لیبی شدن r قبل از u - (dar^u) را بوضوح نشان می‌دهد. وی بدین وسیله نظام واجهای اوستائی ساسانی را که در زیر آورده می‌شود نشان داد. (واجهایی که فقط در اوستای متأخر وجود داشته در میان دو قلاب نشان داده شده است).

(۱۰) رجوع کنید به

G. Morgenstierne, Orthography and Sound System of the Avsta NTS, XII, 1942, pp.30-82.

واکه‌ها

i	u	a
e	o	ā
ī	ū	ā

واکه‌های دوگانه

aē	ao
ōi	ōu
āi	āu

همخوانها و واکه‌گونه‌ها

k	x	g	[χ]	ʁ		
č	š	j	[ç]	š	ž	
t	ʃ	d	[δ]	n	s	z
p	f	b	w	m		
			h			
		r	(r ?)	ř		
		Y	V	''		

بدین ترتیب طول واکه‌های e, ʁ, o (ē, ē, o) و ʁ و ʁ تنها گونه‌های واجی هستند) از لحاظ معناشناسی غیر ضروری است؛ صدای ā به طور کلی قرینه کوتاهی ندارد؛ همخوان t گونه t و d است؛ h گونه کامی شده h است؛ x گروه xv یا hv را نشان می‌دهد. نشانه‌های یکسان برای y و v کاملاً جنبه نظام خطی دارد. ارزشهای مختلف واجی نخستین برای سه علامت مشخص کننده ʁ که در متنها به صورت اختیاری به کار می‌رود به قرار زیر است: ʁ (پاشیده پیشین)، ʁ (پاشیده‌ای که مطابق ʁ در فراگویی است) و ʁ (که بیواک پاشیده r است که از rt مشتق شده است). ارزش واجی ʁ مشخص نیست: ظاهراً این یک گونه بیواک r است که در نوشتن به وسیله ترکیب نشانه‌های h و r به کار می‌رود.

(۱۱) این صدا دار V را به کار بردیم و نه مانند مورگن اشتیرنه W را، تا بتوانیم آن را از W متمایز سازیم.

۱۶. بدین ترتیب نظام صوتی زبانی را در دست داریم ولی کدام زبان؟ متن اوستا تلفظ گردآورندگان آن را که حدود سده چهار تا شش میلادی می‌زیستند نشان می‌دهد. رابطه میان این تلفظ و الگوی صوتی گویشهای ایرانی باستان که اساس اوستا را تشکیل می‌داد چه بوده است؟

البته سنت غیرمکتوب باستانی امکان داشت که در انتقال [مطالب] دقیق باشد، و این امر برای عصر ما که اسناد را ضبط می‌کنیم غیرقابل فهم است، ولی حتی در آن زمان بعضی تغییرات غیرقابل اجتناب بود. نظام به همین سبب بویژه آسیب‌پذیر بود. در مواردی که زبان سنتی برای منتقل‌کننده آن کاملاً بیگانه بود، صوتهایی که با زبان مادری او بیگانه بود جای خود را به صداهای دیگر داد که از لحاظ آوایی با طبیعت منتقل‌کننده سازگارتر بود؛ و هنگامی که زبان برای او کاملاً بیگانه نبود، واژه‌هایش ظاهری آوایی می‌یافت که برای او عادی بود و بتدریج همان تغییرات آوایی را که در کلمات زبان بومی وجود داشت پیدا می‌کرد. یک نکته قابل بحث عبارت از سنت کلیسایی اسلاو در خاک روسیه است. اگر چه متون مکتوب آوایی کتابهای کلیسا رضایت‌بخش بود و تمرین بطور مداوم و وسیع صورت می‌گرفت، تلفظ متون کلیسایی همان‌گونه که بنا بر رسم روسها به ما رسیده با نمونه بلغاری قدیمی آن تلفظ کاملاً متفاوت بود و با الگوی روسی نیز فرق داشت (تبدیل خیشومی‌ها به *y* و *q*، از بین رفتن وجه تمایز میان *e* و *ja* و حذف صوتهای کاهش‌یافته و غیره. بدین ترتیب، متن اوستا مدرک موثقی درباره نظام صوتی گویشهای ایران باستان به دست نمی‌دهد، همچنانکه ضبطی از کتاب انجیل که تلفظ آن را یک کشیش روسی در سده بیستم از روی آواشناسی اسلاوی باستان انجام داده است نیز نمی‌تواند معتبر باشد.

البته این مقایسه تنها دلیلی نیست که نظام آوایی متن موجود اوستا مطلقاً مطابق روش گویشهای زنده‌ای نباشد که بر پایه آن قدیمترین بخشهای اوستا متکی بوده است. مقایسه‌هایی با فارسی باستان و همچنین هندی باستان (که نظام دستوری

آن تا حد زیادی شبیه نظام دستوری ایرانی باستان است) و بعضی ملاحظات تطبیقی - تاریخی و زبانشناسی دیگر، این نتیجه را به اثبات می‌رساند که نظام آوایی متن اوستا ناشی از تکامل بعدی در زمینهٔ در زمانی (تاریخی) و گویشی است.

۱۷. بازسازی نظام صوتی نخستین، گذشته از اینکه بخودی خود اهمیت دارد، برای تجزیه نظام دستوری زبان لازم است، زیرا ساخت کلمه اوستایی بر اثر انتقالات بعدی و حذفهای مکرر و صوتهای دخیل نامفهوم می‌گردد. اما نه تنها راه حل معما بلکه بیان آن نیز دشوار است. نظام صوتی کدام زبان را می‌خواهیم بازسازی کنیم؟ از لحاظ زبانشناسی، در اوستا می‌توانیم لا اقل سه بخش را تشخیص دهیم:

(۱) قدیمترین بخشهای یشتها و ویدیوداد که هم در سنت پیش از زردشت و هم در سنت زردشتی تغییراتی از لحاظ آواشناسی، دستوری و واژگانی از یک سو داشته، و از سوی دیگر صورتبندیها، عبارات و قطعات کامل را، که حتی به روزگار جامعهٔ آریایی می‌رسند، حفظ کرده است.

(۲) گاهان دشواری کمتری دارد، زیرا اگر هم تاریخ و محل آنها را دقیقاً نتوانیم تعیین کنیم، (هر چند سدهٔ هفتم تا حدود سدهٔ ششم پیش از میلاد و شمال شرقی ایران را به عنوان اشارات کاملاً احتمالی می‌توان به دست داد) لا اقل می‌شود ادعا کرد که آنها به یک دوره و یک گویش تعلق دارند. اما حتی در این مورد تأثیر سنت را نباید نادیده بگیریم (از لحاظ صوری، وزن گاهان شبیه وزن سرودهای ودایی است).

(۳) در اوستا بخشهایی وجود دارد که پس از گاهان و تا دورهٔ ساسانی به آن افزوده شده است (شاید هم دورهٔ ساسانی را در بر بگیرد). فصلهایی هست که به گویشهای زندهٔ باستانی ایران، و فصلهای دیگری که به «زبان اوستایی» نوشته شده و برای مؤلفان آنها زبان مرده‌ای بوده است. هر دو بخش احتمالاً عبارات، صورتبندیها و بیانهای دارد، و اینها از قسمتهایی افزوده شده که از لحاظ سنتی

وجود داشته و نویسندگان تا اندازه‌ای بر زبان آنها مسلط بوده‌اند.

۱۸. بازسازی آواشناسی گاهان را می‌توان در نظر گرفت. در مورد اوستایی، بطور کلی، بیان این مسأله لا اقل نابهنگام است، زیرا اطلاع ما دربارهٔ تکامل سنت اوستایی در زمان حاضر محدود است.

شق دیگری نیز امکان‌پذیر است: از راه مقایسهٔ زبانهای مرده و زندهٔ ایرانی و هندی باستان صورتهای اوستایی را بازسازی کرده، تا حد امکان به نمونه‌های نخستین ایرانی تا آنجا که ممکن باشد نزدیک شویم، یا به عبارت دیگر، همه صورتهای اوستایی موجود را قطع نظر از زمان و مکان اصل آنها، بر اساس همان سابقهٔ معمول در زبانهای ایرانی متداول طرح ریزی کنیم. درست است که در این مورد، اختلاف میان دو گویش اوستایی و به طور کلی ویژگی زبان آن در مقایسهٔ با مثلاً هندی باستان تا حد زیادی از بین می‌رود، اما این ویژگی را شاید بتوان نادیده گرفت، زیرا عمدتاً در زمانهای بعد حاصل می‌شود، و بیشتر از این لحاظ که نتایج روش مورد بحث قابل ملاحظه است: این روش باعث رسیدن به یک نظام سادهٔ همگون در مورد نشانه‌گذارهای پیچیدهٔ کتاب اوستا می‌شود که در نتیجهٔ آن، ساخت سازه‌ای کلمه اوستایی تا حد زیادی روشن می‌گردد. این روش که به طور کلی به وسیلهٔ همهٔ پژوهندگان ساخت دستوری اوستا به کار رفته است نخستین بار به عنوان یک نظام توسط بنویست در «آوانویسی سازه‌ای» مورد استفاده قرار گرفت. این آوانویسی در این رساله (با حروف بزرگ) با تغییراتی به کار رفته است. ما آن را «آوانویسی مطلوب» می‌نامیم که حاکی از سهولت و جدایی آن از هر واقعیت خاصی است.

۱۹. فهرست واجی زبان اوستایی، هرگاه با آوانویسی مطلوب بیان شود، به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد: چ به عنوان متغیر a, u و i و به عنوان واکه دخیل: همین نکته دربارهٔ o, e و ḁ صادق است که متغیرهای واج را در بعضی حالات و ادغامهای واکه‌های دوگانه و گروهها را در حالات دیگر به اثبات

می‌رساند؛ ae و oi به عنوان متغیرهای واکه‌های دوگانه ai هستند؛ u و o متغیرهای واکه دوگانه au هستند؛ پاشیده‌های واگذار $ā$ ، $ē$ و w به عنوان متغیر بستوایجهای b ، d ، g هستند؛ n و $ṛ$ به عنوان متغیرهای n هستند؛ و y به عنوان متغیر r ؛ در صورتی که $ṣ$ به گروه rt برگردانده می‌شود.

در این آوانویسی، اصول زیر را در نظر می‌گیریم:

(۱) اختلافات میان اوستا و فارسی باستان به شرطی حفظ می‌شود که متغیر اوستایی منظم‌اً ظاهر شود و به وسیله زبانهای ایرانی متأخر نیز تأیید گردد، مانند تطابق d z فارسی در دیگر زبانهای ایرانی در پاره‌ای از حالات (رجوع کنید: بخش ۳۶) — بنابراین az a m ، اوستایی به معنای «من» (ضمیر اول شخص مفرد) به صورت $AZAM$ آوانویسی می‌شود و با فارسی باستان $adam$ تطابق دارد. هنگامی که بعضی عناصر واژه را نمی‌توان از لحاظ ریشه‌شناسی تشخیص داد تعبیرات آوایی مختلف ممکن است رخ دهد ولی، طبعاً نظام همخوانی دستنویس حفظ می‌شود. همین نکته در باره نشان دادن واکه‌ها با ویژگیهای کمی صدق می‌کند، در پاره‌ای حالات چندین متغیر حفظ می‌شود، بویژه در مورد i و u که طول آنها بندرت باعث تشخیص واژه می‌شود و غالباً در اوستا تغییر می‌کند.

(۲) در غیر این صورت واژه مطابق با حالت ایرانی عمومی، آوایی می‌شود. بدین ترتیب، اوستایی — $mašya$ به معنای «مرد» و به معنی «میرا» به صورت $MARTYA$ آوانویسی می‌شود، زیرا — $martiya$ مطابق این کلمه در فارسی باستان است، و در خود اوستا کلمه‌ای از همان ریشه — $amər atāt$ «جاودانگی» وجود دارد، و صورت rt $ṣ$ ویژگی بارز زبانهای ایرانی به عنوان یک شکل مشخص کننده گویشها نیست.

(۳) گاهی برای روشن ساختن کلمه، ترکیب صوتی را برقرار می‌سازیم بدون آنکه تغییری را در نظر بگیریم که این اصوات در چنین ترکیباتی در دوره ایرانی عمومی تابع آنها بوده‌اند یافته‌اند. در این باره صدایی که اصل آن حالتی قدیمتر از

ایرانی عمومی داشته باشد به وسیله نویسه با نقطه‌ای در زیر آن نشان داده می‌شود. هرگاه مثلاً مجبور باشیم پایانه امری میانی *sua را در پاره‌ای از ترکیبات جدا کنیم، baraḡuha به معنای «حمل کن!» به صورت BARHVA یا BARA.SVA آوانویسی می‌شود. kərašva به معنای «کن!» به صورت KRŠVA یا KR - ŠVA آوانویسی می‌شود؛ اگر مثلاً لازم باشد ریشه gan در شکل امری معلوم yaiḡi به معنای «بزن!» را نشان می‌دهیم، به جای آوانویسی متداول JADi، صورت JN - DI یا GN - DI را به دست می‌دهیم. نیازی نیست که زیر نشانه‌هایی که برای واکه‌های N و M به کار می‌رود نقطه‌ای بگذاریم، زیرا بازسازی آنها همیشه ما را فراتر از زبان ایرانی می‌برد که در آنجا به صورت A در می‌آمدند.

آوانویسی مطلوب همه جا در نسخه قدیمی برای مقایسه و تحقیق به صورت همسان نشان داده می‌شود.

۲۰. فهرست واجی مطلوب در اوستا را به طریق زیر می‌توان نشان داد:

					واکه‌ها	
					Ā	A
					U	I
					Ū	Ī
M	N	R	V	Y	واکه‌گون‌ها	
					AU	AI
					ĀU	ĀI
					G	X K
Ž	Š	J	Š	Č	همخوان‌ها	
Z	S	D	Θ	T		
H		B	F	P		

واکها

۲۱. همهٔ واکه‌های هند و اروپایی (a, o, e) که وارد مرحلهٔ میانی هند و ایرانی و بنابراین مرحلهٔ هندی و فارسی باستان و اوستایی شده‌اند، در وضعی که تابع تأثیرات واکه‌ای سازه‌ای نباشند، به صورت a و همهٔ واکه‌های بلند (ā, ē, ē) به صورت ā درمی‌آیند.

• اوستایی hapta, HAPTA فارسی نو haft, هندی باستان sapta, لاتین septem, «هفت».

• اوستایی AŠTĀ, ašta, فارسی نو hašt, هندی باستان astā, لاتینی octō, یونانی باستان ὀκτώ «هشت».

• اوستایی azāmi, هندی باستان ajāmi, لاتینی agō یونانی باستان ἄγω «(من) رهبری می‌کنم»

• اوستایی mā, هندی باستان mā, یونانی باستان μά «(علامت نهی)».

• اوستایی āsuš, هندی باستان ācus, یونانی باستان ἄσους «(سریع)».

• اوستایی mātā, فارسی نو mād- ar, هندی باستان mātā, لاتینی māter, یونانی باستان μάτηρ «(مادر)».

واکهٔ کاهش‌یافتهٔ هند و اروپایی و بازسازی شده از تطابق‌های ساخته شدهٔ quattuor در لاتینی، و یونانی باستان τετταρες, τετταρες در هند و ایرانی به صورت a: اوستایی ČAΘVĀRAH čaewārō و هندی باستان čatvāras «(چهار)» منعکس شده است.

۲۲. بازتاب • هند و اروپایی. از آنجا که طنین کیفی واکه‌ها در زبانهای هند و ایرانی وجود ندارد، نیازی به تشخیص حنجره‌ایها نیست و بجاست که تنها دو عامل را ذکر کنیم:

(۱) واکه ɔ در هند و ایرانی به صورت i منعکس می‌شود: اوستایی Pita (۱) واکه ɔ فارسی باستان Pitā هندی باستان Pita با لاتینی Pater, یونانی باستان πατήρ

«پدر»، فارسی نو pidar. در هجای دوم در ایرانی برخلاف هندی، این واکه اصلاً منعکس نمی‌شود: اوستایی DUGDĀ dug ə da، با هندی باستان duhitā، یونانی باستان $\mu\delta\eta\gamma\alpha\varsigma$ «دختر».

(۲) همخوان $\mathfrak{d}$ بدین گونه منعکس نمی‌شود ولی تأثیر آن بر نظام همخوانهای بیواک و تحولات تدریجی واکه‌ها و واکه‌گونه‌ها آشکار است. (رجوع کنید به بخشهای ۲۵ و ۲۷).

واکه‌گونه‌ها

۲۳. از میان واکه‌گونه‌های هند و اروپایی که به صورت واکه هستند، همخوانها یا عناصر واکه‌ای دوگانه ثانوی متکی بر وضع زیر هستند.

m	n	l	r	v	y
$\mathfrak{m}$	$\mathfrak{n}$	$\mathfrak{l}$	$\mathfrak{r}$	u	i

و $\mathfrak{u}-v, i-y$ و $\mathfrak{r}-\mathfrak{r}$ که با آنها صدای هند و اروپایی I آمیخته است، در هند و ایرانی و ایرانی به همین صورت حفظ شده است:

$\mathfrak{y}$ - اوستایی YUVAN-yvan، هندی باستان yuvan، لاتینی juven «جوان»؛

$\mathfrak{i}$ - اوستایی IDI idi هندی باستان ihi، یونانی باستان $\iota\eta\iota$ «رفتن»؛

$\mathfrak{v}$ - اوستایی vīra، هندی باستان vīra، لاتینی vir «مرد»؛

$\mathfrak{u}$ - اوستایی UPARI upairi، هندی باستان upari، یونانی باستان $\upsilon\pi\alpha\rho\iota$

«روی»؛

$\mathfrak{r}$ - اوستایی BARĀMI barāmi، هندی باستان bhrāmi، یونانی باستان $\beta\rho\rho\alpha\mu\iota$

«حمل کردن»؛

$\mathfrak{i}$ - اوستایی RINAXTI irinaxti، هندی باستان rinakti، مقایسه شود با یونانی

$\rho\iota\tau\alpha\kappa\tau\iota$ «ترک کرد».

$\mathfrak{r}$ - اوستایی ZRDĀ zərəda، هندی باستان hrdā، لاتینی cordis، یونانی

باستان $\mu\delta\mu\epsilon\mu$ «(دل)».

Ā - اوستایی VRKAH vəhrkō ، هندی باستانی vrkas «(گرگ)»؛

n و m از نظام واکه‌گونها حذف شده‌اند: تنها متغیرهای همخوان آنها حفظ

می‌شود در صورتی که متغیرهای واکه‌ای به صورت a منعکس می‌شوند:

n و m اوستایی nāma ، فارسی باستان nāmā ، هندی باستان nāma ، لاتینی

nomen «(نام)»؛

ñ - اوستایی JNDI Jai «(بزَن)» (از $\sqrt{Gn}$)؛

m̐ - اوستایی SATAM satəm ، لاتینی Kmtom < Centum «(صد)»؛

انعکاس دیگری از واکه‌گونها وجود دارد: یک واکه‌گون قبل از واکه، هجایی

می‌سازد. در این باره، واکه‌گون هند و اروپایی تجزیه شده و گروهی مرکب از یک

واکه‌ونیم واکه مانند iy, uv, rr, ll, nn, mm می‌سازد گروههای iy و uv در هند و

ایرانی باقی می‌مانند، ولی یافتن آنها در ایرانی به سبب ویژگیهای خط اوستایی و

فارسی باستان دشوار است؛ rr بر چ r قابل انطباق است (رجوع کنید به بخش

(۲۵)؛ nn با mm با an و am بترتیب منطبق می‌شود:

mm - اوستایی DASAMAH das ə mō ، هندی باستان daṣamas ، لاتینی

decimus «(دهم)»؛

ñn - اوستایی AN - ĀHITĀ anāhita «(بدون عیب)»، مقایسه شود با aṅhaiṣyō

AHAΘYAH(N) ، هندی باستان asatyas «(بی‌وفا)».

درجه‌بندی واکه‌ای

۲۴. زبان هند و ایرانی پس از آنکه تغییر واکه‌ای کیفی هند و اروپایی (ē:ō) را

از دست داد، درجه‌بندی کمتی را که کلاً با سه مرحلهٔ تقلیلی محدود می‌شود (صفر -

a - ā) حفظ کرد و آن را تکامل بخشید.

هرگاه هجا، واکه‌گون نداشته باشد (یا ɔ موجود نباشد، این قاعده فقط

متغیرهای تقلیل امکان‌پذیر را نشان می‌دهد (حروف s و p به صورت نمادین نشان‌دهنده هر نوع از همخوانها هستند):

SĀP SAP SP

مرحله اول را مرحله صفر، دوم (guna بر طبق اصطلاح‌شناسی سنتی هندی) را مرحله میانی و سوم را (V. rddhi بر طبق اصطلاح‌شناسی سنتی هندی) مرحله بلند می‌نامند.

۲۵. هرگاه هجا شامل یک واکه‌گون باشد ولی اثری از ɔ دیده نشود، واکه‌گون در مرحله صفر به صورت یک واکه کوتاه در می‌آید:

مرحله بلند	مرحله میانی	مرحله صفر
SĀIP	SAIP	SIP
SĀUP	SAUP	SUP
SĀRP	SARP	SRP
SĀNP	SANP	SAP

این نظام درجه‌بندی، تا اندازه‌ای درجه‌بندیهای کتی هند و اروپایی را ادامه می‌دهد، چنانکه در حالت‌های کلمه «پدر» دیده می‌شود:

یونانی	اوستایی	
πατερ	pi 𐬛re PITRAI	برای
πατερ	pitar 𐬛m PITA RAM	رای
πατερ	pita PITĀ	فاعلی

اما این نظام، به همان نسبت که جانشین درجه‌بندی کیفی از دست رفته در تضادهای سازه‌ای می‌شد، تا حد زیادی در سرزمینهای هند و ایرانی تکامل یافت. بدین ترتیب، ā:a هند و ایرانی ممکن است مطابق درجه‌بندی هند و اروپایی ē:o در یک هجای باز باشد (قانون بروگمن Brugmann). بدین ترتیب، BARAYA در اوستایی صورت تشدید یافته - BARA - bara (من می‌برم) است و در یونانی به همین ترتیب εἰς : εἰς را داریم.

۲۶. درجه‌بندیهای ویژه ولی زنده به وسیله هجاهایی نشان داده می‌شود که دارای ɔ هستند: SP ɔ (در اینجا هجایی را به دست می‌دهیم که مطابق معمول کاهش نداشته است). چنین هجاهایی لا اقل در آغاز، دارای تغییرات کاهش بلند نبوده‌اند، ولی مرحله میانی (ɔ) به دو صورت متغیر امکان‌پذیر بود: پیش از عنصر دوم و سوم هجا:

مرحله صفر مرحله میانی

SPA ɔ SAP ɔ SP ɔ

در مرحله صفر، ɔ به صورت واکه i منعکس می‌شود؛ ɔ + a به صورت ā در می‌آید؛ واکه‌گون به اضافه ɔ یک واکه‌گون بلند می‌سازد. بدین ترتیب، الگوی درجه‌بندی زیر را می‌یابیم:

c	b	a	
SPA ɔ	SAP ɔ	SP ɔ	SP ɔ - ۱
SP ā	SAP	SP i	SY ɔ - ۲
SY ā	SAI	S ī	SV ɔ - ۳
SV ā	SAU	S ū Š ū	SR ɔ - ۴
SR ā	SAR (sir, sur هندی), S ā	Š ŋ SAN	SN ɔ - ۵

(۱) DA - D - MAHI dad əmahī√Də ((ما) می دهیم)) (C) DADĀ - TI dadāiti

((او) می دهد)) (C) BĀ - NU - √B̄ əbānu ((روشنایی)) (a) vi - BI - TI - viviti -
((سپیده دم)).

(۲) GĪ - TI Jiti - √GYə ((a) GAI - A gaya - (b) JYĀ - TU - Jyātu - (c) زندگی)).

(۳) ZVĀ - zbā - (b) ZAV - zav - (a) zū - zv - zūzv - √zvə

((نامیدن)): BAV - A - bava - √B Və (b) «شدن» BŪ - TA - būta (a) وجه
وصفی.

(۴) DARG - AH dar əgo√DRəG ((دراز)) هندی باستان dirghas (a)

(c) DRĀG - AH drājō ((دراز)).

(۵) ZĀ - TA - zāta - √ZNə (a) «متولد شده» (b) ZI - ZAN - zizan -

((زاییدن)) (C) ZNĀ - TA - šnāta هندی باستان Jnāti «خویش».

همخوانها

۲۷. جدول ۲ تکامل تاریخی نظام همخوانی را از دوره هند و اروپایی تا حالتی

که در اوستا ثبت شده است نشان می دهد.

در حالتی که صوتهای هند و ایرانی و هندی با هم تفاوت دارند، اصوات
هندی در میان دو قلاب نشان داده می شود. بعضی صوتهای هندی که فقط در حالات
ویژه ای تکامل می یابند (در این جدول) ثبت نشده اند. هرگاه صوتهای فارسی
باستان با قرینه های اوستایی خود متفاوت باشند صوتهای فارسی باستان را در
داخل گروه می آوریم.

۲۸ - برخلاف هند و اروپایی عمومی، در زبانهای سَتم sat əm یک ردیف

پسکامی ساده g, gh, k با ردیف لبی شده های k̄, ḡ, ḡh در هم می آمیزد. از ردیف
حاصل، ردیف دیگری اما با ویژگی متفاوتی تکامل می یابد: کامی (سقی) شدن
ثانوی قبل از واکه های پیشین k̄, ḡ, ḡh.

صوت‌های مرکزی (آمیخته) هند و اروپایی یعنی صداهاى k ، g ، gh در زبان‌های
سَتم، تمایل به پاشیده شدن دارد.

gh, ġ, k' هند و ایرانی کامی شده یک ردیف همخوان مرکب ċ, ĵ, ħ را ساخت. از دست رفتن ħ به عنوان یک صوت مستقل، ترکیبات اصوات بیواک را با ħ به صورت واج در آورده ردیف تازه‌ای ایجاد کرد: دمیده‌های بیواک ph, th, kh, ċh. (چنین تصور می‌شود که این دمیده‌های بیواک به هند و اروپایی عمومی باز می‌گردد).

در ایرانی اصوات ساده بیواک هند و ایرانی قبل از واکه‌ها و پس از s بدون تغییر می‌مانند:

p هند و ایرانی، در اوستایی و فارسی باستان PITĀ Pitā، هندی باستان Pitā یونانی باستان ΠΑΤΗΡ «پدر».

t هند و ایرانی، اوستایی TUVAM tūm، فارسی باستان tuvam و هندی باستان tvam. «تو».

اوستایی STRĪ - stri- و هندی باستان strī «زن».

ċ هند و ایرانی، اوستایی HAČATA! hačate، هندی باستان Sacate و لاتینی Sequitur، «تعقیب می‌کند».

k هند و ایرانی، اوستایی VRKAŠ Vəhrkō، هندی باستان vrkas، فارسی نو gurg بلوچی gvark و یغناپی urk «گرگ».

۲۹. در حالات دیگر، اصوات ساده بیواک، به صورت پاشیده‌های بیواک قرینه درآمدند اما p در اوستایی قبل از t باقی ماند.

p هند و ایرانی، اوستایی TAPSAT tapsat، SAT - TAP، «گرم شد»، TĀPAYA «گرم شدن»، ولی اوستایی HAPTA hapta، هندی باستان sapta (فارسی نو) haft «هفت».

t هند و ایرانی، اوستایی tvam، فارسی باستان TVĀM, ØVAM، tvām «تو».

ċ هند و ایرانی، اوستایی AČYAH, AŠYAH ašyo «خشمگینتر» از هندی

باستان AKA «خشمگین».

k هند و ایرانی، اوستایی *xrūra* - *XRURA*، هندی باستان *krūra* «خونین».

۳۰. دمیده‌های بیواک همان پاشیده‌ها را به وجود می‌آورند، اما پس از *s* شبیه اصوات ساده بیواک منعکس می‌شوند:

ph هند و ایرانی، اوستایی *safa* - *SAFA*، هندی باستان *sapha* «سم»، اما اوستایی *Frasparat* - *SPARAT* - *FRA*، هندی باستان *a - sphurat* «ساخته شده برای».

th هند و ایرانی، اوستایی *a θā* - *Aθā*، هندی باستان *athā* «سپس»، اما اوستایی *hištaiti* - *HIŠTATI*، *TI* - *ŠTĀ* - *ŠI*، هندی باستان *tištathi* «می‌ایستد».

čh هند و ایرانی، اوستایی *haše* - *HAŠYAI*، *AI* - *HAXY* «به یک دوست» (فاعلی *haxā* - *HAXĀ*)، هندی باستان *sakhā*، ولی *SCANDYATI* *sčandayeiti* «می‌شکند» (هندی باستان *skhadate*).

kh هند و ایرانی، اوستایی *haxa*، هندی باستان *sakhā* اما *SKANDAH* *skāndah*، «(تخریب) (همان ریشه *Sknd* برای *SCANDAYATI*).

این تطابقها همیشه منظم نیستند. بدین ترتیب اوستایی *kana* - *KANA* «کندن» فارسی نو - *kan* (هندی باستان - *khana*) وجود دارد، اما همچنین در فارسی نو *xandaq* «خندق» که ظاهراً به همان ریشه باز می‌گردد و برعکس: *xšafa* همراه *XŠAPA* «شب»، هندی باستان *kṣapa*، *MAIΘANAM* *maēθānəm* «مسکن» فارسی نو «*mēhan*» - *mitaya* - *MITAYA* «ساکن شدن».

۳۱. اصوات واکدار ساده باقی می‌مانند و با دمیده‌های واکدار به صورت یک ردیف در می‌آیند:

b هند و ایرانی، اوستایی *barəzant* - *BRZANT*، فارسی نو *buland*، هندی باستان *br̥hant* «بلند».

bh هند و ایرانی در اوستایی و فارسی باستان BRĀTĀ brātā، فارسی نو ar - barād، هندی باستان bhrātā «برادر».

d هند و ایرانی، اوستایی DASA dasa، هندی باستان daṣa، فارسی نو dah «ده»؛ DĀ - dā اوستایی «دادن»، فارسی نو dādan، هندی باستان - dā، یونانی δα - δέ.

dh هند و ایرانی، اوستایی DĀ - dā «دادن»، «آفریدن»، هندی باستان - dhā، یونانی δῆ - δῆμι.

ḍ هند و ایرانی، اوستایی AUḤAH aoḥō، هندی باستان oḥas «نیرو».

ḷh هند و ایرانی، اوستایی ḷANTI ḷainti، هندی باستان hanti «می‌زند».

g هند و ایرانی، اوستایی GARI - gairi، هندی باستان - giri «کوه».

gh هند و ایرانی، اوستایی GARMAH garəmə، هندی باستان gharman «گرما».

۳۲ - دمیده‌های میانی (مركب) باستانی جنبه‌دمیدگی خود را از دست داده و با اصوات ساده ترکیب شده‌اند. حرف ځ و ګ در ایرانی که از آنها ناشی شده است، S و Z را در اوستایی و ځ و ګ را در فارسی باستان بوجود آورد:

t' هند و ایرانی، اوستا - VIS - vis، فارسی باستان - vi، هندی باستان، Viç، یونانی باستان οἶκος «خانه».

t'h هند و ایرانی، اوستایی PRṢATI pərəsaiti، هندی باستان prcchati «می‌پرسد» (با پسوند آغازین).

d' هند و ایرانی، اوستایی ZANTUŠ zantuš، هندی باستان ḷantus، لاتینی genus، یونانی باستان γένος «قبیله».

d' h هند و ایرانی، اوستایی VAZATI vazaiti، هندی باستان Vahati، لاتینی Vehit «می‌برد». گروه v و ځ در اوستا sp و zb را به وجود آورد:

v ایرانی، اوستایی ASPAH aspō، فارسی نو asp، هندی باستان aṣvas،

لاتینی equus «اسب».

۷k ایرانی، اوستایی ZBAYATI, zbayeiti، هندی باستان hvayati «می نامد».

۳۳. صفیری s در هند و اروپایی با گونه z در هند و ایرانی ž را با گونه ž پس از واکه گونهای i, u, r و پس از k به وجود آورد. در ایرانی، z, š, ž در همه حالات باقی می ماند، و تنها پیش از انسدادیهای بیواک و پس از t, d, n نیز باقی می ماند. در حالات دیگر به صورت h یا š (در ترکیبات با همخوانها) در می آید.

s ایرانی در اوستایی - STAR - star، فارسی نو sitāra، هندی باستان star، یونانی باستان στῆρ «ستاره»، اوستایی ČVANT - S čvaṣ، لاتینی quantus «(در مقدار یا اندازه)».

z ایرانی، در اوستایی ZDI zdi، -DI - Š، یونانی باستان ζη «باش!».

h ایرانی، در اوستایی HAPTA hapta، هندی باستان sapta، لاتینی septem «هفت».

š ایرانی، در اوستایی nišad - NI - ŠAD «نشستن»؛ اوستایی duš، یونانی باستان νῆσδایشوند به معنی «(بد)»، «نفرت انگیز»؛ اوستایی TARŠNAH taršnō - «تشنگی»، یونانی باستان τῆρσῆμ «خشک می کنم»، اوستایی VAK - ŠAT vaxšaṭ «خواهد روید»؛ مقایسه کنید با یونانی باستان νῆσδایش، اوستایی DRAFŠAH drafšō، فارسی نو dirafš، هندی باستان drapsas «درفش».

ž ایرانی قبل از صوتهای واکدار اوستایی MIŽDAM miždām «کیفر»، و غیره.

۳۴. تغییرات موضعی همخوانها. از آن چه در بالا (بخشهای ۱۵ تا ۱۸) در باره ناهمگونی ملاک اوستایی و پیروی از سنت اجتناب ناپذیر کهن در مورد کوششهایی جهت کاهش آن به یک نظام واحد گفتیم چنین برمی آید که در بسیاری از حالات، نشان دادن (۱) تغییرات صوتی کامل شده در ایرانی، (۲) تغییرات موضعی زبانهای ایرانی باستان و (۳) تغییرات موضعی که به وسیله منتقل کنندگان متأخر

متداول شده، دشوار است.

نمونه‌های موثق تغییرات نوع اول را می‌توان به دست داد (انتقال s < h پیش از یک واکه، زیرا s که بتازگی ایجاد شده به صورت h در نمی‌آید چنانکه می‌بینیم *pr^h-s^ha-ti ← PRṣATI pərəsaiti «می‌پرسد»)، و برای تغییرات نوع سوم (مثلاً y < u < b در UBAI tye به معنای «هر دو»): چنین تغییراتی را در آوانویسی به حساب نمی‌آوریم. تغییرات نوع دوم را بدشواری می‌توان از تغییرات نوع اول یا نوع سوم جدا کرد. بنابراین، هرگاه بکشیم تغییرات نوع سوم را (با شروط مذکور در بخش ۱۷) نادیده بگیریم نباید بکشیم که تغییرات نوع دوم را از تغییرات نوع اول به طور جدی جدا کنیم. در اینجا مهمترین آنها را برمی‌شماریم:

(۱) همگونی

(a) به وسیله جای فراگویی: HAM - ĴAMANAM han - Ĵamanəm، فارسی anĵaman «انجمن»؛

(b) به وسیله رسایی (پرسدایی): AṢT - BIŠ AZDBIŠ azdəbiš «به وسیله استخوانها» ASTAH, astō «استخوان» (مفرد اضافی).

قانون بار تولومه تحت همین عنوان می‌آید. این قانون هنگامی عمل می‌کرد که دیش همخوانهای واکدار هنوز از میان نرفته بوده است: دمیده واکدار به اضافه همخوان ساده بیواک به صورت همخوان واکدار به اضافه دمیده واکدار در می‌آید. بدین ترتیب، در هندی - badha, badh+ta «بسته» را به وجود می‌آورد. در ایرانی، دیش از میان رفت ولی رسایی (پرسدایی) به طور مداوم در گاهان حفظ شد: AUGDA aogəda «گفت» از augh + ta، مقایسه کنید با هندی باستان ahate «می‌گوید».

اما در اوستای متأخر، تمامی گروه بیواک شد: AUKTA > AUXTA aoxta، در هندی - buddha مطابق basta است (در باره s نگاه کنید به مطلب زیر)، فارسی جدید «bast».

- (۲) - ناهمگونی. دندانی قبل از t به صورت s و قبل از d به صورت z درمی آید: DAD - TA dasta «(داد)»، DAD - DI dazdi «(داده!)»
- (۳) - پاشیده شدن بستوایجهای بیواک قبل از همخوانها (نگاه کنید به بخش ۱۹)، ظاهرأ به صورت یک فرایند زنده ادامه یافت: AUGDA و سپس از هنگامی به وجود آمد که تغییر AUXTA > AUKTA انجام پذیرفت.
- (۴) - حذف یکی از همخوانها یعنی صدای آغازین که احتمالاً یک فرایند نسبتاً باستانی بوده است:

TĀTA - tāta - «(افتاده)» که از P.TĀTA - Pta - ta - می آید و BITYAN bityō «(دوم)» که از D.BITYA - DṽTYA - می آید (در ایرانی جنوب غربی، برعکس، v حذف می شود: dīgar «(دیگر)» از dīdīgar است که از صورت dvitiya - kara - ناشی می شود؛ صورت TŪRYAH tūiryā «(چهارم)» از K.TŪRYA - می آید، مقایسه شود با Ā - KTŪRYAM āxtūirīm «(چهار بار)»؛ mahi صورت فعل پیشوندی اول شخص جمع از HMAHI، MAHI - ṣ است.

- (۵) - پیدایی صورت ساختگی x در همان وضع برای گروه š (š, z, s) + همخوان: XŠVAŠ xšvaš، هندی باستان ṣaṭ، فارسی نو šaš «(شش)»؛ ZI - ZNĀ - ṢA - zixšnā hə mna «(میل به آموختن)»؛ مقایسه شود با فارسی نو šināxtan «(آموختن)» و هندی باستان ĩjñāsati، فارسی باستان Xšnāsatiy، یونانی باستان ἡξνάσαντες.

- (۶) همنشینی خارجی*، یعنی تغییرات اصوات آغازین و پایانی کلمه همراه کلمه دیگر و نسبتاً بندرت روی می دهد. حالات منظم تنها بر اثر ترکیباتی با واژه بندها ایجاد می شود: ZYĀS - ČIT zyāščit «(زمستان)» (cit یک جزء کلی ساز است) به جای صورت متداول ZYĀH Zyā «(بخش ۳۳)» است. این حالت برای کلمات مستقل نادرتر است: KASΘVAM - kasəwəm، اختلاط این

* Outer Sandhi

صورت با همنشینی *Kastvām* و عملاً بدون همنشینی *KAHΘVĀM kōwam* می‌آید (نگاه کنید: بخش ۲۸، ۲۹ و ۳۳).

نواخت (آهنگ) و تکیه

۳۵- مدارک اوستایی حاوی هیچ‌گونه نشانه‌ای از نواخت (آهنگ) نیست. اما باید فرض کرد که زبان کهنترین بخشهای اوستا دارای یک نظام نواختی شبیه به نظام هندی بوده است. همه آثار آن در گونه‌های املایی مانند *aoš* - *uš* - به جای *AUŠ* یافت می‌شود که نتیجه حالت اضافی از اسمهایی است که ستاکهایی با *U* دارند. پدیده زیر در گاهان و سایر بخشهای مربوط به وزن شعر در اوستا دیده می‌شود: بعضی هجاهای طولانی در وزن به عنوان دو هجا محسوب می‌شوند و نشان می‌دهند که همانهایی بوده‌اند که در زبانهای باستانی برای نواخت علامت مشخصه‌ای* داشته‌اند: مانند پایان حالت اضافی ملکی جمع *AM* - (یونانی باستان *ᾶ*). در نتیجه جای نواخت ظاهراً در یونانی به دومین هجای مانده به آخر^{۱۲} محدود شد، با گذشت زمان، نواخت از میان رفت و در زبانهای ایرانی تکیه فشار تکامل یافت که جای آن با همان قاعده که در لاتینی هست تعیین می‌شود. مثلاً در لاتینی اگر بلند باشد هجای ماقبل آخر، تکیه می‌گیرد و هر گاه دومین هجای مانده به آخر کوتاه باشد دومین هجای ماقبل آخر تکیه می‌گیرد^{۱۳}. این وضع با انعکاس کلمات مختلف در زبانهای ایرانی نو نشان داده می‌شود که در آنجا واژه‌های بعد از تکیه حذف می‌شوند: اوستایی *VĪSATI vīsaiti*، فارسی نو *bīst*، بلوچی *gīst*، وخی *wīst* و مانند

* Circumflex

(۱۲) رجوع کنید به:

J. Kurylowicz, *Traces de la place du ton en gathique*, Paris, 1925.

(۱۳) رجوع کنید به:

R. Gauthiot, *De L'accent d'intensité en Iranien*, - MSL, XX, 1, 1916.

«مرگ» است. در این جایک اختلاف در زمانی به جای گویشی داریم در صورتی که نظام صوتی نسخه اوستا رویهم رفته به سبب تغییرات انتقالی آن صورتهای متاخرتر از صورتهای فارسی باستان و صورتهای فارسی میانه نزدیک به آن دارد، از سوی دیگر، اوستا جنبه‌های کهن بسیار، مانند حفظ نسبی پایان کلمات را دارد: AH - و AT - پایانی بوضوح قابل تشخیص‌اند، زیرا بترتیب به *ō* - و *at* - مبدل می‌شوند، در صورتی که در فارسی باستان گاهی *a* جای آنها را می‌گیرد.

همان ویژگیهای فارسی باستان که آنها را می‌توان گویشی دانست در گویشهای جدید جنوب غربی یافت می‌شود. اما ویژگیهای اوستا در هیچ گویش جدید متفاوت دیگر ادامه نمی‌یابد بلکه فقط در ترکیبات متفاوت از گویشهای گوناگون، هم ایرانی غربی و هم ایرانی شرقی دیده می‌شود. بنابراین، تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای نظام صوتی زبان اوستایی ما را در مورد یافتن محل اوستا به یک نتیجه رهنمون می‌شود: اوستا در فارس (پارس) نشأت نگرفت و پارسیها قبل از تدوین آن، منتقل‌کنندگان آن نبودند.

۳۷. اما در مورد اختلافات آوایی میان گاهان و اوستای متأخر، به اختلاف عمده عملکرد قانون بارتولومه می‌انجامد (بخش ۳۴، ۱)، و آن در صورتی است که پدیده‌هایی را نادیده بگیریم که فرض می‌کنیم بعدها نشأت گرفته‌اند و ما آنها را در آوانویسی منعکس نمی‌کنیم (مثلاً پاشیده شدن همخوانهای واکدار در وضع میان واکه‌ای در اوستای متأخر، طول واکه پایانی در گاهان و کوتاهی آن در اوستای متأخر بدون توجه به ریشه‌شناسی و جز آن). معلوم شده است که ضمن آنکه واکدارها به اضافه گروههای دمیده واکدار که از این قانون نشأت می‌گیرد در زبانهای ایرانی غربی بیواک می‌شوند، در زبانهای ایرانی شرقی تمایلی وجود دارد که نه تنها رسایی (پرسدایی) این گروهها را حفظ می‌کنند بلکه گروههایی را که از لحاظ ریشه‌شناسی بیواک اندر سا (پرسدا) می‌سازند، مانند *avd* (اود) در سغدی، آسی، یغناپی. *awd* («هفت») از ریشه *hafta* یا *hapta*. این نکته حدس ما را در مورد

اصل ایرانی شرقی بودن گاهان تأیید می‌کند و با این سنت که زردشت در باکتریا (بلخ) زیسته و آیین خود را در آنجا تبلیغ کرده است، هماهنگی دارد.

سازه شناسی

تجزیه و تحلیل کلمات از نظر سازه‌شناسی

۳۸. ریشه. ریشه هند و اروپایی مطلوب یک هجایی است و الگوی زیر را دارد (برای آنکه مطلب را واضحتر بگوییم از عناصر ساختگی استفاده می‌کنیم که بیشتر موجه است، زیرا ریشه‌ای نیست که از آن صورتهای دستوری بتوان استخراج کرد):

(۱) همخوان (واکه‌گون) + همخوان (واکه‌گون): آن چه که ریشه ضعیف SP، SV، SY، SR شناخته می‌شود:

(۲) همخوان (واکه‌گون) + واکه‌گون + همخوان (واکه‌گون): آن چه که ریشه قوی SYP، SUP، SRP نامیده می‌شود.

همخوان آغازین در مدارک مکتوب اختیاری است و ممکن است ریشه‌هایی مانند P، YP، UP، RP، وجود داشته باشد.

همان گونه که در سایر زبانهای هند و اروپایی باستانی مکتوب دیده می‌شود، در زبان اوستا، غیر از ریشه‌های مطلوب، ریشه‌های دیگری وجود دارد با تعداد زیادتری همخوان که شاید ادامه ریشه‌های باستانی دیگری باشد، مانند TVRS «آفریدن».

کاهش، (رجوع کنید به بخشهای ۲۳ تا ۲۵) وابسته به معنی لغوی ریشه نیست، و کاهشهای مختلفی برای ترکیبات سازه‌ای پیش می‌آید. هر ریشه ممکن است سه مرحله کاهش داشته باشد (به منظور سادگی، به ریشه‌هایی که شامل ۶ باشد رجوع نمی‌کنیم):

SĀP	SAP	SP
SĀIP	SAIP	SIP

اما در نظام درجات کاهش سازه‌ای، چنین ثباتی را که مثلاً در زبان عربی کلاسیک دیده می‌شود نمی‌یابیم. بعضی از ریشه‌ها دارای هر سه مرحله کاهش‌اند: UPA-PDI upabdi، «درپای تپه» padəbiš «به وسیله پا» PADAM pākam، «پا» (رایی)؛ در صورتی که سایر ریشه‌ها فقط دو مرحله دارند: AP-AM apam «آب»، «آب» AP-AM apam «آب» (اضافی) و بعضی فقط یک مرحله دارند — ast «استخوان».

گذشته از این، اگر هم هر سه نوع کاهش وجود داشته باشد همان مراحل (صفر، میانه و بلند) گاهی معانی سازه‌ای مختلف برای ریشه‌های مختلف دارند. مثلاً در مورد ریشه‌هایی با یک واکه‌گون و ریشه‌های «ضعیف» (یعنی ریشه‌های شامل یک همخوان و یک واکه‌گون یا دو همخوان) متداولترین رابطه عبارت است از:

	SĀP	SAP	SP
SĀIP	SAIP	SIP	

یعنی مرحله صفر ریشه با یک واکه‌گون است و نه مرحله میانه، که مطابق مرحله میانه کاهش ریشه ضعیف است. مرحله میانه ریشه با یک واکه‌گون مطابق مرحله بلند ریشه ضعیف است. بدین ترتیب، در اشتقاق صفت فعلی با پسوند TA -، ریشه SRV «شنیدن» به مرحله کاهش صفر می‌رسد: TA - SRU - در صورتی که ریشه ضعیف YZ به معنای «پرستیدن، قربانی کردن» کاهش میانی می‌یابد: YAŠTA -، TA - YAZ.

کاهشهای مختلف در بخش مربوط به تشکیل ستاک‌های بخشهای مختلف گفتار خواهد آمد.

اگر چه در بعضی حالات، ریشه در وهله اول حاکی از یک صفت، نسبت یا عمل است، و نمی‌تواند با بخشهای مشابه گفتاری پیوستگی داشته باشد. تنها ستاک

است که حاکی از بخش قطعی گفتار است.

۳۹. ستاک. هم اسم و هم ستاکهای فعلی ممکن است از لحاظ شکل با ریشه (ستاکهای ریشه‌ای) منطبق باشند، ولی غالباً از ریشه به وسیله شیوه‌های شکلی مختلف یا ترکیب ریشه‌ها مشتق می‌شوند. این شیوه‌ها را به شرح زیر برمی‌شمرند.

(۱) تکرار:

(a) تکرار تام: ZAU - ZAU - MI zaozaomi «می‌نامم» جایی که: ZAU - ZAU ستاک فعل از ریشه $\sqrt{ZV}$ است.

(b) تکرار عادی که در آن عنصر تکرار شونده پیش از ریشه می‌آید و نخستین همخوان را در بر می‌گیرد (یا یکی از همخوانهای گروه نخستین را) و یک واکه یا نیم واکه را: Vavača «می‌گوید» جایی که VA - VAC̣ ستاک فعلی کامل از VK است. KI - KR - A - Čixra «نیرو» که ستاک اسمی از KR است.

(۲) پسوندسازی. شمار پسوندها بسیار است، و مهمترین آنها در بخشی که مربوط به تشکیل ستاکی است، برشمرده خواهد شد. از آنجا که پسوند به ریشه می‌پیوندد ریشه قاعداً گاهی قطعی می‌یابد و در مرحله صرف کلمه‌ای آن را تغییر نمی‌دهد: درجه‌بندی کاهشها در پسوند در این حالت این گونه روی می‌دهد: BRZ - ANT - AM bərəzantəm (مفرد رایبی) از صفت به معنای «بلند» KR - NAU - TI «می‌کند» BRZ - NT - Ā bərəzata (اول شخص مفرد)؛ KR - NU - YĀ - T kərənuyāt «بگذارید انجام دهد».

(۳) میانوندی عبارت از گونه محدودی از اشتقاق ستاکها، و بیشتر اشتقاق ستاکهای فعلی است. بدین ترتیب، مثلاً میانوند n:na را در ستاکهای فعلی داریم: VI - N - D - ĪTA Vindita «می‌یابد»، VI - NA - D - TI Vīnastī $\sqrt{VID}$ «بیاورد». در ستاکهای ماده‌ای، میانوند تنها صورت n را دارد: hinčaiti «می‌ریزد»، HI - N - CA - TI Paiti hinčōiš «می‌ریزد»، (HI - N - ČA - iš) «تو خواهی ریخت» (از ریشه $\sqrt{HIK}$).

بخشهای گفتار

اسم

۴۰. به طور کلی این گروه‌های اسم وجود دارد: (۱) اسم و صفت (۲) ضمیر (بجز ضمایر شخصی)، (۳) ضمایر شخصی و (۴) عدد (که کمتر قابل تشخیص است).

اسم و صفت

۴۱. اسم و صفت دارای الگوهای ستاکی صرفی مشابه هستند. صفتها تنها با تشخیص صورتهای جنس مذکر و مؤنث و تا اندازه‌ای با قابلیت آنها در درجات تفضیلی از یکدیگر متمایز می‌شوند.

۴۲. اشتقاق ستاکی اسم و صفت.

ستاکیهای ریشه‌ای

(۱) با درجه کاهش:

مذکر - PAD: - PĀD «پا» فارسی نو pā، یونانی باستان π ο ὑ
مؤنث - AP: - ĀP «آب»، فارسی نو āb، هندی باستان - ap: - āp

صفت - BARZ: BR̥Z، مفرد فاعلی barš مفرد اضافی: BR̥Z - AH b̥arəzō،
 ((بلند))،

مذکر - MĀH «ماه» فارسی، نو Māh، ہندی باستان - mās؛

۴۳. ستاک‌هایی با پسوندهای معنایی نامشخص.

خشی - SATA «صد»، فارسی نو Sad، ہندی باستان - çata ؛

صفت - AKA ((بد))، ہندی باستان - aka؛

I - : - AI - مذكر، GARI «کوه»، مقایسه شود با هندی باستان - giri؛

U-:-AU- مذکر -XRATU، فارسی نو Xirad ((خرد))، ہندی باستان

‘Kratu —

U - UV -: مؤنث - TANŪ، فارسی نو tan ((تن))، ہندی باستان - tanū؛

T - :- STŪT : مؤنث، ہندی باستان - Stūt ((ستایش)) .

۴۴. پسوندهای اسم معنی و کارکرد آنها.

برای جنس مؤنث

TAI-RTI: - TI - ((یاداش))؛

A - MR - TĀT - : - TĀT - «جاودانگی»، فارسی نو Murdād (یکی از

ماه‌های سال):

برای جنس خنثی

rōz فارسی نو RAUČ - AS - RAUČAH -.- ĀŠ -:- AS -

«روز»؛

– IŠ - - IŠ - SNAΘ «سلاحها»، مقایسه کنید با SNAΘA «ضربه»؛
 – MAN - - MĀN - : DĀ - MAN - «آفرینش»، فارسی نو dām

«آفریده»؛

– NA - - YASNA - YAZ - NA - «پرستش»، «یسنا»؛
 – TRA - - VAS - TRA - «جامه»، هندی باستان – Vastra.

۴۵. پسوندهای سازنده صفت و سازنده اسم فاعل

(جنس مذکر و مؤنث):

– TR - - TAR - - TĀR - DĀ - TAR «آفریدگار»، هندی باستان

؛ dhātār

– UN - - VAN - - VĀN - RTA - VAN «برهیزگار»؛

– KA - - HUŠ - KA «خشک» فارسی نو XUŠK، هندی باستان – Suška؛

– YA - - GAIΘYA «هستی»؛

– RA - - SUXRA «سرخ»، فارسی نو Surx، هندی باستان – Çukra؛

– AT - - BRZANT - - ANT - (- NT) «بلند»، فارسی نو buland، هندی

باستان – br. hant؛

– VAT - (- VN.T) - VANT - - ASTVANT «مادی» مقایسه شود با هندی

باستان asthanvant؛

– MAT - (- MNT) - MANT - - XRATUMANT «خردمند»، فارسی نو

Xiradmand.

۴۶. پسوند – Ā - ستاکهای مؤنث را به موازات ستاکهای مذکر با – A -

می سازد.

بنابراین، تطابقهایی دیده می شود مانند – ASPA «اسب، توسن» و – ASPĀ

«مادیان» (اگر چه تنها ZASTA «دست» از مذکر می آید و تنها DAINĀ «دین» از

مؤنث آمده است).

در صفت‌های ستاک‌ی ماده‌ای (برای هر پسوند)، ستاک‌های با -Ā - صورتهای ستاک‌ی مؤنث هستند: - SURA «قوی» مؤنث آن - SURĀ؛ - AKA «بد» مؤنث آن - AKĀ -

صفت غیر ماده‌ای، از ستاک‌های مؤنث با پسوند -I - -YĀ - مشتق می‌شوند (که همچنین در ستاک‌های مؤنث مستقل مانند BUMĪ «سرزمین» وجود دارد. این پسوند به صورت ضعیف ستاک مذکر می‌پیوندد (یعنی صورتی که حداقل کاهش را داشته باشد): مذکر - BRZANT «بلند»، مؤنث - BRZATĪ، مذکر - RTAVAN «درستکار»، مؤنث - RTAUNĪ.

جنس خنثای صفت، همان ستاک جنس مذکر را دارد، ولی از لحاظ صرفی دارای ویژگی‌هایی است.

۴۷. درجات مقایسه صفت. برای به دست آوردن درجات مقایسه (صفت)، دو الگو وجود دارد:

اشتقاق مستقیم از ریشه. صفت برتر (تفضیلی) مستلزم پسوند -YAS - : - YĀṢ - (هندی باستان - yas - : - yāsn - لاتینی - ior -) : - VAHU «خوب»، - VAHYAH «بهر» است؛ مقایسه شود با هندی باستان - Vasyas، ایرانی میانه Vēh، فارسی نو bih.

صفت برترین (عالی) نیاز به پسوند -išta - دارد. (هندی باستان - iṣhta -، یونانی باستان - ἰστος -) : - SURA «نیرومند»، - SAV - IŠTA - (نیرومندترین).

اشتقاق از ستاک صفتی. صفت برتر نیاز به پسوند -TARA - دارد (هندی باستان - tara -، یونانی باستان - τέρας -، فارسی نو - tar -) : - AKA «بد»، - TARA - AKA «بدتر».

تعداد معدودی از صورتهای با -ARA - به چشم می‌خورد: - Up - ARA -

«بالا تر» مقایسه شود با لاتینی Superus.

صفت برترین، دارای پسوند TAMA – است: RAIVASTAMA،
TAMA – RAIVAT از RAIVANT «درخشانترین».
پسوند AMA – نیز وجود دارد: UPAMA «بلندترین»؛ مقایسه شود با لاتینی
Supremus.

۴۸. افزایش کلمه‌ای در اوستا به گونه‌های مختلف نشان داده می‌شود. بعضی
از آنها به قرار زیر است: اسم + اسم، یا اسم + ستاک فعل (مانند tatpuruṣa):
(a) VIS - PATI «سرورخانه» (از VIS «خانه» و PATI «سرور»);
(b) NR. - GAR «بلع‌کننده انسان» (از NR «انسان» و GAR «بلعیدن»)،
VIŠA - VAIPA «زهرافشان» (از VIŠA «زهر» و VAIPA «افشان») به معنای
اسم فاعل (مقایسه شود با asp – Furōš در فارسی نو).

تعریف اسمی + اسم تعریف شده (اسم + صفت): ترکیبی می‌سازد که معنای
آن صفت ملکی یا صفت نسبی است مانند bahuv rihi: (a) DAIVA - YASNA «پرستنده دیو» (از DAIVA «دیو» و YASNA «پرستش»)، که هر دو اسم‌اند؛ (b)
NARYA - MANAH «دارای روح مردانه» (از NARYA «مردانه»، و
MANAH «روح»)، BI - ZANGRA «دوپا» (از BI که مشتق شده از DVA
«دو» و ZANGRA «پا»)، نخستین جزء ترکیب‌کننده، صفت یا صفت عددی
است (مقایسه شود با فارسی نو Siyāh - Čašm «سیاه چشم»، Čahār - Pā
«چهارپا»).

صرف اسم

۴۹. اسم اوستایی سه جنس دارد که معمولاً در زبانهای هند و اروپایی متداول
است:

مذکر، مؤنث و خنثی و همچنین سه شمار: مفرد،ثنیه و جمع و هشت حالت
دارد: فاعلی، رای، اضافی، ازی، برای، بایی، دری و ندایی.

جنس قاعداً به وسیله صورتهای ویژه تنها در صفت بیان می‌شود. جنس اسمها را معمولاً از اشتقاق آنها می‌توان تعیین کرد (بخشهای ۴۴ و ۴۶)، ولی در بسیاری از حالات، آن را می‌توان از سیاق عبارت دریافت.

گونه‌های صرفی را که از لحاظ پایانه‌های حالات اسم و کاهشهای ستاکی با هم تفاوت دارند با توجه به آغاز ستاک می‌شود تعیین کرد. در اینجا سه گونه عمده را تشخیص می‌توان داد: (۱) گونه ماده‌ای (۲) گونه منتهی به *ā* و (۳) گونه غیر ماده‌ای که آن را می‌توان به دو گونه کوچکتر تقسیم کرد: (a) ستاکهایی که به یک همخوان منتهی می‌شود و (b) ستاکهایی که به یک واکه‌گون ختم می‌گردد. گونه غیرماده‌ای نیز شامل ستاکهایی با *ǝ* – است. این سه نوع به طور کلی مطابق صرفهای اول و دوم و سوم در زبانهای یونانی و لاتینی و (بویژه) روسی است.

در الگوهای صرفی زیر، صورتهای یک اسم به شکل آوانویسی مطلوب آورده شده است. اما باید خاطر نشان ساخت که اوستا دارای صورتهای صرفی اسمی کامل نیست. صورتهایی که دیده می‌شود (بیشتر اسمهای مختلف) در کنار حرف نویسی آورده شده و بدین ترتیب متغیرهای ترکیبی و نظام خطی همزمان نشان داده شده‌اند. حروف ایتالیک (*italics*) مطابق صورتهایی از گاهان است که در صورتی آورده می‌شوند که با شکل‌های اوستای متأخر فرق داشته باشند (اگر چه فقدان یک نمونه از گاهان به خودی خود گواه یکسان بودن صورتهای نیست). صورتهایی که با گونه‌های داده شده فرق دارند در آکولاد* آورده شده‌اند. خلاصه کلی پایانه‌ها و کاهشهای ستاکی در بخش ۶۳ تا ۶۶ آورده شده‌اند.

* Square Bracket یا Accolade

گونه ماده‌ای

۵۰. این گونه شامل اسامی مذکر و خنثی است با - A - (ē/a): مذکر - ASPA -
 («اسپ»)، - MARTYA («مرد»)، - ZASTA («بازو»)، - NAIMA («نیمه»)،
 - AHURA («اهورا»)، «خدا»، - ZARAΘUŠTRA («زردشت»)، yama YAMA -
 (نام پادشاه افسانه‌ای)، - ARΘNA («آرنج»)، - AMSA («کنار»): خنثی
 DAIΘRAS («چشم»)- ŠYAUΘNA («رفتار»): صفت - MR̥TA - A («جاودان»)،
 - RA - MIΘVA («ازیک جفت»).

صورت‌های خنثای آن حالاتی در این جا داده می‌شوند که با صورت‌های مذکر تفاوت دارند.

خنثی

مذکر

DAIΘRA-M	aspō	ASP-A-Š	فاعلی	مفرد
šyao 𐬯𐬀𐬌𐬌𐬀𐬌𐬀	am ə šəm mašim, asp ə m	ASP-A-M	رای	
	ahurahyā, mašyehe, aspāhe	ASP-A-HYA	اضافی	
	yimat, mašyaāt- ča zara 𐬯 uštrāt	ASPĀT (-A-AT)	ازی	
	yimāi	ASPĀI (-A-AI)	برای	
	zastā, zasta	ASPĀ(-A-A)	بایی	
	šyao 𐬯 anōi, aspāc-čā, šyao 𐬯 ne	ASP-A-I	دری	
	ahurā, ahura	ASP-A	ندایی	
zastō, zasta	(-ĀU -AU, -Ā)		تثنيه فاعلی، رای، ندایی	
DAIΘRA-I mi 𐬯 waire		ASPĀ	ar ə 𐬯 nā	
DAIΘRS	asayā	ASP-A-I-ĀŠ	اضافی	
DAIΘRĀBYĀ	aspaēibya	ASP-A-BYA	ازی، بایی، برای:	
dōi 𐬯 rābya			zastōibya	

DAIΘRĀU?	zastayō	ASPA-I-AU	دری
DAIΘRĀ	aspa, ASPĀŠAŠ	ASPĀŠ (-A-AŠ)	جمع فاعلی
šyaoṽanā	aspā ṽ hō	s šyaoṽ na	
	daēvā, mašy 𐬨 ng,	,mašyas-ča	رایی ASPA - NŠ
	mašyanam, aspanam	ASPA - NĀM (-ĀNĀM?)	اضافی
		šyao ṽ nanam	
DAIΘRĀBYAŠ	naēmaēibyō	ASPA-I-BYAŠ	ازی، برایی
dōi ṽ rābyō			
	šyao ṽ nāiš, mašyāiš	ASPĀIŠ (A-AIŠ)	بایی
	šyao ṽ anaēšū, aspaēšu	ASPA-I-SU	دری

اختلاف صورتهای خنثی در حالت فاعلی برای هر سه شخص و انطباق صورتهای خنثی در حالت فاعلی و رایی برای هر سه شخص، قاعده کلی برای صرفهای ماده‌ای و غیرماده‌ای به دست می‌دهد. عنصر -i- در پایانه تشبیه و جمع جنس مذکر در صرف ماده‌ای شاید تحت تأثیر صرف ضمیری (بخش ۷۱) به وجود آمده باشد.

در صرف ماده‌ای، همان‌گونه که در صرف با Ā دیده می‌شود، پایانه‌ها با واکه پایانی ستاک در هم می‌آمیزد و همیشه معلوم نیست که طول در یک پایانه، نتیجه ساده اضافه طول ستاک پایانی یا نتیجه واکه پایانی یا نتیجه عللی است که در درون این ترکیب عمل کرده است.

پیش از این گفتیم (بخش ۲، ۳۹) که این نوع صرف در زبان اوستایی ثمربخش‌تر است.

گونه با Ā

۵۱. تحت این عنوان، اسامی مونثی می‌آید که غالباً (به طور منظم مانند صفتها) مربوط به اسامی مذکر و خنثی همراه با a است: - URVARĀ «گیاه»،

DAINĀ «دین»، - GAIΘYĀ «هستی» (جمع، جهان)، VANΘVĀ «رمه»،
 SAVĀ «استفاده»، - GRIVĀ «گردن»، - ČIΘĀ «رستگاری» - ĞAHIKĀ -
 «هرزه».

daēnā, urvara	URVARĀ	مفرد فاعلی
urvaram	URVARĀ-M	رای
či ۹ rā, urvarayā	URVARA(-YĀ-)Š	اضافی
urvarayāt	URVARAYĀT (-A-YĀ-T)	ازی
gaē ۹ yāi Ğahikayāi	URVARAYĀI (-A-YĀ-AI)	برایی
daēnaya, daēnaya daēnā, daēna	URVARA-(YĀ-)Ā	بایی
grivaya (AI + A), gaē ۹ e	URVARAI(-A-I?)	دری
	urvaire	ندایی URVARAI
savōi, urvaire	URVARAI	تشیه ندایی، رای
vā ۹ wābya	URVARĀ-BYĀ	برایی، ازی، بایی،
urvarā	URVARĀ-Š	جمع فاعلی
gaē ۹ ā	URVARĀ-NŠ	رای
urvaranam	URVARANĀM (-A-NĀM?)	اضافی
gaē ۹ āvayō, gaē ۹ ābyō, urvarābyas-ča	URVARĀ-BYAŠ	ازی، برایی
gaē ۹ abiš	URVARĀ-BIS	بایی
gaē ۹ āhva, urvarāhu	URVARĀ-ŠU (+ A)	دری

در این نمونه صرف، ستاک حتی کمتر قابل شناسایی است و متغیرهای پایانی

A, Ā و AYĀ آن به وسیله نفوذ صرف با Ā و صرف ضمیری باید توضیح داده شود.

گونه غیر ماده‌ای

۵۲. ضمن آنکه ستاکه‌هایی با A و Ā در درون هرگونه غیر ماده‌ای از لحاظ صرفی یکسان است، ستاکه‌هایی که با همخوان و واکه هستند باید به چندین طبقه جزئی تقسیم شوند. اینها به سبب بعضی پایانه‌های حالات و همچنین به سبب کاهشهای ستاکه‌ای در بعضی حالات دیگر فرق دارند. بسیاری از الگوهای صرفی وجود دارد، بویژه، اگر حالاتی از طبقه‌ها و موارد استثنایی آمیخته باستانی را جزء آنها برشماریم. تعداد این الگوها به عقیده پژوهشگران متفاوت است. (مثلاً رایخلت ۱۵ طبقه را شناسایی کرده است). در این جا تنها مهمترین گونه‌های صرفی را به دست می‌دهیم بدون آن که به تقسیمات فرعی پیچیده توجه کنیم.

۵۳. ستاکه‌هایی با یک همخوان: ستاکه‌های ریشه‌ای و ستاکه‌هایی با پسوندهای -T، -IT، -T-، -T-، -AT-، -TĀT-، -IŠ-، -UŠ-: مذکر -PAD: PĀD «پا»، فارسی نو pā. مؤنث -AP: ĀP «آب»، فارسی نو āb: -DRUG drug (موجود شیطان صفت، تجسم بدی، مقایسه شود با فارسی نو durō «دروغ»): -VĪS «خانه»، بلوچی gis: خنثی -AST «استخوان»: مقایسه شود با فارسی نو Ustuxān: -UŠ «گوش»: صفت -MAZ «بزرگ»، بلوچی mazan: -NAPĀT «نوه»، فارسی نو nava: مؤنث -AMRTĀT «جاودانگی»، نام ایزد، فارسی نو murdād، نام یک ماه: خنثی -SNAΘIS «سلاحها». همه ستاکه‌های این طبقه درجه کاهش را ندارند.

خشی

مذکر، مؤنث

AST as-ča	{	napa/ snai ۹ iš	druṣš, āfš/ ĀP-Ṣ	مفرد فاعلی	
			am ɔ r ɔ tās - ča, vēs,		
		druṣ ɔ m, druṣim, āp ɔ m	ĀP-AM	رای	
		/āpō/ druṣō, apō, apas-ča	AP-AṢ	اضافی	
		/āpat, vīsat	AP-AT	ازی	
		/āpe/ mazōi, apaē-čit, ape	AP-AI	برای	
		snai ۹ išā, vīsa, apā-ča, apa	AP-Ā	بایی	
		am ɔ r ɔ tāitī, vīsyā, vīsi	AP-I(+A)	دری	
AST-I usi	{	pā ۵ a, āpa	ĀP-A	تثنيه فاعلی، رای	
		/pā ۵ ave, ušibya/ snai ۹ ižbya	AP-BYA	برای، بایی، ازی	
			am ɔ r ɔ tātā	AP-ĀṢ	اضافی
		āpō	{ ĀPAS }	AP-ĀṢ	جمع فاعلی
		āpō, apas-ča, apō		AP-NṢ	رای
		sni ۹ išam, vīsam, apam	AP-ĀM	اضافی	
		pa ۵ byas-ča, vižibyō, aiwvō	AP-BYAṢ	ازی، برای	
		pad ɔ biš, azdibiš	AP-BIŠ	بایی	
		(NAPṬṢU) nafšu	AP-SU	دری	

حالت ازی به عنوان یک حالت خاص، ترکیب تازه‌ای برای همه طبقات غیر ماده‌ای است (درگاهان و گاهی حتی در اوستای متأخر صورت ازی با حالت اضافی تطابق دارد) بنابراین، اختلافاتی که با گونه کاهش دیده می‌شود باعث تعجب نیست. تغییرات کاهش نیز در حالات دیگر آشکار است.

صورت‌های Usibya، pā^کave (یعنی PĀDĀ - BYĀ) نه از ستاک بلکه از صورت‌های حالت فاعلی و تشبیه مشتق می‌شود.

۵۴. ستاک‌هایی با -AŠ - -ĀŠ - تحت این عنوان، اسم‌های خنثی و صفت‌های مشتق که ممکن است شکل مذکر داشته باشند می‌آید. همچنین درجات مقایسه‌ای صفت‌های مذکر و خنثی و صفت مفعولی کامل با (-UŠ ؛ -VĀŠ -) : MANAH - MANĀH «روح»، مذکر - NARYA - MANAH - «مردانه در روح» مقایسه شود با -VAHYAH - : VAHYĀH «بهتر»، -ĀSYAH - : ĀSYĀH «تندترین»، -VIDUŠ - : VIDVĀS «باهوش».

اختلافات با طبقه پیشین، به صورت‌های حالات «قوی» کاهش می‌یابد یعنی حالاتی که دارای حداکثر کاهش ستاک‌ی باشند (در صورتی که تغییر درجه بیابد). این حالات برای ستاک‌های همخوان عبارت از حالات فاعلی و رای، در مفرد و تشبیه، حالت فاعلی جمع در مذکر و مؤنث، حالت فاعلی و رای در جمع خنثی است، در صورتی که مذکر در این طبقه -MANAH - (غیر از فاعلی مفرد) دارای ستاک ضعیف است. این خود همان گونه صرفی است که در یونان باستان دیده می‌شود: گونه ۷۴۹.

مذکر

خنثی

MANAŠ manō	vīdvā - manā	-MANAŠ	مفرد فاعلی
vī k vā ŋ h ɔ m	VIDVĀŠ-AM, mana ŋ h ɔ m	-MANAŠ-AM	رای
	āsyā ŋ ha	-MANAŠ-Ā	تشبیه فاعلی، رای
MANĀS manā	VIDVĀS-AŠ, mana ŋ hō	MANAŠ-AŠ	جمع فاعلی
vai ŋ hāš-ča		vī k vā ŋ ho	
	mana ŋ hō	-MANAS-NS	رای

۵۵. ستاکهائی با (- NT -) - AT - :- NT. تحت این عنوان، صفتها و وجه‌های وصفی با پسوند - AT - :- ANT - همچنین صفت‌هایی با پسوندهای زیر می‌آیند :- VAT - :- VANT - ، - MAT - ؛ و MANT - از مذکر و خنثی - HAT - :- NANT «وجود»؛ MAZAT - MAZANT - «پهن»، - ČVAT - ČVANT «چقدر وسیع»، «چقدر»، مقایسه شود با لاتینی quantus؛ - BRZAT - :- BRZANT «مرتفع» - FŠUYAT - :- FŠUYANT «پرورش دهندهٔ رمه»؛ - DVIŠYAT - :- DVIŠYANT «متنفر»، «دشمن»؛ - ASTVANT - «مادی، جسمی»، - VANT - MIZDAVAT - :- «مزدگیرنده».

از لحاظ فرضی، صرف کلمات با گونهٔ اصلی فرقی ندارد (بخش ۵۳) اما در صورتهای واقعی به اندازه‌ای در کاهش انحراف وجود دارد که صورت صرفی را در اینجا به طور کامل به دست می‌دهیم.

خنثی

مذکر

HAT mazat {	xratumā, maza/haš	HANT-S	مفرد فاعلی
	h ɔ nt ɔ m	HANT-AM	رای
	/fšuyantō/hatō	HAT-AŠ	اضافی
	tbišyantat/astvatat	HAT-AT	ازی
	/fšuyentē/astvaitē, haite	HAT-AI	برای
	dr ɔ gvata b ɔ r ɔ zata	HAT-A	بایی
	/astvanti/čvaiti	HAT-I	دری
	b ɔ r ɔ zanta	HANT-Ā	تثنیه فاعلی، رای
	/b ɔ r ɔ zanbya/čvatbya	HAT-BYĀ	ازی، برای، بایی
	hantō	HANT-AŠ	جمع فاعلی
*HAT-I	/fšuyantō/dr ɔ gvato	HAT-NŠ	رای
*HANT-I			

HĀNT? miždavañ	tbīšyantam/hatam	HAT-ĀM	اضافی
dr ɔ gwod ɔ byō		HAT-BYAŠ	ازی، برای
	/tbišyanbyō	(DRUGVATBYAH)	
d ɔ biš, dr ɔ gvō, ha ɔ biš		HAT-BIŠ	بایی
	fšuyasu	HAT-SU	دری

گذشته از صورتهای بی قاعده حالت فاعلی، در این نمونه صرفی، ستاک قوی در حالات «ضعیف» معمولاً از ستاک ضعیف تشکیل می شود و بسیار گسترده است (در صرف وجه های وصفی گاهی اختلاف کاهش وجود دارد که مربوط به این است که این شکل از ستاک ماده ای مشتق شده باشد یا از ستاک غیر ماده ای).

۵۶. ستاکهایی با - R - : - AR - : - AR - . این طبقه شامل بعضی ستاکهای تجزیه ناپذیر مذکر و خنثی و اسم فاعل با - TR - : - TĀR از وجوه بستگی مذکر و مؤنث است (تنها یک گونه از ستاک داده شده است) : - ATR «آتش» (فارسی نو arاک)؛ - NR «مرد» «نر» (فارسی نو nar)؛ فاعلی VADAR «اسلحه ها»؛ - AYAR «روز»؛ - BAIVAR «ده هزار» (فارسی نو bevar)؛ - DĀTAR «خالق»؛ - PITAR «پدر» - MĀTAR «مادر»؛ - DUGDAR «دختر» (فارسی نو duxtar).

یک کاهش ستاک صفر مطابق قاعده در صرف حالات ضعیف دیده می شود. در حالات قوی، کاهشهای میانه و طولانی به قرار زیر است:

مذکر خنثی

AYAR vadar ɔ	/ātarš/pita, dāta,	PITĀ و DĀTĀ	مفرد فاعلی
	dātār ɔ m	DĀTĀR-AM	رای
	(ATARAM) ātar ɔ m, pitar ɔ m	PITAR-AM	
nara	PITAR-Ā DĀTĀR-Ā		تثنيه فاعلی، رای

AYĀR ayārə	{	dātārō	DĀTĀR-AŠ	جمع فاعلی؛
			patarō, narō	PITAR-AŠ
		fārō/mātəras-ča, ātarō	DĀTAR-NŠ	رای

بدین ترتیب، در صرف می‌توانیم دو طبقه جزء را تشخیص دهیم که شبیه دو طبقه جزء در صرف بل-AS است: اسم فاعل با TAR، مانند وجه وصفی با VĀS، یک کاهش طولانی در همه حالات قوی دارد. سایر اسامی مذکر و مؤنث دارای یک کاهش طولانی تنها در حالت فاعلی مفردند، و در جمع یک کاهش طولانی بدون پایانه دارند، مانند صرف با -AŠ، اختلاف در این است که اسامی با -AR - یک کاهش صفری در حالات ضعیف دارند، در صورتی که اسامی با -AS - دارای یک کاهش میانی هستند.

۵۷. اسامی با ĀN: AN: N به همین ترتیب صرف می‌شوند. این طبقه شامل اسامی هر سه جنس است؛ ترکیبات با پسوندهای -UN - -VĀN - و (- MN -): -MAN - بویژه مکرر دیده می‌شوند مانند: مذکر -RUN: RVĀN «روح» (فارسی نو ravān). SPĀN: -SUN: (SYĀN-) «سگ» (فارسی نو sag): -ASMAN «آسمان» (فارسی نو āsmān)، مؤنث -XŠAPAN: -XŠAFN: «شب». ČAŠMAN «چشم» (فارسی نو čašm)، -NĀMAN «نام» (فارسی نو nām): -DĀMAN «آفرینش»، (فارسی نو dām). -RĤAVAN - RĤAUN «پرهیزگار».

در حالات قوی، همان تقسیم را بر طبق کاهش به دو طبقه جزء داریم:

مذکر و مؤنث

خنثی

NĀMA nāma {	aśava, urva	RVĀ	مفرد فاعلی	
	spān ɔ m, urvān ɔ m	RVĀNAM	رای	
	aśavan ɔ m	RṬAVANAM		
aśavana	RṬAVANĀ	spāna	RVĀNĀ	تثنيه فاعلی، رای
NĀMĀN NĀMĀNI, { dāmaṇ /aśaoni/	spānō, urvaṇō	RVĀNAṢ	جمع فاعلی	
	aśavanō	RṬAVANAṢ		
	urunō	RUNAṢ	رای	

در حالات ضعیف، اسامی با - MAN - گاهی کاهش خنثی را حفظ می‌کنند (- MAN - ونه - *MN -)؛ صورتهای دیگر کاهش صفری می‌یابند: ازی مفرد. ČAŠMANAT čašmanat: RTAUNAT āsaonat؛ اضافی جمع nāmanam dāmanam: xšapanam xšafnam

صورت خنثی با کاهش طولانی بدون پایانه نیز به حالات اضافی و ذری سرایت می‌کند، مفرد: مفرد اضافی AYĀN ayan، ذری مفرد ayan. ستاکها با واکه‌گونه‌های I, U, Ī, Ū

۵۸. ستاکهایی با واکه‌گونه‌های I, U, Ī, Ū دومین گونه جزء را در صرف غیر ماده‌ای تشکیل می‌دهند. آنها با ستاکهای دارای همخوان (که شامل ستاکهایی با R و N است) فرق دارند. در هر دو، در تغییرات پایانه، یک نظام خاص کاهش وجود دارد. چهار طبقه را در اینجا می‌توان تشخیص داد: I: AI, U: AU, Ī: YĀ و Ū.

۵۹. ستاکهایی با AU: U. اسمها و صفتهای مذکر و خنثی جزء آن به شمار می‌آیند: - XRATU («آرزو، خِرد»)، (فارسی نو xirad)؛ - AHU («هستی، جهان»)، - MANYU («روح»)، - PASU («رَمه»)، (مقایسه شود با لاتینی Pecus، بلوچی Pas «گوسفند»)، - YĀTU موجود بدکار افسانه‌ای (فارسی نو

Ādū, «جادوگر»؛ صفت - VAHU «خوب» - PARU «بی‌شمار، وسیع»
(مقایسه شود با لاتینی multus)

بویژه صورتهای صرفی واکه‌ای با صورتهای صرفی همخوانی (ستون دوم
جدول زیر) در این صرف مخلوط شده‌اند.

مذکر	خنثی
مفرد فاعلی VAHU-ṣ pouruṣ, va ṛ huṣ	VAHU vohū {
رایی VAHU-M vohūm	
اضافی VAHAU-S xrat ṛ uṣ va ṛ h ṛ uṣ	XRAṬV-AṢ xra ṛ wō
ازی VAHAU-T xrataoṭ, va ṛ haoṭ	
برایی VAHAV-AI xra ṛ we XRAṬV-AI va ṛ have	
AHV-AI/a ṛ uhe	
بایی VAHŪ xra ṛ wa XRAṬV-Ā xratū, vohū	
دری VAHĀU xratā, va ṛ hāu	
VAHAU a ṛ hvō	
ندایی VAHAU mainyō	
تثنیه فاعلی، رایی VAHŪ pasu, vohū	VAHV-I va ṛ uhi
برایی، ازی، بایی VAHU-BYĀ ahubyā, pasubya	
اضافی VAHV-ĀṢ ahvā, pasvā	
دری VAHV-AU a ṛ hvō	
جمع فاعلی VAHAV-AṢ VAHU vohu-ča /pasvas-ča/va ṛ havō	
رایی VAHU-NṢ xratūṣ	XRAṬV-NṢ pasvō
اضافی VAHU-NĀM vohunam	XRAṬV-ĀM pasvam

ازی، برایی VAHU-BYAŠ va ŋ hubyō
 بایی VAHV-IŠ va ŋ uhiš
 دری VAHU-ŠU pourušū, va ŋ hušu (PASUŠU + A) pasušhva,

بعضی جنبه‌ها هستند که صرف U:AU را شبیه صرف واکه‌ای (پایانه‌های اضافی و جمع بایی) می‌سازد، و جنبه‌های دیگر، آن را شبیه صرف همخوانها (پایانهٔ مفرد اضافی) می‌کند؛ بعلاوه، این صرف دارای جنبه‌های مخصوص خود است: حالت بایی مفرد بدون پایانه، با توسعه واکهٔ ستاک آغازین، و حالت موضعی مفرد بدون پایانه با کاهش میانه یا طولانی ستاک. نظام کاهش ستاک به طور کلی تغییر می‌یابد: در مفرد، حالات ضعیف عبارتند از فاعلی، رایی، بایی، در صورتی که حالات دیگر قوی هستند؛ حالات فاعلی تنه مذکر و همچنین حالت فاعلی جمع و خشی نیز ضعیف هستند. تنها در جمع و مذکر و مونث است که کاهشها با کاهشهای صرف همخوان تطابق دارد.

۶۰. طبقهٔ ستاکهای با AI:I کاملاً شبیه طبقه پیش است. اسامی و صفات صورتهای مختلف زیر در آن جای می‌گیرد: PATI «آقا»، - AXTI «رنج‌کش» - GARI «کوه»، مؤنث - RTI «سهم»، صفت - BŪRI «ثروتمند».

این صرف شبیه صرف ستاکهای با - U - است، با همان نظام کاهشها و توسعهٔ واکهٔ نهایی در همان حالات. بعضی کلمات نیز دارای متغیرهای صرفی همخوانی هستند: مفرد برایی Pai-ŋe - ča, Pai-ŋyaē، یعنی PATYAI با نوع عادی PATAYAI به وسیلهٔ AXTAYAI axtōyāi نشان داده می‌شود. صورتهای مفرد دری garō, gara و غیره نامشخص‌اند (در مقایسه با طبقه - U - انتظار می‌رود که چنین باشد: GARAI, GARAI و جز آن).

۶۱. ستاکهای با Ū. این گونه شامل اسامی مذکر و مؤنث است. اینها دارای

پایانه‌های صرف همخوان در همه حالات جز در جمع اضافی (پایانه NAM -) است. هیچ طبقه‌بندی ستاکی وجود ندارد، ولی پیش از پایانه‌هایی که با یک واکه آغاز می‌شود، $\bar{u}$ آغازین ستاک به صورت UV در می‌آید که در نوشتن تأثیر نمی‌کند: مفرد فاعلی $\text{tanu\check{s}} \text{ TANU\check{S}}$ ((تن))، فارسی نو tan ، رای tanva m TANUVAM ، اضافی $\text{tanvo TANUVA\check{S}}$ ، بایی $\text{tanva TANUV\bar{A}}$ و غیره. ولی در مفرد بایی TANUVAI tanuye .

۶۲. ستاکهای با $\bar{A} \bar{Y}\bar{A}$. این گونه شامل اسامی مؤنث است که تا حدی وابسته به اسامی مذکر با یک همخوان و یک واکه‌گون است (بخش ۴۶): $\text{VAHV\bar{I}}$ «مهربان» (مذکر - VAHU)، $\text{D\bar{A}\theta\bar{R}\bar{I}}$ «دهنده» (مذکر $\text{D\bar{A}TAR}$)، $\text{R\bar{T}AUN\bar{I}}$ «پرهیزگار» (مذکر - $\text{R\bar{T}AUN}$)، $\text{X\check{S}A\theta\bar{R}\bar{I}}$ «زن»، $\bar{A}\bar{Z}\bar{I}$ «با گوساله» (از ماده گاو)، $\text{PR\theta\bar{V}\bar{L}}$ «سطح».

در صرفهای حالت (نحوی)، متغیرهایی دیده می‌شود که بر اثر گونه صرف I: AI به وجود می‌آید (اینها را در راست گوشه نشان خواهیم داد).

مفرد فاعلی	$\text{VAHV\bar{I}}$	$\text{va\textsubscript{r}u\textsubscript{h}i/d\bar{a}\textsubscript{r}\textsubscript{i}\check{s}}$
رای	$\text{VAHV\bar{I}M}$	$\text{va\textsubscript{r}u\textsubscript{h}\bar{i}m}$
اضافی	$\text{VAHVY\bar{A}-\check{S}}$	$\text{va\textsubscript{r}u\textsubscript{h}y\bar{a}}$
ازی	$\text{VAHVY\bar{A}-T}$	$\text{harai\textsubscript{r}y\bar{a}\check{t}}$
برایی	$\text{VAHVY\bar{A}-AI}$	$\text{va\textsubscript{r}u\textsubscript{h}y\bar{a}\bar{i}}$
بایی	$\text{VAHVY\bar{A}-\bar{A}}$	$\text{va\textsubscript{r}u\textsubscript{h}i/va\textsubscript{r}u\textsubscript{h}y\bar{a}}$
دری	$\text{VAHVY\bar{A}(?)}$	$\text{p\textsubscript{r}u\textsubscript{h}ve}$
ندایی	VAHVI	$\text{a\check{s}aone vanuhi}$
تثنيه فاعلی، رای	$\text{VAHV\bar{I}}$	$\bar{a}\bar{z}\bar{i}$
جمع فاعلی	$\text{VAHV\bar{I}-\check{S}}$	$\text{va\textsubscript{r}u\textsubscript{h}\check{i}\check{s}}$
رای	$\text{VAHV\bar{I}-N\check{S}}$	$\text{va\textsubscript{r}u\textsubscript{h}\check{i}\check{s}}$

اضافی VAHVĪ-NĀM va ŋ uhīnaṃ
 ازی، برای VAHVĪ-BYAṢ va ŋ uhibyō
 بایی *VAHVĪ-BIŠ
 دری VAHVĪ-ṢU xša ŋ rišu

پایانه‌ها و پراکندگی ستاکهای قوی و ضعیف در حالات، کاملاً شبیه I و U هستند. اما صورتهای مشخصی نیز وجود دارد (مفرد فاعلی، جمع فاعلی و مفرد بایی).

۶۳. جدول ۳ یک طرح کلی پایانه‌های حالت و کاهشهای ستاک را نشان می‌دهد. ولی شامل همه متغیرها نیست و هدف از آن تنها راهنمایی نخستین است.

(جدول ۳)

صداى ستاک پایانی		پایانه‌ها					ن. غیر ماده‌ای	کاهش‌ها				
		A	$\bar{A}$	I, U	$\bar{I}, \bar{U}$	همخوان		همخوان		I, U	$\bar{I}, \bar{U}$	I, U
								m.f.	n.	m.f.	m.f.	n.
مفردها	N.	S	S, -			-						
	Acc.	(A)M										
	G.	SYA	(A)3									
	Abl.	(A)T										
	D.	AI										
	I.	$\bar{A}$	$^{\circ}\bar{I}, ^{\circ}\bar{U}$	$\bar{A}$	=m.f.							
	L.	I	-	I	=m.f.							
تنه‌ها	N. Acc.	$\bar{A}$	-	$\bar{A}$	I, -							
	Abl.D. I.	BY $\bar{A}$										
	G.	$\bar{A}S$										
جمع	N.	$\bar{A}SAS$	(A)3			$\bar{I}, -$						
	Acc.	N3										
	G.	N $\bar{A}M$		$\bar{A}M$		=m.f.						
	Abl.D.	BYAS										
	I.	$\bar{A}\bar{I}\check{S}$	$\bar{I}\check{S}$	BI $\check{S}$		=m.f.						
	L.	SU										

خطوط عمودی که پایانه‌ها را از هم جدا می‌کند گاهی با خطوطی که طبقات ستاکها را از هم جدا می‌سازد منطبق نیست: این امر آمیزشهای طبقات را در این حالات نشان می‌دهد. در صرف ستاکهای با A، جدا کردن پایانه از ستاکها دشوار است.

بخشهای هاشوردار، حالات را با ستاک قوی نشان می‌دهد. پراکندگی کاهشها میان ستاکهای قوی و ضعیف - خواه یک کاهش طولانی یا میانی برای یک ستاک قوی و کاهش میانی یا صفر برای یک ستاک ضعیف - در مورد طبقات مختلف و حتی در داخل بعضی از کلمات بشدت تغییر می‌کند، و این واقعیت در طرح منعکس نیست.

حالات مفرد ندایی و حالت تشبیه‌داری، در این جدول حذف شده است: حالت اول قاعداً پایانه‌ای ندارد و کاهش آن گاهی روشن نیست، و حالت دوم صورت بسیار نادری است.

۶۴. بیشتر پایانه‌های حالتی بسط پایانه‌های کلی هند و اروپایی است:

S - مفرد فاعلی، هند و اروپایی: $\text{VRKAS } V\bar{a}hrk\bar{o} : \bar{S}$ ، هندی باستان $Vrkas$ ، یونانی باستان $\lambda \nu \kappa \omicron s$ لاتینی $Lupus$: $\bar{V}\bar{A}K - \bar{S} \bar{V}\bar{a}x\bar{s}$ ، لاتینی. $V\bar{O}X$ («گفتار»)، «صدا»؛ پایانه صفر (همچنان در هند و اروپایی): $URVAR\bar{A} Urvara$ («گیاه») مقایسه شود با یونانی باستان $\rho \acute{\iota} \tau \eta \rho \acute{\epsilon} \mu \alpha$ («روز»); $PIT\bar{A} Pita$ ، یونانی باستان $\pi \alpha \tau \eta \rho$.
AM - M - رای، هند و اروپایی $m - \bar{m}m - \bar{n} - \bar{n}\bar{n}$: $V\bar{a}h\bar{a}rk\bar{o}m$: $VRKA - M$ ، هندی باستان $Vrkam$ ، یونانی باستان $\lambda \nu \kappa \omicron \nu$ ، لاتینی $Lupum$;
 $HANT - AM$ $h\bar{o}nt\bar{o}m$ ($\bar{M}M$) از $H\bar{A}NT\bar{S} h\bar{a}nt\bar{s}$ («وجود»); هندی باستان $santam$ ، مقایسه شود با لاتینی $ferentem$ از $ferens$ («حمل کردن»)، یونانی باستان $\varphi \acute{\epsilon} \rho \omicron \nu \tau \epsilon \mu$.
(a < n).

AS - اضافی هند و اروپایی $\bar{e}s - \bar{o}s$: $HAT - A\bar{S} h\bar{a}to$ ، هندی باستان $Satas$ ،

یونانی باستان $\sigma \acute{\alpha} \tau \alpha \varsigma$.

NS - رای، هند و اروپایی *ns - بعد از واکه داریم MARTYANS mašyasča،

گوتی Wulfans بعد از همخوان *ns-، APAS apō، یونانی باستان $\alpha\pi\alpha\sigma$.
 Ā - خنثای فاعلی و رایبی، هند و اروپایی *ā-، AKĀ akā (مقایسه شود با
 اسلاو باستان $\alpha\mu\epsilon\eta$). در آغاز، این صورت اسم جمع خنثی و مفرد بوده
 است. همان صورت برای صرف ماده‌ای خنثی در جمع، پایه را تشکیل داد.
 I - از هند و اروپایی $\emptyset$ - مرحله‌ای از همان ستاک: ASTI asti
 ((استخوانها)).

ĀM - اضافی، هند و اروپایی $\bar{o}m$ ، $\bar{o}n$ ؛ * $\bar{o}n$ ؛ Sunam - ĀM - SUN از SUN -
 ((سگ))، هندی باستان $\bar{c}un\bar{a}m$ ، یونانی $\kappa\upsilon\nu$.
 ĀIS - بایی، هند و اروپایی *OIS- (حالت نخستین برای ستاکهای ماده‌ای)،
 یونانی $\alpha\iota\varsigma$ ($\bar{o}i\varsigma$)، لاتینی $Lup - \bar{i}s$ ، هندی باستان $Virk\bar{a}is$.
 ṢU - دری، هند و اروپایی * $\bar{s}u$ ؛ MARTYAIṢU mašyaēšu، ((در میان
 مردم)).

این پایانه، صرفنظر از هند و ایرانی، در زبانهای بالتیکی و اسلاونی دیده
 می‌شود با همان اختلاف ماده‌ای آغازین (هند و ایرانی AIṢU-) و آغازین
 غیر ماده‌ای: اسلاو باستان $\bar{x}\bar{s}$ -TPB (غیر ماده‌ای) و $\bar{x}\bar{s}$ -BA (ماده‌ای).
 ۶۵. پایانه‌های زیر به دوره‌ای باز می‌گردد که باستانی‌تر از هند و ایرانی نیست.
 Ā-، $\bar{U}$ - مفرد بایی، برای ستاکهایی با $\bar{U}$ ، $\bar{I}$ ، $\bar{a}\bar{s}i$ ؛ RTĪ از RTĪ - «بهره»، هندی
 باستان dhītī از dhītī «اندیشه» (فقط برای مؤنث با $\bar{i}$ -، در صورتی که شباهت به
 ستاکهایی با $\bar{U}$ - XRATŪ از XRATU «خرد» برابری در هندی باستان
 ندارد).

S - جمع فاعلی برای ستاکهای با $\bar{a}$ ؛ $\bar{V}a\bar{g}u\bar{h}i\bar{s}$ ؛ VAHVĪ از VAHVĪ -
 ((مهربان))، هندی باستان $\bar{V}as\bar{v}i\bar{s}$.

NĀM - اضافی برای ستاکهایی با واکه‌ها و همخوانهای $\bar{I}$ ، $\bar{U}$ (و همچنین R در
 هندی باستان): DAIVANĀM daēvanam از DAIVA «دیو» هندی باستان

devānām: GAI - NĀM gairinām از GARI - «کوه»، هندی باستان girinām، و جز آن.

BYAŞ - ازی، برایی؛ BIŞ - بایی. پایانه‌های اینها و سایر حالات با عنصر bh در زبانهای هند و اروپایی باستانی مختلف آشکار است ولی به هیچ نمونه کلی باز نمی‌گردند، و درآمدن آنها به صورتها و کارکردهای غیر مشخص مربوط به زبانهای جداگانه‌ای است. در مورد هند و ایرانی، این bhyas - است (جمع ازی، برایی: اوستایی BYAŞ nərəbyō - NR از NR - «مرد»)، هندی باستان (nr̥bhyas) و bhis - (جمع بایی، اوستایی HAT - Biš ha kbīš از HAT «موجود»)، هندی باستان (sadbhis). اصل نسبتاً متأخر این پایانه‌ها (مانند همه پایانه‌ها در جمع، جز در حالت فاعلی و برایی) بر اثر عمومیت آنها در همه ستاکهای تمام جنسها نیز به چشم می‌خورد.

۶۶. صورتهای زیر در صرف اسمی ممکن است بویژه ایرانی به شمار آیند.

تثنیه ازی، برایی با BYĀ - (هندی باستان bhyām -): اوستایی NRBYĀ nərəbya از NR - «مرد»، هندی باستان nr̥byām. اما در هند و ایرانی، شاید هر دو نوع وجود داشته و bhyām - هندی نشان‌دهنده bhyā - با همان گونه اضافی m - است که در حالت‌های دری با ستاکهای Ī - دیده می‌شود: Striām - از Strī - «زن». گونه BYĀM - یک بار در اوستا نیز دیده شده است: brvatbyām - BRUVAT - از BRVAT - BYĀM «ابرو».

تثنیه اضافی با ĀS - (از دو مرد) و تثنیه دری با AU - (aṇhvō) - AHV - AU از AHU - «جهان، کیهان». هندی برای هر دو حالت یک صورت را با AUS - دارد: Pitros از Pitarau «والدین». اما همه صورتهای تثنیه نسبتاً نادر است و هیچ گونه نظام صرفی دقیق در اینجا برقرار نمی‌شود.

در هندی نیز پایانه ĪŠ - برای حالت بایی جمع در بعضی ستاکها یافت نمی‌شود. در ایرانی نیز نسبتاً نادر است ممکن است گونه‌ای از پایانه ĀİŠ - یا در هر صورت

جزء ترکیب شونده‌ای باشد که در bhis - آریایی وارد شده است.

صورت‌های جدید ایرانی شامل حرف آغازین گسترده T - دری ماده‌ای برای تمام طبقات صرفی است و هم‌چنین شامل تشکیل پایانه‌های جدید AT - و T - است که همدوش با پایانه‌های حالت اضافی AS -، S - به کار می‌رود: اضافی MANAH - AŞ manarhō؛ ازى AT manarhat - MANAH از - MANAH «روح»؛ اضافی GARAI - S garōiš، ازى T garōit - GARAI از - GARI «کوه». این پدیده حتی اصل متأخرتری از ایرانی عمومی دارد: در مورد گویش گاهان چنین صورت‌هایی از ویژگی‌های آنها نیست، و ازى، بر طبق ضابطه هند و ایرانی، در حالات اسمی غیر ماده‌ای به وسیله حالت اضافی بیان می‌شود.

۶۷. صورت‌ها و قواعد صرفی فوق با گونه‌هایی که ملاحظه شد فرق بسیار دارد. صورت‌هایی که در راست‌گوشه آورده‌ایم حاکی از این کیفیت است. صورت‌های صرفی مطلوب، درست مانند آوانویسی مطلوب، بیشتر برای نمودار ساختن نوعی نظام لازم است، تا تنوع غیر عادی صورت‌های اوستایی که به عنوان انحرافات از این نظام ملحوظ گردد.

در اینجا نمی‌خواهیم که طبقات جزئی را در داخل طبقات، به تناسب گونه‌های همان صورت‌ها، تشخیص دهیم. نخست ملاحظه کردیم که یک کلمه دارای صورت‌های مختلف است: مفرد اضافی Xratəuš:XRATV - AŞ Xra⁹wō جمع رایى AP - AŞ apō:XRATAU - از - XRATU «خرد»، جمع رایى AP - AŞ apō:ATR - AS ātrō «آب»؛ مفرد اضافی ātarš:ATR - AS ātrō «آتش»؛ NR - AŞ nərəš:NR - S narš «مرد». گذشته از این، تضمینی وجود ندارد که صورتی که مورد استفاده تدوین‌کننده دوره اشکانی یا ساسانی یا حتی یک استنساخ‌کننده بعد از دوره ساسانی بوده است اشتباهاً به عنوان طبقه مخصوصی تعبیر نشود.

اما نوسانات در صرف، وابستگی متقابل طبقات مختلف و ایجاد صورت‌های

تازه‌ای که بر اثر تشابه (گاهی تصادف) ایجاد شده مسلماً در آن دوره که گویشهای اوستایی هنوز زنده بوده وجود داشته است. این نکته بویژه با توجه به گونه‌های مشابه هر چند با تغییرات کمتر، در زبان اسناد باستانی هندی تأیید می‌شود. در این جا به بعضی از این گونه‌ها می‌پردازیم.

۶۸. تغییر ستاکهای غیر ماده‌ای طبقات مختلف به صورت یک صرف ماده‌ای، فرایندی کاملاً عادی است: ZAMAI zəme «(روی زمین)»، مفرد دری. از گونه ستاکها با A (- ZAMA)؛ از ستاک - ZAM که در سایر حالات وجود دارد باید انتظار - I, ZAM - I را داشت؛ Parō.daršahe، مفرد اضافی از PARŠ - DARS، مفرد فاعلی PARŠ - DARS - Parō darš - «پیش‌بینی کننده (سپیده‌دم)»، (مربوط به خروس) به جای PARŠ - DARS - AŠ، (مقایسه شود با اسناد بعدی فارسی باستان dārayavaušahya «از داریوش» به جای صورت متداول از مفرد اضافی dārayavahauš).

Fšuya، مفرد ندایی، bərəzāt، مفرد ازی از - FŠUYANAT «تربیت کننده رمه» - BRZANT «(بلند)». معمولاً اسامی غیر ماده‌ای به شکل آغازی صورت جمع حالت فاعلی با a - دیده می‌شود که از صرف ماده‌ای اقتباس شده (جایی که تقریباً به طور کلی صورت متداول با ā - رایرون رانده است): gatava، جمع فاعلی از - GATU «(محل)» (به جای AŠ - GATAV).

تغییراتی در اسمهایی با واکه‌گونه‌های درون واکه‌گونه‌های خاص و صرفهای همخوان را ملاحظه کرده‌ایم (بخش ۵۹) و همچنین اختلاط ستاکهایی که با I و Ā هستند (بخش ۶۲).

ماده‌ای کردن ستاکها، موازی با تجزیه نظام باستانی صرف در طبقه‌بندی ستاکها نیز وجود دارد. بدین ترتیب، دیده‌ایم که در طبقه با ANT - (بخش ۵۵) گرایشی به سوی تعمیم ستاک قوی ظاهر می‌شود. از سوی دیگر، در نامهای با - US - - : - VĀŠ - ستاک ضعیف به داخل حالات قوی نفوذ می‌کند: مفرد

فاعلی Viduš به صورت معمول VIDVĀŠ. اختلاط کاهشها در بعضی حالات منجر به ترکیب حالات می شود. بدین ترتیب در جمع، حالات فاعلی و رایى مذکر و مؤنث از یکدیگر متمایز شدند، و این پس از برطرف شدن اختلاف AS - AS و NS - به تنهایی بر اثر کاهش بوده است (قوى در فاعلى و ضعيف در بايى). در صورتهائى مانند AS - āpō - AP (رایى) به جای AS - AP یا Pasvō و نیز AS - PASV (فاعلى) به جای AS - PASAV، این اختلاف به همین سان از بین رفته است. بدین ترتیب، می توان ادعا کرد که در زبان اوستایی، تجزیه نظام صرف باستانی پیش از این جریان داشته بود.

ضمایر

۶۹. ضمایر را به دو گروه اساسی تقسیم می کنند:

(۱) ضمایری که دارای صورتهای جنسی هستند: ضمیر اشاره، موصولى، استفهامی، مبهم و سایر ضمایر و همچنین کلمات ضمیری که کمایش با آنها پیوستگی دارند.

(۲) ضمایر شخصی اول شخص و دوم شخص (ضمایر اشاره برای سوم شخص به کار می رود) که صورت جنسی ندارند و الگوی ویژه ای از صرف را تشکیل می دهند.

ضمایری با صورتهای جنس

۷۰. شمار قابل توجهی از ستاکهای ضمیر اشاره به چشم می خورد، ولی هیچیک از آنها با صورتهای صرفی کاملی نشان داده نمی شود؛ در زبانهای مختلف هند و ایرانی (هند و اروپایی) این ستاکها به عنوان دگرگونه در ترکیبات مختلف وجود داشته است. سه نوع ضمیر اشاره از مشخصات زبانهای هند و اروپایی است: (۱) آنهایی که به یک شیء نزدیک اشاره می کنند؛ (۲) آنهایی که به یک شیء

دور اشاره می‌کنند و (۳) آنهایی که بدون توجه به فاصله یک شیء به کار می‌رود (مانند این و آن و اشاره به غیر جاندار). اما این نظام سه‌گانه به طور متفاوت در زبانهای متفاوت گروه‌بندی شده و همانندی اصولی در ستاک ضمیری در زبانهای مختلف، حاکی از تشابه موقعیت آنها در نظام مورد بحث نیست.

ضمیر عمومی هندواروپایی ((it)) (به صورت ضمیر شخصی و ضمیر اشاره) در حالت مفرد فاعلی مذکر و مؤنث دارای ستاک دگرگونه -so و در مورد صورتهای دیگر -to بوده است. در یونانی حرف تعریف (to, to) و غیره) و در اسلاوی ضمیر Tb (Ta, To) را به وجود آورده است. هندی دارای صورتهای صرفی کامل sa, ta به مفهوم ((این)) بوده است. اما، در اوستایی فقط چندین شکل از این ستاک، بیشتر در حالت فاعلی و برایی باقیمانده است، و دشوار است که به یک صورت صرفی به عنوان صورتهای دگرگونه اشاره کنیم، زیرا صورتهای بسیاری از حالات فاعلی برای ستاکهای ضمیری مختلف در اوستا وجود دارد و بدشواری می‌توان آنها را به صورت یک نظام ثابت درآورد.

در مورد زبان اوستایی، باید گروههای زیر از ضمائر اشاره را تعیین کنیم: دو گروه «نزدیک» و یک گروه «دور».

۷۱. گروه «اشاره به نزدیک»، شامل ضمائری از ستاکهای زیر است: خنثی، مذکر -A (مفرد فاعلی مذکر YAM - A)، مؤنث -Ā, -Ī (مفرد فاعلی I - YAM) همچنین ضمائری که گاهی دارای یک معنای مرجع دار خنثی، مذکر -HA, -TA؛ مؤنث -HĀ, -TĀ؛ مذکر، خنثی AITĀ, - AIŠĀ مؤنث -AITĀ, - AIŠĀ: مذکر و خنثی -IMA, مؤنث IMĀ، خنثی و مذکر -ANA, -HVA.

از لحاظ صورت صرفی، این ستاکها تقریباً به روشنی زیر توزیع می‌شوند:

مذکر

aēšō AIŠAŠ	hvō HVAS hō HAŠ, ayə m, aēm AYAM	فاعلی	مفرد
aēt əm AITAM	im əm IMAM t əm TAM		رای
aētahe AITAHYA	ahyā, aiəhe, ahe AHYA		اضافی
aētahmāt AITAHMĀT	ahmāt AHMĀT		ازی
aētahmāi AITAHMĀI	ahmāi AHMĀI		برای
aēta AITĀ	anā ANĀ tā TĀ		بایی
aētahmi AIMAHAMI	ahmya, ahmi AHMI(A)		دری
aēta AITĀ	ima IMĀ /tā/tā/TĀ	فاعلی	تثنيه
	ābyā ĀBYĀ		برای
aētayā AITAYĀŠ	anayā ANAYĀŠ ayā, ās-ča, AYĀŠ, ĀŠ		اضافی
aēte AITAI	ime/IMAI/tā/tōi, tē TAI	فاعلی	جمع
*AITANS	ima IMANS t əng tā TANS		رای
	ime		
aētaēšam AITAIŠĀM	aešam AIŠĀM		اضافی
aētaēibyō AITAIBYAŠ	aēibyō AIBYAŠ		برای
anāiš ANĀIŠ, tāiš	TĀIŠ, aēibiš AIBIŠ, āiš ĀIŠ		بایی
aētaēšva, aētaēšu AITAIŠU(+A)	aēšva, aēšu AIŠU(+A)		دری

خشی

aētaṭ AITAT	aēt əm AITAM, imaṭ IMAT taṭ TAT	رای	مفرد فاعلی، رای
/aētā/aēta AITĀ	imā/ima IMĀ /t əng/tā TĀ	رای	جمع فاعلی، رای

مؤنث

aēša AIŠĀ	hī HĪ, hā HĀ im IYAM	فاعلی	مفرد
aētəm AITĀM	iməm IMĀM t əm tam TĀM		رای
/aētayā/ aētaḡhā AITAHYĀŠ	aiəhā AHYĀŠ		اضافی
	aiəhāt AHYĀT		ازی
	ahyāi, aiəhāi AHYĀI		برای
aētaya AITAYĀ	qyā, aya AYĀ		بایی
	aiəhe AHYAI		دری
	ābyā ĀBYĀ	برای	تثنيه

actā AITĀŠ	imā IMĀŠ /tā/tā TĀS	جمع فاعلی، رای
	āhām ĀŠĀM	اضافی
aētāibyō AITĀBYAŠ	ābyō ĀBYAS	ازی، برای
	ābiš ĀBIŠ	بایی
	āhva, āhū ĀŠU(+A)	دری

۷۲. گروه «اشاره به دور» شامل این ستاکهاست: مذکر، خشی - AVA، مؤنث - AVĀ، مذکر، مؤنث HĀU. صورتهای ثبت شده را به طریق زیر توزیع می کنند:

مؤنث	خشی	مذکر
HĀU hāu	aom AVAM, hāu HĀU	مفرد فاعلی
AVĀM avam	avat AVAT	رای اوم AVAM
AVAHYĀŠ avaiṇhā		اضافی اواhe AVAHYA
AVAHYĀI avaiṇhāi		برایی
AVAHYĀT avaiṇhāt		ازی
		بایی avā, ava AVĀ
AVĀŠ /avaṇhā/avā	/avā/*AVĀ ave AVAI	جمع فاعلی، رای
	avaēšam AVAIŠĀM	اضافی
	/avaṭbyō/avabyō AVABYAŠ	برایی
	avāiš AVĀIŠ	بایی

۷۳. ضمایری تکیه. در مورد حالات رای و اضافی - برایی ضمایر اشاره، نیز صورتهایی است که بدون تکیه به کار می رود:

مذکر	مؤنث	خنثی
im IM		dit DIT it IT
مفرد	رای	dim DIM, him HIM
مفرد	اضافی برای	se, he SAI
ثنیه	رای	i I
		hi HI
جمع رای	dis DIS	
		di DI
		his HIs

۷۴. ستاکهای اوستایی ضمائر اشاره به صورتهای مختلف در هندی نیز یافت

می شود که در آنها ترکیبات صورت صرفی بیشتر به چشم می خورد و این امر به سبب مقدار بیشتر اطلاعات و همچنین حفظ بیشتر اطلاعات مزبور است. یک صورت صرفی مرکب از -sa، -ta، دیگری مرکب از -a، -i، -ima، و سومی مرکب از -esa، -eta است: اما، در گروه «اشاره به دور» تنها asau مطابق AHĀU ایرانی است. سایر صورتهای از ستاک -amu که کاملاً هندی است مشتق می شوند، در صورتی که ستاک -ava تنها دویا سه بار در ریگ ودا آمده است.

از لحاظ طرح کلی، صرف در ایرانی و هندی بایکدیگر مطابقت دارند: همان عنصر -sm - در صورتهای حالات مفرد (هندی باستان asmāi، اوستایی ahmāi، به معنی «به آن») و همان عنصر -s - در جمع در هندی باستان eṣām، اوستایی aēṣām، AIŠĀM به معنی «از آنها، از ایشان»، و همان اشتقاقها از صرف اسمی: جمع فاعلی مذکر (هندی باستان ime، اوستایی ime IMAI).

۷۵. ضمائر اشاره هم به طور مستقل و هم به صورت اسنادی بکار می رود:

hō (HAŠ) zrayō ayaozayeti «او (تیشتر) دریاچه را متلاطم می‌کند»، (یشت ۸، ۳۱)؛ tafsātča hō (HAŠ) mairyō xvisačča «آن نابکار شروع به گرم شدن و عرق ریختن کرد»، (یشت ۹، ۱۱).

imat(IMAT) nmānə m... hāu (HĀU) maza: ضمائر دور و نزدیک با هم تباین دارند: mərəḷ o... ave (AVAI) awrā «این خانه... آن پرنده بزرگ... آن ابرها» (یشت ۱۴، ۴۱).

۷۶. ضمیر ربطی -YA، -YĀ (هندی باستان -ya، -yā) با همان الگوی ضمائر اشاره صرف می‌شود: -S -M,yō YA - yahmāi YAŠMĀI,yim YA و غیره. در گاهان تنها یک صورت ویژه hyat در کنار YAT yat (فاعلی و خشای رایی) وجود دارد. همه صورتهای این ضمیر به سبب استعمال مکرر آنها بسیار به چشم می‌خورند (جز بعضی صورتهای تنهیه). ضمیر به اندازه‌ای زیاد دیده می‌شود که گذشته از معنای معمولی آن، به مفاهیم زیر نیز به کار می‌رود:

(۱) به معنای ضعیف شده اضافه، یعنی ارتباط دهنده کلمه تعریف شده و تعریف یا کلمه بدل بعدی:

Ĵanaṭ aḷim Srvarəṃ yim (YAM) aspō. garəṃ nərəgarəṃ yim (YAM)
Višavantəṃ Zairitəṃ'...

«کشت ازدهایی را که شاخدار، اسب اوبار، مرد اوبار، زهرآگین، زردرنگ [بود]» (یشت ۱۹، ۴۰)؛ m rəḷō yō (YAŠ) parō. darš nāma «مرغی به نام پرودرش» (وندیداد ۱۸، بند ۱۵).

(۲) به عنوان عنصری نزدیک به ارزش یک حرف تعریف معین (پیش از اسم) یا (جداگانه) در ترکیب با یک ضمیر اشاره یا شخصی:

āaṭ maṃ fraguz ayanta yōi (YAI) apər ənāyu taurna

«آن مردان جوان به من خیانت کردند». (یشت، ۱۷ بند ۵۵)؛

huā tē vər ʔzyān aēte yōi (AITAI YAI) mazdayasna

((آنچه مزدپرستان (یعنی زردشتیان: وندیداد، ۶ بند ۲۶) باید انجام دهند)):

azəm yō (AZAM YAŠ) ahurō mazdā

((من، اهورامزدا)).

۷۷. ضمیر استفهامی - KĀ - KA (هندی باستان - ka - kā هند و اروپایی
 (*k^w a - *k^w e/o) دارای یک صورت صرفی تقریباً کاملی مانند ضمائر پیشین
 است، اما گذشته از اینها صورتهای دیگری وجود دارد که از این ستاک - ČI :
 ČAI - *k^w i - *k^w ei مشتق شده است: مفرد فاعلی مذکر و مؤنث - Čiš čī -
 رایبی مذکر M - Čim Čī، فاعلی و رایبی خنثی ČIT čit، جمع فاعلی مذکر
 AŠ - Čayō ČAI.

ضمائر استفهامی، شبیه ضمائر اشاره، به طور مستقل ((چه کسی)) و به
 عنوان مسند ((چه)): Kō (KAŠ) mān Stavāt Kō (KAŠ) yazāite ((چه کسی مرا
 می ستاید؟ چه کسی برای من قربانی می آورد؟)) (یشت ۵ بند ۸):

Kā(KĀ) ahmāi ašišrənāvi, čit (ČIT) ahmāi Jasaŋ āyaptəm

((شایسته چه بهره ای بوده است؟ چه شادمانی نصیب او شده است؟)) (یسن ۹
 بند ۳).

هر ضمیری ممکن است به عنوان یک ضمیر مبهم عمل کند:

mā čiš (ČIŠ) paura būi yaēta nō

((کسی نباید نخستین (مردی) باشد که به وجود ما پی ببرد)) (یسن ۹، بند ۲۱).

Kaŋhe Kaŋhe (KAHYA KAHYA) apa ʔ žaire nmān m hištaite

((در کنار هر یک از این دریاچه ها، خانه ای قرار دارد)) (یشت ۵، بند ۱۰۱).

۷۸. مفهوم غیر صریح به طور خاص معمولاً با افزودن حرف تعریف CIT cit به
 دست می آید (در اصل صورت فاعلی و رایبی خنثی از - CI است): KAS - CIT
 ... kamčit KAM - CIT kasčit ((کسی، هر کس که...))
 Kascitmasyanam KAS - CIT MARTYANAM ((بعضی از مردم)).

۷۹. صفت های ضمیری وابسته به ضمائر هستند: - ANYA، هندی باستان

- anya «دیگر»، - VISPA، هندی باستان - Vica «همه»، - KA - TARA
 هندی باستان - Katara «کدام از این دو»، - KA - TAMA، هندی باستان
 Katama، فارسی نو Kudām «کدام از بسیار»، (دو صورت اخیر دارای همان
 پسوندهایی هستند که درجه تفضیلی و عالی را می سازند). صرف آنها در الگوهای
 اسمی و ضمیری فرق می کند (مثلاً VISPAI vispe «همه» صورت ضمیری است،
 ولی VISPANĀM جمع اضافی به معنی «از همه» یک صورت اسمی است)، و
 بنابراین، آنها در میان یک طبقه مخصوص کلمات به طور آشکار قابل تشخیص
 نیستند.

ضمایر شخصی

۸۰. به صورتهای زیر توجه شود:

اول شخص، دوم شخص

مفرد	فاعلی	azəm, azəm AZAM	tvəm TUVAM	/tu/tūm,
رای	maṃ MĀM	ṭwam ṬVĀM		
اضافی	mana MANA	tavā, tava TAVA		
ازی	maṭ MAT	ṭwāt, ṭwat ṬVAT		
برای	mavoya, maibyā MABYĀ	taibya TABYĀ		
	maibyō MABYAŠ	taibyō TABYAŠ		
بایی	ṭwa ṬVĀ			
تنی	ṭāvā ĀVĀ			
اضافی	yavākəm YAVĀKAM			
جمع	vaēm VAYAM	yūžəm YUŠ-AM		
رای	ṭhmā, ahmā AHMĀ			
اضافی	ahmākəm AHMĀKAM	yušmākəm YUŠMĀKAM		
	xšmākəm XŠMĀKAM			
ازی	ahmaṭ AHMAT	yūšmaṭ YUŠMAT	xšmaṭ, XŠMAT	

yušmaoyo, yušmaibyā YUŠMABYĀ	ahmaibyā AHMABYĀ	برایی
xšmavoya, xšmaibyā XŠMABYĀ	ahmāi AHMĀI	
xšmā XŠMĀ		بابی

۸۱. صورتهای بی تکیه زیر نیز به چشم می خورد:

ṽwā TVĀ	mā MĀ	مفرد رای
tōi, tē TAI	mōi, mē MAI	برایی، اضافی
	nā NĀ	تثنيه اضافی
vā VĀS	nā NĀŠ	جمع رای
vē, vō VAŠ	nē, nō NAŠ	رای، برای، اضافی

۸۲. منشأ هند و اروپایی کلی ضمائر شخصی آشکار است اما خود نظام صورتهای بویژه هند و ایرانی است و بعضی صورتهای با هندی نیز فرق دارد:

AM - AZəm az, فارسی باستان adam, هندی باستان aham, کردی az, اسلاوی azъ حاکمی از gh* هند و اروپایی (به سبب h هندی) است و بدین ترتیب، تشابه دقیق با یونانی به دست نمی دهد. عنصر AM - در AM - AZ - از ضمائر شخصی AM - AY, AM - IY به نظر آشنا می آید. همان عنصر در AM - TUV, AM - VAY, AM - YUŠ وجود دارد.

ستاکهای - MA, - TA در حالت غیر فاعلی دنباله صورتهای هند و اروپایی است، و صورتهای MNA و TAVA مطابق اسلاو باستانی (teve) mene, tece است. صورتهای دیگر دارای پایانه های هند و ایرانی است و TABYĀ در اوستایی یک صورت قدیمتر از tubhyam هندی باستان را حفظ کرده است، اگرچه از سوی دیگر mahyam هندی باستان «به من»، به نظر می رسد که مطابق mihi لاتین است و حال آن که صورت MABYĀ اوستایی دارای همان پایانه آریایی TABYĀ است.

صورتهای - VAY, - YUŠ مربوط به شکلهای زبانهای ژرمنی و بالتیکی

است. ستاکهای حالت غیر فاعلی ضمائر اول شخص و دوم شخص ضمائر جمع دارای همان عنصر آشنایی است که پیش از این در ضمائر اشاره Sma می آمده است. (مقایسه شود با یونانی کهن $\tilde{m}as$, $\tilde{m}as$) به اضافه ستاکها. - (S) N, - (S) U $\rightarrow$ AHMA - NŠMA - UŠMA $\rightarrow$ (Y) XŠMA - UŠMA $\rightarrow$ (U) ŠMA. همان ستاکهای نخستین با مراحل کاهش میانه و بلند: NAŠ, NĀŠ, VAŠ, VĀŠ که به طور بی تکیه به کار برده می شود، مطابق صورتهای روسی است. بی تکیه های MAI و TAI نیز مطابق اسلاو باستانی $\mu\mu$, $\tau\mu$ و یونانی $\mu\mu\epsilon$, $\tau\mu\epsilon$ (در حالت اسنادی 600) است.

فقدان صورتهای بعضی حالات در میان صورتهای نواخت بر، آشکارا تا اندازه زیادی با استفاده بسیار از بی تکیه ها توجیه می شود.

۸۳. ملکیت معمولاً به وسیله حالت اضافی ضمیر (نواخت بر، یا غالب اوقات بی تکیه)، بیان می شود. اما صفت های ضمیر ملکی نیز به چشم می خورد مانند: - MA MA «مال من» - TVA - wa «برای تو» - ŠVA - hva - xā, - MA MA «مال من» - TVA - wa «برای تو» - ŠVA - hva - xā, هندی باستان sva ضمیر ملکی انعکاسی - AHMĀKA - ahmāka «مال ما» - YUŠMĀKA - yuśmāka XŠMĀKA «مال شما».

اعداد

اعداد اصلی

۸۴. دقیقاً می‌توان گفت که اعداد بخش ویژه‌ای از گفتار را تشکیل نمی‌دهد، ولی چون بعضی از آنها را نمی‌توان با هیچ بخش دیگر گفتار طبقه‌بندی کرد، از این رو طبقه‌بندی آنها به عنوان بخش جداگانه‌ای از گفتار توجیه می‌شود.
عدد یک:

AI - Va - «یک» مطابق یونانی باستان $o\acute{\iota}(f)os$ «یگانه» ولی از لحاظ پسوند با - ka - e هندی باستان فرق دارد فارسی نو $aiva - ka - \acute{e}vak > yak$ (؟)؛ به عنوان ضمیر صرف می‌شود: فاعلی مذکر $a\acute{e}v\acute{o}$ AIVAŠ رای $AIVAHM$ $a\acute{e}vahm\acute{a}t$ AIVAHM\acute{A}T از $yam, \acute{o}im, \acute{o}yum$ و غیره.

۸۵. اعداد از دو تا چهار، مانند اسامی طبقه مشابه صرف می‌شوند، و «دو» بنا بر الگوی عدد تنه و سه و چهار، بنا بر الگوی جمع صرف می‌گردند:
DAV (فارسی نو DU حاکی از - DUVA): فاعلی مذکر $dva\ duv\acute{a}$ ، اضافی $dvay\acute{a}$ DUVAY\acute{A}S، فاعلی، رای مؤنث DVAI، DUVAI $duye$.

TRAI: TRI، مؤنث - TIŠR هندی باستان - $tišr, tri$ (بجز هند و ایرانی صورت مؤنث فقط در زبان سلتی حفظ می‌شود). فاعلی مذکر $\acute{r}ay\acute{o}$ TRAYAS (تاجیکی ce). خنثی $\acute{r}i$ TR\acute{I}، مؤنث $tišr\acute{o}$ TIŠRAS، اضافی مؤنث

tišṛam TIŠRĀM

ČATUR-: ČATVĀR - مؤنث - ČATAŠR فاعلی مذكر ČATVĀRAS
 čaṭwārō (فارسی نو čahār)، رایى čaturČATURAS، اضافی ČATURĀM
 čaturam، فاعلی مؤنث ČATAHRAS čataṅrō.

۸۶. نامهای اعداد از پنج تا ده (در آغاز) از لحاظ جنس و حالت صرف نمی شدند.

PANČA Panča، یونانی، πεντε nεvτε، فارسی نو panj.
 XŠVAŠ XŠVAŠ از هند و ایرانی SVAK و هندی باستان Šat از Šak آمده است.
 بدین ترتیب فارسی نو Šas نتیجه یکی از این دو صورت باید باشد.
 HAPTA hapta، هندی باستان Sapta، فارسی نو haft، یونانی، ἑπτε nετε، هند و اروپایی *septm.

ĀŠTĀ āšta، هندی باستان aṣṭa، فارسی نو hašt، یونانی، ὀκτε okte، هند و اروپایی *oktō، که در آغاز صورت تنه داشته است.

NAVA nava، فارسی نو nuh، یونانی، νη(F) vε - εv، هند و اروپایی *neum.
 DASA dasa، فارسی نو dah، یونانی δακ dah، هند و اروپایی *dekm.
 در اوستا مانند هندی صورتهای صرفی نیز وجود دارد Pančanam (از پنج) navnam (از نه). از سوی دیگر اعداد صرف شده شکل‌های مشخصی به خود گرفته اند: فاعلی مذكر ČAΘVĀRAS Čaṭwārō «چهار» (به معنی فاعلی مؤنث به جای ČATAHRAH Čataṅrō).

۸۷. اعداد از یازده تا نوزده به وسیله افزایش ساده کلمه ساخته می شود.
 Pančadasa «پانزده» و Xšvašdasa «شانزده».

اعداد دهدهی از بیست تا پنجاه از نام واحد به اضافه - SAT - ساخته می شود، ایرانی *át^h هند و اروپایی Kmt^h (d).

در مورد عدد بیست یک صورت مشخص (مؤنث) - Vīsaiti VĪSAT -

فارسی نو bīst وجود دارد.

اعداد از سی تا پنجاه قاعداً به صورت مشخص رایج یافت می‌شود:

ČAΘVAR - SAT - AM, ⁹risatəm TRI - SAT - AM
 Pančsatəm PANČA - SAT - AM, Ča⁹warəsatəm
 Sī, Čihil, Panjāh صورتهای فارسی باستان -⁹ri-⁹at, Ča⁹var⁹at -
 -⁹at - Pančā.

۸۸. نامهای اعداد دهدهی از شصت تا نود از نامهای واحدها با افزودن پسوند
 - TI - ساخته می‌شوند. همچنین به صورت رایج باقی می‌مانند:
 HAPTĀ - TI - M؛ ^{۱۲}šast Xšvaštīm XŠVAŠ - TI - M، فارسی نو
 haptāitīm؛ ^{۱۳}aštāitīm AŠTĀ - TI - M؛ ^{۱۴}haštād؛ فارسی نو
 navaitīm NAVA - TI - M، فارسی نو navad.

نام اعداد در بالای بیست (جز اعداد دهدهی) از نوع
 Pančača Visaiti PANČA - ČA VĪSATI «بیست و پنج» مشتق می‌شوند.

۸۹. اعداد زیر قاعداً به صورت اسامی خنثی به کار می‌روند: SATA - M
 Satəm «صد»، هندی باستان Čatam، فارسی نو Sad، لاتینی Centum، هند و
 اروپایی kmtom - (d)؛ HAZAHRA - M؛ hazarəm «هزار»، فارسی نو hazār،
 هندی باستان Sahasram؛ BAIVAN - BAIVAR - baēvan - baēvar «ده هزار»،
 فارسی نو bevar.

اعداد طبقه صدگان یا با ترکیبات ساده‌ای مانند DUVAI SATAI دویست و یک
 «دویست» بیان می‌شوند یا ترکیباتی مانند Xšvaš - Sata «شصت»، - sata - nava
 «نهمصد».

(۱۲) انعکاس ST و ŠT در زبانهای ایرانی نو همیشه روشن نیست.

اعداد ترتیبی

۹۰. عدد اصلی «یکم» همان گونه که در سایر زبانهای هند و اروپایی دیده می شود صفتی است با مفهوم «نخستین»: FRA - TARA - مفرد فاعلی مذکر fratarō «نخستین از دو تا»، یونانی باستان $\rho\acute{o}\tau\epsilon\mu\omicron\varsigma$ FRA - TAMA: مفرد فاعلی مذکر «نخستین از بسیار»: Prathamas - PRVYA - مفرد فاعلی مذکر Paoiryō «یکم»: مقایسه شود با روسی первый «نخستین». از نامهای اعداد تا ده، اعداد ترتیبی با افزودن پسوندهای مختلف ساخته می شود:

- DVIT(I) YA - bitya - daibitya، هندی باستان - dvitiya؛ فارسی باستان duvitiya فارسی نو <digar> didigar - kara - ditiya - > DVITYA؛
- TRIT(I) YA - ritya، هندی باستان - tritiya؛
- (K)TURYA - tūirya -، هندی باستان - turya - turya؛
- Puxka PNK - θA - (Pancama هندی باستان)؛
- Xštva (ŠVŠθA) XŠTVA -، هندی باستان - Šaṣṭha؛
- hapta θa HAPTAθA، هندی باستان - Saptatha؛
- aṣṭa ma - AŠTAMA -، هندی باستان - aṣṭama؛
- naoma - nāuma - NAVAMA -، هندی باستان - navama؛
- das θa ma - DASAMA -، هندی باستان - daṣama.

در مورد اعدادی که حاکی از «یازده تا نوزده» اند اعداد اصلی به کار می روند و بر طبق نوع ستاکها با A صرف می شوند Pančadasa «پانزده» - Pančadasa «پانزدهمین».

معانی صورتهای صرفی اسم

جنس

۹۱. قاعدتاً دشوار است که جنس دستوری یک اسم را با معنی آن مربوط بدانیم. جنس نامهایی که نشان‌دهنده موجودات زنده است معمولاً با جنسیت آنها تطابق دارد؛ موارد استثنایی را که مشکوک باشند می‌توان نادیده گرفت. اسامی، معمولاً دارای جنس خشی و مؤنث است حالاتی نیز هست که یک اسم با جنسهای مختلف به کار می‌رود.

شمار

۹۲. مورد استعمال مفرد و جمع اساساً با سایر زبانهای هند و اروپایی فرقی ندارد. گاهی به جای تثنیه، صورتهای جمع به کار می‌رفته است (مگر این که تغییرات بعدی را مورد بحث قرار دهیم): BĀZAVA. bāzava aurūša aspō staoyhiš: (تثنية فاعلی)؛ ARUŠĀ (تثنية فاعلی)؛ ASPĀ - STAVYAHİŠ (جمع فاعلی). «بازوان سپیدی سترتر از پاهای اسب»، (یشت ۵، ۷).

حالات

۹۳. حالت فاعلی دارای معانی معمول مسند و مسندالیه (نهاد و گزاره) است. بعضی صفتها در حالت فاعلی ممکن است معنی قیدی داشته باشد:

Kahmāi Paoiryō (PARVYAS) mašyanam apərəsə tūm yō ahurō mazdā
anyō (ANYAS) mana yaṭ zara ŋuštrāi

«با چه کسی نخستین بار سخن گفتی ای اهورامزدا، جز من، زردشت؟»
(وندیداد ۲، بند ۱)؛

fraš (FRĀNŠ FRĀNK - Š) ayaṇ hō frasparat yaēšantim āpəm Parāṇhat:
 Paraš (PARĀNŠ, PARĀNK - Š) tarštō aspatacat naire, manā kərən sāsṗō
 «از دیک به جلو شتاب آورد، آب جوشان را سرنگون کرد گرشاسپ دلیر،
 ترسان خود را کنار کشید» (یسن ۹، بند ۱۱).

۹۴. حالت رایی

(۱) حالات زیر در رایی دوگانه به مفهوم معمولی مفعول صریح به کار می‌رود.
 (a) هرگاه مفعول صریح فعل، شخص یا شیء باشد مانند، - JADYA «چیزی
 از کسی خواستن»:

iməm (IMAM) wam (ΘVĀM) paoirīm yānəm (PARVYAM YĀNAM)
 haoma Jaiyemi

«این نخستین هدیه‌ای است که از تو می‌خواهم ای هوم» (یسن ۹، بند ۱۹).
 (b) هنگامی که یکی از اسامی در حالت رایی با فعل ترکیب می‌شود و با آن
 صورتی می‌سازد مانند افعال مرکب در فارسی نو با معنای متعدی: - SKANDA
 «خراب»، - SKANDAM KRNU «خراب کردن»، «نابود کردن»، «شکستن»
 و «درهم شکستن»:

skandəm (SKANDAM) šē manō (MANAH) kərənui

«روحیه او را خراب کن»، (یسن ۹، بند ۲۸).

(۲) حالت رایی در اسنادی نیز به صورت رایی دوگانه است:

tūm zə margūzō (ZAMAR - GUZAŠ) akərən vīpse dāeva
 (VISPAI DAIVA - NŠ)

«تو همه چیز را ساختی (- VISPA؛ صورت فاعلی به جای رایی است که
 انتظار آن می‌رود و گاهی دیده می‌شود) (DAIVA) dāeva «در زمین پنهان شده»
 (- ZAMAR - GUZ) (یسن ۹، بند ۱۵).

(۳). حالت رایی جهت: kām zām āyēnī kām zām (KĀM ZĀM) «به کدام

سرزمین باید بروم) (یسن ۴۶، ۱)

(۴) حالت رایبی توسعه (مکان وزمان):

apa dīm aṣṭā vyeiti ...hāṣṭrō. masaṇhəm aṣṭwanəm (HĀΘRAMASAḤ - AM ADVAN - AM).

«اورا به آن جامی راند تا مسافتی (ADVAN) به اندازه

HAΘRA - (HĀΘRA - MASAḤ)؛ HĀΘRA - اندازه فاصله ای که احتمالاً یک میل است، MASAḤ «بزرگی».

(۵) حالت رایبی اندازه: (MASAḤ) avavaiti masō «به اندازه».

(MASAḤ - n) ...، (یشت ۵، بند ۳).

(۶) در ساخت مطلق:

yat aēte yōi mazdayasna pāṣa ayantəm (PĀDĀ AYANTAM) vā barṇmnəm (BARAMNAM) vā vazṇmnəm (VAZAMNAM) vā tači. apaya nasūm Frajasaṇ...

«اگر مزدپرستی قدم بردارد (- PĀDĀ «قدم») AYANT وجه وصفی از فعل

«رفتن» است)، در حال سواره (- BARAMNA «سواره») یا حمل شده

(- VAZAMNA «حمل شده») با جسد مرده ای در آب جاری مواجه شود...

(وندیداد ۶، بند ۲۶).

۹۵. حالت اضافی

(۱) معنی ملکیت (در حالت اسنادی): (AHURAHYA) puṣra ahurahe

«ای فرزندان اهورا»؛ مسندالیه: hazaṇrəm vairyanam (YAHYA) yeṇhe «که هزار

جویبار دارد» (در باره یک دریاچه) (یشت ۵، بند ۵).

(۲) به مفهوم جزئی (partitive): در مثال پیشین VARYANĀM (جمع

اضافی).

(۳) استفاده حالت اضافی برای افعالی وابسته به مفهوم جزئی: MAN -

«فکر کردن» VID. «دانستن»: manyāi (RTAHYA) ašahya, «می‌اندیشم دربارهٔ آرْت» (یسن ۴۳، بند ۹).

(۴) حالت اضافی نهاد: (DVIŠVAT - ĀM tbišvatam, اضافی جمع) tbaēša؛ «خصومت دشمن».

(۵) حالت اضافی مفعول:

dayā pouru spaxštīm tbišyantam

(اضافی جمع: DVIŠVAN - TĀM) به معنای «قدرت دیدن دشمن را از دور به ما عطا کن» (یسن ۵۷، بند ۲۶).

(۶) به معنای «برای» برابر حالت برایی:

at fravaxšyā aḡ hē uš ahyā (AHAU - Š A - HYA) vahištəm:

«من از بهترینها برای این جهان سخن خواهم گفت» (یسن ۴۵، بند ۴)،

مقایسه شود با: vahištəm (برایی جمع, MARTAIBYAS) hīyaṭ marḡ taēibyō

«آن چه که بهترین است برای مردم» (یسن ۴۵، بند ۵).

(۷) به معنای دری:

hamahe ayaṇ (HAMAHYA AYĀN)... hamayā vā xšapō (HAMAYĀS XŠAPAS)

«در همان روز یا... در همان شب» (یشت ۸، بند ۵۴):

aiṛhā zə mō (AHYAS ZAMAS) nikante Spānasča irista...

«سگان مرده را در این خاک دفن می‌کند» (وندیداد ۳، بند ۳۶).

۹۶. ازی به مفهوم از جا برداشتن، دور کردن، نقطهٔ آغاز، منشأ، گاهی از لحاظ معنی وابسته به حالت اضافی است و غالباً از لحاظ صورت در صرف غیرماده‌ای با حالت اضافی فرقی ندارد (بخش ۶۶):

us gəuš - stuyē tayāatča hazaḡhaṭča (TAYĀT - ČA HAZAHAT - ČA)

«از دزدیدن و غارت رمه دست بر خواهم داشت» (یسن ۱۲، بند ۲):

: gaurvaya hē pā^have (PĀDABYĀ, تثنیه ازى) zvavarō^h

«نیرو را از پاهایش می‌بری» (یسن ۹، بند ۲۸).

حالت ازى نزدیک به اضافی:

at yūš daēvā akāt mana^hhō (AKĀT, ازى, MANAHA ؟ اضافی) stā čī^hram

«اکنون تو ای دیو، از دودمان اندیشه پلیدی» (یسن ۳۲، بند ۳).

بویژه حالت ازى در مقایسه به کار می‌رود (در مقایسه, AŠYAS)

akāt (AKĀT) ašyō «بدتر از بد» (یسن ۵۹، بند ۳۰).

۹۷. حالت برای در معانی متداول مفعول غیر صریح به کار می‌رود:

mraot^h ahurō mazdā spitamāi zara^huštrāi (SPITAMĀI ZARATUŠTRĀ)

«گفت اهورامزدا به زردشت اسپیتامان» (یشت ۵، بند ۱).

به معنای سود رساندن:

kahmāi (KAHMĀI) mā^hwarōždūm:

«که برای او مرا آفریدی» (یسن ۲۹، بند ۱).

به معنای مقصود:

tā nō^has^hantu ava^hhe (AVAHAI):

«بگذار که آنها برای کمک رساندن به نزد ما بیایند» (یشت ۱۳، ۱۴۶).

۹۸. حالت بایی، گذشته از مفهوم کلی بایی AŠIBYA ašibya تثنیه بایی، «با دو

چشم»، ZASTAIBYĀ zastačibya «(با دودست)» با مفاهیم زیر:

همراهی: pər^hsaite (MANYŪ) armaitiš mainyū «آرمیتی با روح سخن

می‌گوید» (وندیداد ۳۱، ۱):

gəuš kəhrpa (KRPĀ) zaranyō srahe نشان ویژه و رابطه:

«به صورت یک گاو شاخدار زرین» (یشت ۸، ۱۶):

ama (AMĀ) ahmi amavastəmō

«به نیرو از همه نیرومندترم» (یشت ۱۴، ۳).

یک مورد غیر عادی و تا اندازه‌ای مبهم از حالت بایی به عنوان حالت فاعل و همچنین مفعول صریح آشکار است:

tištrīm... yazamaide, yim vispāiš (VISPĀIŠ) paitišmar ǝnte yāiš (YĀIS) spǝntahe mainyǝuš dāmaṇ (DĀMĀN), ا ک ایری - ز ام ای ش چا (ADARI - ZAMĀIS) upiri zāmāišča (UPARI - ZAMĀIS) yāča upāpa yāča upasma...:

«ما ستایش می‌کنیم تیشتر را... که همهٔ آفریدگان مینوی در زیرزمین یا روی زمین، آنهایی که در آبد و آنهایی که در زمینند از او یاد می‌کنند». (یشت ۸، ۴۸)؛
vī nō tbišvatam tbaēš ǝbīš (DVAIŠAHBIŠ) Vī manō (MANAH، خنثای

barā gramǝntam.) رایی

«خصومت دشمنان را از ما بگیر، مقاصد کینه‌ورزان را از ما بگیر» (یسن

۹، ۲۸).

معمولاً به این مفهوم، اسمهایی در جمع دیده می‌شود که در حالت فاعلی یا رایی دارای فاعلها و مفعولهای همگون هستند و بنابراین سراسر جمله را می‌توان به عنوان همکنش تعبیر کرد: «... که همهٔ آفریدگان سپندمینو، همراه باشندگان در زیرزمین و روی زمین ذکر می‌کنند...»، «مقاصد کینه‌ورزان را همراه با خصومت دشمنان از ما بگیر»؛ اما موارد استثنایی نیز وجود دارد. در هر صورت، استفاده واقعی از این گونه حالت بایی، در لهجه‌های ایرانی کهن بر اثر مثالهای فراوان اوستایی و قیاسهای فارسی باستان به اثبات می‌رسد:

garmap adahyā mahyā ۹ raučabiš ۹ akatā āha

«از ماه گرم پدنه روز گذشت».

۹۹. حالت دری. گذشته از مفهوم کلی (AHMI NMĀNAI ahmi nmāne) «در

این خانه»، ABI - GĀMAI aiwi - gāme «(در زمستان)» معانی زیر ملحوظ است:

مفهوم بخشی وابسته به مفهوم اصلی:

yə zara vūštrəm marətačšu (MARTAIŠU) xšnāuš:

«از مردمی که (از میان مردمی که) زردشت را خشنود ساختند» (یسن ۴۶، ۱۳).

یک مفهوم دیگر عبارت است از کومودی (commodi)* است به معنای رساندن:

yō čišča ahmi nmāne (AHMI NMĀNAI). yō aiṛhe vīsi (AHYA VISI), yō ahmi zantvō (AHMI ZANTAU) yō aiṛhe daiṛhvō (AHYA DAHYAU) aēnaṛhā asti mašyō:

«مردی که دشمن این خاندان، این طایفه، این دهیو (اتحاد - طوایف) است» (یسن ۹، ۲۸).

۱۰۰. اختلاط صورتهای حالت. در بالا، بیان معانی مشابه را با صورتهای متفاوت حالت ذکر کردیم: اضافی، برای و دری به مفهوم کومودی، یک تشخیص نامعین کارکرد اضافی و ازی، و توسعه دادن کارکرد حالت بایی. در بسیاری از موارد، اینها عناصر نظام صرفی تکامل یابنده‌ای است که در آن، صورتهای حالت دارای معنی کامل خود و مستقیماً مربوط به محتوای بسامدی هستند و مربوط به نظام نحوی نیستند. بدین ترتیب، در موارد استفاده یکسان از حالات اضافی و ازی، نباید به اختلاط این حالات بلکه، برعکس، به تمایز کاربردهای بین این دو حالت توجه کنیم. این فرایند مطابق اختلاف صوری آنها است: اصل در صرف غیرماده‌ای یک صورت ویژه ازی و مغایر با حالت اضافی، که مثلاً در هندی یا حتی در گویشهای گاهان دیده نمی‌شود.

اما نمونه‌های دیگر حالات مختلط وجود دارد (گذشته از موارد مربوط به دوره‌ای که زبان اوستا دیگر زبان زنده‌ای نبوده) که حاکی از گرایش مخالفی است که در گویشهای ایرانی باستان نیز آغاز شده بود، یعنی گرایش به سوی فروپاشی نظام.

*. حالت دری که حالت اضافی و برای را برساند - م.

در تحت این عنوان، اختلاط حالات برایی، ازی و بایی در جمع پیش می آید:
 tam yazāi huyašta yasna (HUYAŠTĀ YASNĀ, (مفرد بایی ... zaoṽrābyō
 (ZAUORĀBYAS).

جمع برایی، ازی به جای بایی و برعکس:

haomō aēibiš (AIBIŠ, (جمع بایی yōi aurvantō hita taxšanti hita taxšanti
 arəṇāum, zāvaṇaojāšča baxšaiti haoma azizanāitibiš (ĀZIZANĀTIBIŠ, (بایی
 daṇaiti xšaeto puṽrim. (جمع

«هوم به کسانی موهبت بخشد که شتابان ارا به ها را در صحنه نبرد با نیرو و
 قدرت می رانند؛ هوم به زنانی که درد زایمان می کشند کودکان زیبا (نیک فرزندی)
 عطا می کند (یسن ۹، ۲۲؛ جمع بایی به جای جمع برایی).

مشخص ترین و متداولترین اختلاط از این نوع در هم شدن صورتهای فاعلی و
 رای، بویژه در جمع است. این اختلاط ممکن است تحت تأثیر صورتهای صرفی
 غیر ماده ای بدون درجه بندی ستاکی قرار گرفته باشد (بخش ۶۸) ولی نمونه هایی
 برای ستاکهای همه انواع می توان به دست داد: fravašayō yazamaide «ما پرستش
 می کنیم فروشی ها را» (جمع)، FRAVARTAYAS صورت جمع فاعلی است با
 صورت جمع رای FRAVARTIŠ؛

yaṇōi dim avazanaṇ... sūnō

«تا سگها او را بیابند» (وندیداد ۶، ۴۵)؛ در این جا، برعکس صورت رای
 SŪNAS به مفهوم جمع فاعلی به جای SPĀNAS معمول به کار می رود.

حروف اضافه

۱۰۱. حروف اضافه عبارت از کلماتی مستقل و با ارزش کم یا بیش از نوع قید
 هستند. بسیاری از آنها نیز به صورت پیشوندهای فعلی به کار می روند، و این دو
 مورد استعمال را همیشه نمی توان دقیقاً معین کرد:

asman ɐm avi frašusāni ʒam avi ni urvisyāni:

«به آسمانها بروم یا به زمین بازگردم؟» (یشت ۱۷، ۵۷). در این جا ASMANAM AVI, ZĀMAVI «به سوی زمین» را می توان تعبیر کرد، ولی از سوی دیگر، می توانیم AVI را به فعل نسبت دهیم: AVI FRA - ŠUSA «روی آوردن»؛ در مورد اسم، از سوی دیگر، معنی جهت (همان گونه که می دانیم)، تا اندازه ای به وسیله صورت حالت رایی بیان می شود. به طور کلی ترکیبات یک حرف اضافه محض با حالتی دارای ارزش کامل طبعاً متنوع هستند و هنوز ترکیبات کاملاً مشخصی نیستند که بر روی هم اثر بگذارند. گاهی یک حرف اضافه و صورت حالت فقط تکرار همان معنی است: a pāxtarāt hača naēmāt «از ناحیه شمالی» (وندیداد ۱۹، ۱). در این جا مفهوم آغازین جهت، هم در حرف اضافه HAČA، فارسی نو az «از» و در صورت ازی APĀXTARĀT NAIMĀT وجود دارد که ممکن است همان معنا را بدون حرف اضافه برساند:

upa dvasaiti apāxō^۱ raēibyō naēmaēibyō (APĀXTRAIBYAŠ NAIMAIBYAŠ).

«از بخشهای شمالی پرواز می کند» (وندیداد ۷، ۲). این صورت ممکن است معنی خود را با حرف اضافه دیگر حفظ کند که در مفهوم کلی ترکیب، جنبه ثانوی داشته باشد: harai^۲ paiti bar ɔza ɣhaṭ

«از (کوه) بلند هرا» (یشت ۱۰، ۵۱). در این جا مفهوم آغازین جهت، به وسیله صورت ازی HARATYĀT BARZAHAT بیان می شود و حرف اضافه PATI مفهوم فاصله ای مشخصی دارد. و در موارد دیگر، برعکس، معنی به وسیله یک حرف اضافه منتقل می شود، در صورتی که صورت حالت اهمیت ثانوی دارد: hača ušasta hɔ ndva «از شرق هندوستان» (Vs، ۱، ۱۸)؛ در این جا جهت آغازین به وسیله حرف اضافه HACA بیان می شود، و حالت بایی UŠASTARĀ HINDVĀ معنای خود را ندارد.

در این صورت، قاعده‌ای برای حالتی که تحت تأثیر حرف اضافه قرار می‌گیرند رعایت نمی‌شود در اینجا باید دید که PATI paiti MAZ با چه حالتی از یکی از متداولترین حروف اضافه ترکیب می‌شود.

رای: xšayata pāiti būmīm PATI BŪMĪM «بر روی زمین سلطنت می‌کرد» (یشت ۱۹، ۲۶)؛

اضافی: ZAMAŠ PATI AHYĀŠ paiti aiŋhā zama «بر روی این زمین» (یشت ۱۹، ۱)

ازی: haraiyāt paiti barəzaŋhaṭ HARAIT.YĀT PATI BARZAHAT «از هر ای بلند» (یشت ۱۰، ۵۱)؛

برایی: bawrōiš paiti daiŋhaove PATI DAHYAVAI «در سرزمین بابل» (یشت ۵، ۲۹)؛

بایی: paiti āya zama PATI ĀYĀ ZAMĀ «بر روی این زمین» (یشت ۱۹، ۲۱).

دری: vispāhu paiti barəzāhu VISPĀŠU PATI BARZAŠŠU «بر فراز همه ستیغها» (یشت ۱۰، ۴۵).

بدین ترتیب، حرف اضافه مزبور با همه حالات غیر فاعلی به کار می‌رود ولی غالباً با بعضی (رای‌ها) و به ندرت با حالات دیگر (برایی) استعمال می‌شود.

۱۰۲. در زیر متداولترین حروف اضافه آورده شده است:

api API «عقب، در» هندی باستان api، یونانی باستان $\epsilon\pi$.

abi ABI «جهت»، هندی باستان abhi.

anu, anu ANU «بر طبق»، هندی باستان onu.

antar ANU «داخل»، هندی باستان antar، فارسی نو andar، لاتینی

inter.

ava AVA «به سوی» هندی باستان ava.

ā حرف اضافه جهت، با ارزشهای متنوع، هندی باستان ā.
 upa UPA حرف اضافه فاصله‌ای، هندی باستان upa، یونانی باستان ὕπα.
 upairi UPARI «(روی)»، هندی باستان upari، فارسی نو bar، یونانی باستان
 ὑπέρ.

airi ADARI اک «(زیر)»، HAČA ADARĀ < فارسی نو zēr.
 paiti PATI، یونانی باستان πάιτι (نگاه کنید به بخش ۱۰۰).
 pairi PARI «(در اطراف، در پیرامون)»، هندی باستان pari، یونانی باستان
 περί.
 parō, parā PARAŠ, PARA «(پیش)»، هندی باستان puras، یونانی باستان
 ποδῶν κρη.

pasča PASČĀ «(پس)»، هندی باستان pačca، فارسی نو pas، لاتینی pos - t.
 mat HMAT «(با)»، هندی باستان smat.
 hača HAČA «(از)»، «(به بیرون از)»، فارسی نو az.
 ha HADA «(با)»، هندی باستان *sadhā > saha.

قید

۱۰۳. قیدها طبقه‌ای از کلمات هستند که پیوسته بر اثر صورتهای مشخص
 حالات در اسامی غنی شده‌اند و، برعکس، چون به شکل حروف اضافه در
 آمده‌اند، بخشی از اهمیت خود را از دست داده‌اند. بنابراین، تا اندازه‌ای حق داریم
 که حرف اضافه‌بالا را از یک سو، و صورتهای حالات انواع زیر را از سوی دیگر،
 منسوب به طبقه قیدها بدانیم.

رای (صفت) DARGAM dar ɣɔm, dar ɣɔm، فارسی باستان dargam،
 dirgham «(مدتها)»؛ (اسم) nāma NĀMA، فارسی باستان، هندی
 باستان nāma «(اسماً)».

ازی dūrāt DŪRĀT «از دور».

برای paoiryāi PARVYĀI «برای نخستین بار».

بایی PARĀČĀ (PARĀNK -) parāča «به دور»، nava NAVĀ «از سر».

دری asne ASNAI «نزدیک».

یک طبقه از قیدهای ضمیری با ستاکهای ضمیری و پسوندهای ویژه را می‌توان روشنتر تشخیص داد: ərə - «کجا؟» iṽra «این جا»، aṽra «این جا، آن جا»، avaṽra «آن جا»، kuṽra «کجا»، yaəra «کجا» (ربطی)، HMƏRA haṽra «همان جا» (هندی باستان tara, yatra, satra).

θĀ - «چگونه؟» iṽa «چنین»، aṽa «چنین، بدین طریق»، avaṽa «چنین»، kaṽa, kuṽa «چگونه»، yaṽa «چگونه» (ربطی)، hamaṽa «به همان طریق»، AIVAΘA aevaṽa «یکسان»، anyaṽa «غیر از این»، هندی باستان anyathā, evathā, yathā, kathā, athā, itthā.

DĀ - «چه وقت؟» aḱa ADĀ «سپس (اکنون)»، taḱa TADĀ «سپس»، kaḱa KADĀ «چه وقت؟»، yada YADĀ «هنگامی که» (ربطی) haḱa HMDĀ «همیشه»، هندی باستان sadā, yadā, kadā, tadā.

DA - (هند و ایرانی dha -) «کجا؟» iḱa IDA «اینجا»، AVADA aḱa «آنها» (جایی که)، HADA haḱa «با هم»، هندی باستان iha, kuha, saha.

۱۰۴. فعل هند و اروپایی دارای سه نظام زمانی بوده است: زمان حال و گذشته ساده و نقلی. اصطلاح زمان در اینجا به طور مرسوم به کار می‌رود. زمان حال عملی را بیان می‌کند که در زمان تکامل می‌یابد؛ گذشته ساده، عملی را نشان می‌دهد که وابسته به جریان زمان نیست؛ و نقلی عملی است که به وسیله نتیجه‌اش بیان می‌شود. صورتهای فعلی هر یک از آنها از ستاک نظام مربوط ناشی می‌گردند. از هر یک از این ستاکها، ستاکهای سه حالت اخباری و التزامی و تمنایی با کمک پسوندهای ثانوی (بدون پسوند در حالت اخباری) مشتق می‌شوند.

همه صورتهای فعلی شخصی از ستاک وجه به کمک پایانه‌های شخصی که مفاهیم زیر را می‌رسانند صرف می‌شوند:

(۱) زمان (تنها برای وجه اخباری). حال و استمرار از ستاکهای حال ساخته می‌شوند: زمان آینده یا به وسیله ستاکهای ویژه نظام حال یا صورتهای وجه التزامی (هم حال و هم گذشته ساده) ساخته می‌شود. تنها یک زمان گذشته وجود دارد: گذشته ساده از ستاکهای گذشته ساده ساخته می‌شود دو زمان از ستاکهای نقلی ساخته می‌شوند که عبارت‌اند از نقلی و ماضی بعید.

(۲) بعضی از صورتهای وجهی: امری و تاکید از ستاکهای اخباری ساخته می‌شوند.

(۳) دو صورت معلوم و میانی از همه ستاکها ساخته می‌شوند.

(۴) فعل در صرف دارای سه شخص و سه شمار است.

۱۰۵. همه زمانها و وجوه و حالات هند و اروپایی، در اوستا به چشم می‌خورد. اما نظام کلی صورتهای و زمانها را نمی‌توان بر اساس اوستا به تنهایی به حالت نخست بازگردانید. یک علت آن، نبودن دلیل کافی است، و دیگر این واقعیت است که در زمان تدوین بیشتر متون اوستایی، این نظام، تا حد زیادی تجزیه شده و فرق میان ستاکها از میان رفته بود، و می‌توان بعضی از صورتهای فعلی نادر را به احتمال زیاد بازمانده‌هایی دانست که در نظام فعلی جدید و ساده شده، کاربرد برتر را داشته است. مدارک اوستایی به اندازه کافی در دست نیست تا نتایج دقیقی از این بابت بگیریم، و نظام فعلی اوستا را با توجه به نظامی که مثلاً در هندی کاملتر نشان داده می‌شود ملاحظه خواهیم کرد و در صورت امکان خصوصیات نظام اوستا را خاطر نشان خواهیم ساخت.

پایانه‌های شخصی

۱۰۶. در صرف فعل، دو طبقه پایانه وجود دارد:

(۱) پایانه‌های معلوم، یعنی پایانه‌های حالت معلوم و پایانه‌های میانی (یعنی پایانه‌های حالت میانی)؛
 (۲) پایانه‌های اولی (که بیشتر برای ایجاد صورتهای زمان حال به کار می‌رود) و پایانه‌های ثانوی (که بیشتر برای صورتهای ماضی استعمال می‌شود).
 زمان نقلی دارای پایانه‌های ویژه‌ای است (هر چند همه صورتهای چنین نیست). گذشته از این، چندین پایانه ویژه برای صورتهای التزامی، تمنایی و امری وجود دارد که در بخشهای مربوط به خود مورد بحث قرار خواهد گرفت. فهرست پایانه‌های اولی و ثانوی اخباری به منظور راهنمای نخستین آورده شده است:

اولی		ثانوی	
معلوم	میانی	معلوم	میانی
مفرد ۱- $(\bar{A})M, \bar{A}$	$-(A)I$	$-(A)M$	$-I$
۲- $\bar{S}I$	$-SAI$	$-S$	$-SA$
۳- $\bar{T}I$	$-TAI$	$-T$	$-TA$
تنیه ۱- $-VAHI$	$-VADI$	$-VA$	
۲- $\Theta A\bar{S}$	$-(A)TAI$	$-TAM$	
۳- $TA\bar{S}$	$-(a)TAI$	$-T\bar{A}M$	$-IT\bar{A}M, \bar{A}T\bar{A}M$
	$-I\Theta AI, -\bar{I}TAI$		
جمع ۱- $-(A)MA\bar{S}I$	$-MADAI$	$-MA$	$-MADI$
۲- $-\Theta A$	$-DVAI$	$-TA$	$-DVAM$
۳- $-(A)NTI$	$-NTAI$	$-(A)N(T)$	$-NTA$
	$-RAI$		

(۱) پایانه اولی در اول شخص مفرد معلوم MI - برای ستاکهای غیرماده‌ای (یونانی باستان $\mu\mu\mu$) بوده است و $\bar{A}$ - برای ستاکهای ماده‌ای (هند و اروپایی)

($\bar{O}$) یونانی باستان $\psi\acute{\epsilon}\rho\omega$). چنین صورتهایی در اوستا بویژه در گاهان مثلاً در spasyā «می بینم» آشکار است. اما پایانه MI - دیگری بر روی پایانه $\bar{A}$ - در هند و ایرانی نهاده شد: barāmi، هندی باستان bharāmi.

پایانه میانی، همان پایانه را برای ستاکهای ماده‌ای و غیرماده‌ای به دست می‌دهد. yaze YAZAI «ستایش می‌کنم» و DADAI که dai «می‌دهم»، بنابراین، اگر چنین بتوان گفت به دو گونه دیده می‌شود.

(۲) پایانه‌هایی که با M، N (بدون واکه بعدی) آغاز می‌شوند و ضمن پیوستن به همخوان ستاک آغازین به این صورتهای در می‌آیند

DAD - NTAI dadate - AN، - AM - NN -، - MM - یا - A - - N -، - M -

«می‌دهند» S - NNTI h nti «هستند».

(۳) پایانه‌های دوم شخص و سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع، هند و اروپایی عمومی هستند (مقایسه شود با یونانی باستان $\epsilon\acute{\epsilon}\tau\epsilon\iota\mu$ و مانند آن).

(۴) پایانه‌های اول شخص و دوم شخص جمع، هند و ایرانی هستند (مقایسه شود با هندی باستان masi، - mahe، - ma، - mahi و - tha، - dhve، - ta، - dhvam).

(۵) پایانه‌های تثنیه در مقایسه با هندی و همچنین در خود زبان اوستایی متغیر است صورتهای دوم شخص و سوم شخص مخلوط هستند.

نظام حال

۱۰۷. ستاکهای حال به روشهای گوناگون به دست می‌آید، و چندین ستاک حال ممکن است از یک ریشه ناشی شده باشد. آنها چون دارای معانی دستوری مشترک هستند، با نشان دادن یک جنبه مخصوص عمل (تأکیدی و آغازی و مانند آنها) از یکدیگر متمایز می‌شوند. بعدها بعضی از آنها معانی دستوری انتزاعی‌تری (آینده، سببی و مجهول) به دست آوردند. بدین ترتیب، یک ستاک آغازی

SA - TAP - tafsāt «شروع به گرم شدن کرد» از ریشه TAP - به معنای «گرم» در حالی که ستاک دیگری یعنی TĀP - AYA - به مفهوم سببی است: tāpayeiti TĀPAYATI «گرم می‌کند». در حالات دیگر، ستاکهای مختلف از بعضی ریشه‌ها همچنان بر طبق معانی مجرد خود از یکدیگر دور شدند و از این رو شاید برای گوینده فقط به صورت افعال مختلف درآمدند. بدین ترتیب، ستاک ZVA - از ریشه ZAV به معنای «نامیدن» است: ZVAYATI zbayeiti «می‌نامد»، در صورتی که ستاک ZAVA - معنی مخصوصی می‌یابد «دشنام می‌دهد». (چنین اختلافاتی برای ستاکهای معین پیش فعلهای مشخص، ثابت است). بدین ترتیب، ستاک توام HIŠTA - SI - STĀ - از ریشه stə «ایستادن» بیشتر به مفهوم معمول به کار می‌رود: HIŠTATI hištaiti «می‌ایستد». از سوی دیگر، ستاک STĀ معمولاً در ترکیب با پیشوند فعلی FRA به مفهوم «بیرون آمدن»، «آغاز کردن»؛ fraxštāite FRA-STĀ-TAI «بیرون آمدن»؛ ستاک STAYA - مربوط به پیشوند فعلی PARI به مفهوم «بازداشتن»، «جلوگیری کردن» است: PARI-STAYATI pairištayeiti «(باز می‌دارد)». تنها یک ستاک زمان حال از بعضی ریشه‌ها وجود دارد، و حال آنکه صورتهای چندین ستاک بدون هیچ‌گونه تمایز ظاهری از دیگران از لحاظ معنا دیده نمی‌شود. در این مورد، می‌توان یا اختلافات گویشی را در داخل اوستا یا صورتهای دگرگونه را از ستاکهای مختلف در همان صورت صرفی فرض کرد که آن را بر اساس شواهد موجود نمی‌توان به اثبات رساند. گذشته از این، همیشه امکان اختلاف مفهوم که آن را نمی‌توان دریافت وجود دارد.

۱۰۸. از راه صرف کردن می‌توان دو نوع ستاک ماده‌ای و غیر ماده‌ای تشخیص داد. با روش تولید از ریشه‌ها، گونه‌های بسیاری به دست می‌آید که به همان سهولت اسمی قابل تشخیص نیستند. طبقات ستاکهای زمان حال از لحاظ نوع از بسیاری جهات شبیه الگوهای افعال سامی است، مثلاً رایخلت دوازده طبقه بارتولومه سی و دو طبقه تشخیص داده‌اند. در نظام هندی مشابه، دستورشناسان هندی ده طبقه

تشخیص داده‌اند. در این جا گونه‌های اساسی تولید ستاکهای زمان حال را بدون هیچ گونه ادعایی در مورد کامل بودن همه گونه‌ها برمی‌شماریم. برای آنکه این تصویر را روشن‌تر سازیم بر اساس دستور زبان عربی همه گونه‌ها و صورتها را از یک ریشه (غیرموجود) نشان می‌دهیم.

ستاکهای ماده‌ای

۱۰۹. ریشه + واکه ماده‌ای A

SUP - A (a) (مرحله صفر از کاهش ریشه‌ای): HRZAN - TI harəzənti،

فارسی نو hiland «ترک می‌کنند»؛ A - GUZA - I aguze «پنهان کرد»؛

SAP - A - (b)، SAUPA - A - (مرحله میانی): BAVA - TI bavaiti، فارسی

نو buvad «می‌شود»؛ BAUDA - TAI baokaitē «می‌بوید، بو می‌دهد».

SĀP - A - (c) (کاهش بلند): Ā - TĀP - TAI ātāpaite «گرم می‌کند».

۱۱۰. ریشه + SA، ایرانی - šva -، هند و اروپایی - ske/o -، کاهش: کاهش

میانی در مورد ریشه‌های ضعیف و کاهش صفری برای ریشه‌های قوی.

SUP - SA - SAP - SA -

TRSA - NTI tarəsənti «او گرم شد»؛ TAPSA - T Tafsāt

tarsand، فارسی نو tarsand، TRS - SA - NTI، یونانی باستان τάρσας،

«آنها می‌ترسند»؛ GM - SA - TI jasati «می‌آید».

مفهوم باستانی این ستاکها تا اندازه‌ای در اوستا و همچنین در حالت آغازی

حفظ شده است. گذشته از این، آنها قاعدتاً به صورت فعل لازم‌اند و در دوره ایرانی

میانه به صورت ستاکهای مجهول میانی بارتی ادامه یافت.

۱۱۱. ریشه + YA. کاهش نظیر نوع پیشین است.

SUP - YA - ، SAP - YA -

bairyeinte، «آنها می‌اندیشند»، MAN - YA - NTAI - manyente

VRZ - YA - TI vərəzēiti «آنها حمل می‌شوند»؛ BAR - YA - NTAI

«عمل می‌کند» (فارسی نو varzīdan از ستاک دیگر).

بیشتر ستاکهای این طبقه به صورت لازم‌اند؛ در نتیجه، بسیاری از آنها، به صورت مجهول در کنار سایر ستاکهای متعدی از همان ریشه، ریشه گرفته‌اند. مانند - BARYA در کنار - BARA و - BĀRAYA «حمل کردن». اما هیچ تعمیم از این دست، برخلاف سانسکریت به مفهوم مجهول پیش نیامده است.

۱۱۲. ریشه + AYA. دو نوع کاهش:

(a) - AYA - SĀP، - AYA - SAUP

raoçayeiti - TĀPAYA - TI tāpayeiti «گرم می‌کند»، فارسی نو tābad؛

RAUČAYA-TI «روشن می‌کند»؛

(b) - AYA - SAP، - AYA - SUP

apayeiti - GRBAYA - T gəurvagat «گرفت»، فارسی میانه giriftan؛

APAYA-TI «می‌رسد».

این گونه در اصل برای جنبه نام‌واژه به کار می‌رفته است و اختلاف میان کاهشها طبقات جزء در (a) و (b) شاید، به وسیله اختلافات در نواخت و کاهش اسامی آغازین توجیه شود. اما در هند و ایرانی، طبقه جزء (b) شروع به تشبیه شدن به طبقه جزء (a) کرده بود (مقایسه شود - cyavaya در ریگ‌ودا که در پدپتیه (padaptha) معمولاً منعکس‌کننده لهجه کهنتری است و همچنین - cyāvaya را در سمهته (samhita). از سوی دیگر ستاکهای با AYA در زبانهای ایرانی، بسیار بارور شدند، و بسیاری از ستاکهای طبقه جزء (b) صورتهای تازه‌ای هستند مربوط به دوره‌ای که درجه‌بندیهای کاهش به عنوان صورتهای زنده، دیگر وجود نداشته است.

این ستاکها بیشتر در معانی تاکیدی و انتقال بوده است. بنابراین، به مفهوم تاکیدی در کنار سایر ستاکهای متعدی از همان ریشه قرار گرفتند و به مفهوم سببی در کنار ستاکهای لازم باقی ماندند: - BARA «بردن»، - BĀRAYA تاکیدی BARA؛

TRSA - $\sqrt{TR}$ S «ترسیدن»، - TRĀṢAYA «ترسانیدن» (سببی).

برخلاف هندی، سببی‌های با - AYA - و مجهول‌های با - YA - در ایرانی به صورتی عمومی درنیامدند.

ستاکهای طبقه جزء (b) بهتر است که در تجزیه و تحلیل معانی نادیده گرفته شوند، زیرا بعضی از آنها که به صورتهای متأخرند ستاکهایی با معانی خنثی، شبیه ستاکهای ساده با یک واکه ریشه‌ای هستند.

۱۱۳. ریشه + ṢYA کاهش میانی.

- ṢYA - SAP - ، - ṢYA - SAUP -

ṢYA - VAK - «سخن خواهم گفت»؛ - ṢYA - NTI saōsyanti - SAU - «آنها سود خواهند رساند».

این معنی به مفهوم آینده است ولی باز هم، برخلاف سانسکریت کلی نیست: رویهم رفته، در حدود ده صورت به چشم می‌خورد.

۱۱۴. ریشه با میانوند + N واکه ماده‌ای، کاهش صفری.

- A - P - N - SU -

TI hinčaiti - A - Č - N - HI «می‌ریزد»، $\sqrt{HIK}$.

این صورت نادری است بدون معنی مشخص.

۱۱۵. ریشه مکرر + SA

- SA - S(A)P - ، - SA - SIP - ، - SA - SUP - SU - didarəšata

TA - ṢA - DAR - DI «تصمیم گرفت آغاز کند»؛ - irixšāite

TAI - A - ṢA - RI - RIK (حرف ربط) «اگر بخواهد خراب کند».

معنی آرزویی است.

ستاکهای غیر ماده‌ای

۱۱۶. ستاکهای ریشه‌ای

(- SP) : SAP - ، (- SĀP) : SUP - ، - SAUP :

، santi, asti هندی باستان «هست، هستند»، S - ANATI h ɛnti: AS - TI asti
 فارسی نو ast, and: VAS - MI vas ɔ mī «می خواهیم» US - MAHI us ɔ mahi: «می خواهیم»
 «می خواهیم» AY - TI aēiti «می رود» Y - ANTI yeinti «می روند».
 ۱۱۷. ریشه مکرر

SU - SAUP -: SU - SUP - ، (SI): SA - SAP -: SA - SP - ، (SI -)
 به SĪ - ŠKA - MADAI hiščamaide: «دنبال می کند» SĪ - ŠAK - TI hiš.haxti
 جای SĪ - ŠK - MADAI از راه قیاس با صورتهای مادهای؛ DA - DĀ - TI dadāiti
 «می دهد» DA - D - MAHI da mahi «می دهیم».
 ستاکهای غیر مادهای با پسوندها و میانندهای خیشومی.
 ۱۱۸. ریشه + NU: NAU کاهش ریشه ای صفری

SUP - NAU -: SUP - NU -
 k ɔ r ɔ nui: Kunad «می کند» فارسی نو KUR - NAU - TI k ɔ r ɔ naoiti
 DI - NU - KUR «بکن»؛ SRU - NAU - TI surunaoiti «می شنود»:
 SRU - NU - YA - S surunuyā «که بشنود».
 ۱۱۹. ریشه + NA: NA کاهش ریشه ای صفری

SUP - NĀ: SYP - N -
 Ā - FRĪ āfrīn ɛnti «خشنود می سازم» Ā - FRĪ - NĀ - MI āfrīnāmi
 «خشنود می سازند» - N - ANTI
 ۱۲۰. ریشه با میانوند NA: N کاهش ریشه ای صفری

SU - NA - P -: - N - P -
 ČI - N - S - TA čišta: «می آموزم، قول می دهم» ČI - NA - S - MI činahmi
 «قول داد».

صرف مادهای

۱۲۱. در زیر، الگوهای صرفی فعل در زمان حال و استمراری آورده شده

است. در بالا گفتیم که صرف تنها به وسیله دو گونه عمده از یکدیگر متمایز می‌شوند: ماده‌ای و غیرماده‌ای. در گونه ماده‌ای، ستاک در همه اشخاص ثابت می‌ماند. در صرف غیرماده‌ای، ستاک تنها در مفرد معلوم دارای یک کاهش قوی است ولی این قاعده غالباً رعایت نمی‌شود.

ستاکها: NI - VAIDAYA - «اَهدا کردن»، PRSA - «پرسیدن»، «مکالمه کردن»، MANYA - «آندیشیدن»، BARA - «بردن»، YAZA - «پرستیدن، قربانی کردن»، SANHA - «تلفظ کردن»، XSAYA - «حکومت کردن» - DIDRNGSA «چسبانیدن»، DAISAYA «نشان دادن»، HAČA «دنبال کردن»، US - ZAYA - «متولد شدن»، JIVA - «زیستن»، JASA - GM - SA - «آمدن»، BAVA - «شدن»، SYA - «دفاع کردن».

حال	معلوم	میانی
مفرد اول شخص	nivaē k ayemi SAPĀMI SAPĀ mainya	SAPAI yaze
دوم شخص	SAPAHĪ barahi	SAPAHAI p r sahe
سوم شخص	SAPATI baraiti	SAPATAI yazaitē
تنه اول شخص	SAPĀVAHI	
دوم شخص	SAPAΘAŠ	SAPAITAI
سوم شخص	SAPATAŠ	
جمع اول شخص	s r nghāmahi SAPĀMAHI	SAPAMADAI yazamaide
دوم شخص	SAPAΘA	SAPADVAI didra zo. duye
سوم شخص	SAPANTI	SAPANTAI hačinte
استمراری		
مفرد اول شخص	SAPAM fraba m	SAPAI ap r se

SAPAHA, SAPAS ₃ A us	SAPAS p ɔ r ɔ sō zaya ɔ ha	دوم شخص
SAPATA yazata	SAPAT barat SAPĀVA jvāva	سوم شخص تنیه اول شخص
SAPAITAM ap ɔ r ɔ saet ɔ m	SAPATAM	دوم شخص
SAPAITAI us.zayōi ɔ e	SAPATAM jasat ɔ m	سوم شخص
SAPĀMADI	SAPĀMA bavāma	جمع اول شخص
SAPADVAM syōdūm	SAPATA jasata	دوم شخص
PANTA yaz ɔ nta	SAPAN ba ɔ n	سوم شخص

۱۲۲. صرف غیر ماده‌ای

ستاکیها: - S₃ - AS₃ «بودن»، - MRU - MRV₃ «سخن گفتن»،
 STU - STAV₃ «پرستیدن»، - DAD - DADĀ₃ «دادن»، - GRZ₃ «نالیدن»،
 AUG - «سخن گفتن»، - US - VAS₃ «آرزو کردن»، - VRNAV₃
 «برگزیدن»، - MRNK₃ «نابود کردن»، - SRUNU - SRUNAV₃ «شنیدن»،
 ZAN - «تولد یافتن»، - MAN₃ «اندیشیدن»، - HUNU - HUNAV₃
 «فشردن»، - HAK₃ «دنبال کردن»، - VAR₃ «انتخاب کردن»،
 MANZDAD₃ «به یاد آوردن».

میان	معلوم	حال
SUPAI mruye, g ɔ r ɔ ze	SAUPMI ahmi, staomi	مفرد اول شخص
SUPSAI	SAUPSI ahi, da āhi	دوم شخص
SUPTAI daste, muite, aoxte	SAUPTI asti, da diti	سوم شخص

	SUPVAH usvahī	تثنیه اول شخص
SUPATAI 𐬰𐬀𐬭𐬀 nvaitē	SUPTAŠ stō, āmrutō	سوم شخص
SUPMADAI mrumaide,	mahi (Š-MAHI),	جمع اول شخص
	SUPMAHI	
dad 𐬀𐬭𐬀 maidē	da 𐬀𐬭𐬀 mahi	
SUPDVAI m 𐬰𐬀𐬭𐬀 ng 𐬀 dūye	SYPΘA stā	دوم شخص
SUPNTAI zānaite, aojāite	SUP(N)NTI h 𐬀 nti	سوم شخص
	surunvati	
		استمراری
SUPI aojī	mraom, da 𐬀𐬭𐬀 am	مفرد اول شخص
	SAUPAM	
SUPSA m 𐬰𐬀 nghā, -ao 𐬀 žā	SAUPS.Mraoš, dadā	دوم شخص
SUPTA hunūta, aoxta	SAUPT mraot, as, dadāt	سوم شخص
SUPMADI va 𐬰𐬀 maidī	haxma, 𐬀h mā	جمع اول شخص
	SUPMA	
SUPDVAM mazdazdūm	SUPTA mraota, dasta	دوم شخص
SUPNTA vartā	SUP(N)N(T) h 𐬀 n,	سوم شخص
	us 𐬀 n, dadat	

۱۲۳. بدین ترتیب، صورتهای زمان حال از صورتهای استمراری تنها به وسیله پایانه‌های شخصی متمایز می‌شوند: پایانه‌های نخستین در حالت اول و ثانوی در حالت دوم. زبان هند و اروپایی، گذشته از این، یک حرف اختیاری افزونه هند و ایرانی >-ē که پیش از ستاک اضافه می‌شود دارد تا زمان گذشته را نشان دهد. در سانسکریت باستانی، (مانند یونانی باستان) و تا آنجا که می‌دانیم در فارسی باستان، افزونه تعمیم داده شد؛ برعکس، در اوستایی تعداد زیادی از صورتهای چنین افزونه‌ای

نداشتند و بسیار نادر است که چنین اتفاق افتد: pairi apatat «در اطراف گردش کرد» (یشت ۱۹، ۸۲). افزونه را نمی‌توان از پیشوند فعلی ē تشخیص داد، زیرا علامت بلند همیشه در دستنوشته‌ها یکسان نیست.

نظام گذشته ساده

۱۲۴. ستاکهای گذشته ساده از حیث ظاهر با زمان حال فرق ندارد. اختلاف در این است که دو زمان حال و استمراری را می‌توان از ستاکهای زمان حال با افزودن دوردیف از پایانه‌ها جدا کرد. در صورتی که، ستاکهای گذشته ساده در اخباری تنها پایانه‌های ثانوی را می‌گیرند و فقط یک زمان یعنی گذشته ساده را به وجود می‌آورند. بدین ترتیب، هر ستاک‌ی که در اخباری تنها پایانه‌های ثانوی بگیرد یک ستاک گذشته ساده است. ظاهراً این معیار که برای مطالب اوستایی غیر کافی است، سبب تشخیص دقیق بدون مقایسه با سایر زبانها و به طور کلی با هندی می‌شود. از این رو ستاک گسترده زمان حال از ریشه KR به معنای «کردن» چنین است: KRNU -: KRNAU صورت corot که در گاهان از ستاک دیگر KAR(ČAR - T) آمده است گذشته ساده محسوب می‌شود زیرا، هیچ صورت اخباری با پایانه‌های نخستین از این ستاک وجود نداشته است. در هندی این نکته تأیید می‌شود، زیرا همان ستاک در ایرانی به کار می‌رود که ستاک زمان حال از همین ریشه گرفته می‌شود (ستاک دیگری در سانسکریت با ستانی تکامل یافت) در صورتی که ستاک Kar - گذشته ساده است. مع الوصف، این تشخیص همیشه ممکن نیست و معمولاً هر دو صورت در سازه‌شناسی با هم بررسی می‌شوند.

۱۲۵. اما یک طبقه ستاک از ستاکها وجود دارد که از دوره هند و اروپایی به عنوان یک جنبه مخصوص گذشته ساده تکامل یافت که آن را گذشته ساده «S» دار می‌نامند، یعنی طبقه‌ای از ستاکها که با عنصر پسوندی -S - به وجود می‌آیند: SUP - S -: SAUP - S -: MN - S -: MAN - S «اندیشیدن»،

aməhmaidi (اول شخص مفرد میانی) MAN - Š - I, MANHI mēnghi
 STĀ - Š - (اول شخص جمع میانی). A - MN - Š - MADI, AMAHMADI
 «برخاستن»: STA - Š - NT stāhat «آنها برخاستند، برمی خیزند».

۱۲۶. نظام گذشته ساده از لحاظ معنا هنوز صورت دیگری دارد که به طور
 مستقیم از ریشه به وجود آمده است (ولی گاهی از ستاکهای حال - گذشته ساده و
 معمولاً با یک کاهش بلند و منتهی به I - ساخته می شود). این صورت مفهوم
 سوم شخص مفرد مجهول را دارد: vāči «نامیده شد»، srāvi «شنیده شد»،
 RŊAVI «بخشیده شد»، ستاک - RNU از ȚR.

۱۲۷. در آغاز، گذشته ساده با استمراری از لحاظ معنا فرق داشت، اما این
 اختلاف همیشه در اوستا احساس نمی شود. در مثالهای زیر استفاده یکسان از
 گذشته ساده و استمراری را مقایسه کنید:

ka ahmāi ašišrəṇāvi (RNĀVI, گذشته ساده) Čit ahmāi jasat (JĀSAT,
 استمراری) āyaptəm

«کدام پاداش به او داده شد چه نیکبختی به او رسید»: (یسن ۹، ۳)؛

kərəsānīm... yō raosta (RAUD - S - TA, گذشته ساده) xsaϑrō. kāmya, yō
 davata (DAVA - TA, استمراری).

«کسانی... که از حرص برای سلطنت می نالید، که می گفت...» (یسن ۹،

۲۴).

به تدریج گذشته ساده اندک اندک با استمراری درآمیخت.

نظام گذشته نقلی

۱۲۸. از لحاظ قراردادی، گذشته نقلی، قبل از همه چیز، به وسیله پایانه های

ویژه در وجه معلوم حالت اخباری مشخص می شود.

parvā vispāis parj vaoxə ma (VA - VK - MA) daēvāišča xrafštāriš mašyāišča:

«ما انکار کرده‌ایم» (و هنوز در همین حال هستیم) همه دیوان و مردمان
زیانکار را (یسن ۳۴، ۵)؛

yō nōit pasčāēta hušxvafa (ŠU - ŠVAP - A):

«(که نهفته است)» (از آن زمان تاکنون)، (یسن ۵۷، ۱۷).

اما موارد اشتباه با استمراری وجود دارد:

yō ašāi ravō yaēša (YA - IŠ - A)... ravō vīvaēd a (VI - VAID - A) yō bāzušča
upastača vīšata (VISA - TA, استمراری):

«(که جایی را برای ارت جستجو می‌کرد... آن جای را یافت، [ارت] که به
منزله کمک و مورد اعتماد بود (یشت ۱۳، ۹۹).

۱۳۱. پایانه‌های ثانوی از ستاک گذشته نقلی، زمان ماضی بعید را می‌سازند.
از لحاظ معنا، این زمان عملی را نشان می‌دهد که نتیجه آن با توجه به زمان عملی که
به وسیله استمراری یا گذشته ساده بیان می‌شود آشکار است:

aurvantəm⁹wā ba⁹lō tatašat (TA - TAŠ - AT, ماضی بعید) ... aurvantəm⁹wā
ba⁹lō nida⁹at (NI - DAΘA - T, استمراری) haray⁹yō paiti barəzayā

«خدا تو را به شتاب آفریده بود... خدا تو را به شتاب بر فراز هرائیتی بلند قرار

داد» (یسن ۱۰، ۱۰).

اما در بسیاری از حالات استفاده ماضی بعید (که به طور کلی فراوان نیست)
معنایی متفاوت با استمراری و گذشته ساده ندارد؛ گذشته از این، صورت آن از
صورت‌هایی که از ستاک‌های ماضی نقلی حاصل می‌شود مجزا است، در بسیاری از
حالات یک واکه ماده‌ای می‌یابد: TATAŠ - AT که در بالا آمده، بعد ⁹ja⁹l mat
GA - GMAT «او آمد» و مانند آن. بنابراین، صورت‌های ماضی بعید را در
اوستایی می‌توان صورت‌هایی مهجور دانست که بخشی از آنها از بین رفته و بخشی
دیگر با کارکرد تازه‌ای حفظ می‌شود.

حالات

۱۳۲. فعل هند و اروپایی دارای دو حالت بود: معلوم و میانی. حالت معلوم حالتی را نشان می‌داد که مقصود از آن مفعول خارجی بود، یعنی حاکی از یک سلسله مفاهیم معلوم از انتقال و از آنچه که هندیان پاراس مایپادام *parasmaipadam* می‌نامند که به طور تحت‌اللفظی به معنی «کلمه‌ای برای دیگری است»، یعنی عملی که کاملاً از نهاد فراتر می‌رود. حالت میانی، حالت یا عملی را نشان می‌داد که مربوط به نهاد یا عملی درباره مفعول خارجی بوده ولی به وسیله نهاد «برای خودش» انجام پذیرفته است؛ اصطلاح دستورنویسان هندی اتمانپادام *atmanepadam* است: به معنی «کلمه‌ای برای خود».

صورت‌های حالت دارای ستاک‌های ویژه‌ای نیست ولی بر اثر پایانه‌ها متمایز می‌شود (بخش ۱۰۶).

۱۳۳. در اوستا، مانند وداها، می‌توانیم حالت معلوم را بیابیم: تضاد میانی به عنوان «معلوم، متعدی: مجهول، لازم»:

ašōiš... zā n ɔ r̥ṇavataēča (RNAV - ATAI - ČA)

«سعادت... که نصیب ما خواهد شد...» (یسن ۵۶، ۳؛ صورت میانی

RNAVATAI معنی لازم دارد)؛ و

us mē pita draonō fr̥r̥ṇaot (FRA - RNAU - T)

«پدرم سهمی به من داد...» (یسن ۱۱، ۴؛ صورت معلوم RNAUT معنی متعدی

دارد).

اما، پیش از این، در هند و ایرانی، این معانی از پایانه‌ها به ستاک‌های فعلی منتقل شده‌اند که تضاد آنها حاکی از تضاد معانی متعدی و لازم است (بخش‌های ۱۱۱ و ۱۱۲). آثار معنی پیشین در بعضی ستاک‌ها به عنوان تانتوم میانی

:(*media tantum*)



ĀH - «نشستن»، ANTAI āh nte «آنها نشسته‌اند»؛ MADA - «سرمست شدن»، TAI ma vaite «سرمست می‌شود».

اما، یک قانون کلی هم وجود ندارد. در طبقه تانتوم میانی، ستاکهای متعددی مانند VAR - «برگزیدن»، NTA varanta «آنها انتخاب می‌کنند» وجود دارد. برعکس، بعضی ستاکهای لازم را بایستی با تانتوم معلوم activa tantum طبقه‌بندی کرد، شامل حتی فعل - /AH-/S «بودن» که در همه زبانهای هند و اروپایی پایانه‌های معلوم می‌گیرد: stā, S - MAHI mahi, asti, AS - ŠI, ahi, ahmi, S - ΘA و مانند آنها.

در بعضی موارد دشوار است که در خارج از زمینه و مفهوم، اختلاف میان معانی حالات معلوم و میانی را تشخیص دهیم. در آن موارد، در صورت امکان، تضاد اساسی atmanepadam: parasmaipadam عملی برای دیگری: عملی برای خود که از سانسکریت و یونانی به خوبی شناخته شده است، پیش می‌آید. dim bandayeiti. BANDAYA - TI «او را می‌بندد»، (وندیداد ۵، ۸) و pusam bandayata (سوم شخص مفرد استمراری میانی) «تاجی برای خود بافت»، (یشت ۵، ۱۲۸). در جمله (DAΘ - AT) uva dāma... yasča da vat (سوم شخص مفرد استمراری معلوم).

Sp ɔ nto mainyūš yasča da vat (DAΘ - AT) a ɳrō mainyūš.

«هر دو آفرینش... آنچه که (در اینجا ضمیر موصولی با مفعول DĀMA مطابقت نمی‌کند بلکه با نهاد MAIANYUŠ مطابقت می‌کند) آفریده شده به وسیله سپندمینو و آنچه آفریده شده است به وسیله مینوی بد...» (یشت ۱۵، ۴۳) صورتهای معلوم به کار رفته، زیرا در این جا ابراز خارجی عمل از لحاظ معنا مهمتر است از پیوستگی با عامل. از سوی دیگر در جمله

mainyū dāman dai it ɳm (DAD - ĪTAM سوم شخص تشبیه استمراری میانی) yasča Sp ɔ ntō mainyūš yasča a ɳrō.

«دوروح آفریده بودند دو آفرینش را، یک روح مقدس و یک روح خبیث (یشت ۱۳، ۷۶) عمل در رابطه با عامل دقیقاً معلوم می‌شود: «دوروح آفریدند (هر یک برای خود) دو آفرینش را».

وجوه

حرف ربط

۱۳۴. ستاک ربطی از ستاک اخباری هر نظام - حال، گذشته ساده یا نقلی با افزودن پسوند - a - ساخته می‌شود (لا اقل از لحاظ ظاهری و بدون پرداختن به اصل صورت). بدین ترتیب پایان ستاک ربطی از ستاکهای غیرماده‌ای عبارت از - a - و از ستاکهای ماده‌ای - ā - است. هرگاه کاهش رایک ستاک غیرماده‌ای درجه‌بندی کند، در همه صورتهای صرف شده، کاهش قوی را می‌پذیرد، یعنی کاملاً به صورت یک ستاک ماده‌ای عادی با حرف آغازین - a - در می‌آید، بدون درجه‌بندی ستاکها در صرف. در ربط، هیچ اختلاف زمانی وجود ندارد: تنها یک صورت صرفی از ستاک آن ساخته می‌شود با افزودن پایانه‌های شخصی (اولی و ثانوی) بدون هیچ‌گونه اختلاف قابل ملاحظه‌ای در معنا.

در مورد اول شخص مفرد در حالت‌های معلوم و میانی، حرف ربط دارای پایانه‌های ویژه‌ای است: معلوم $\bar{A}$ - (در ستاکهای ماده‌ای، با پایانه‌ی زمان حال برخورد دارد)، $\bar{A}NI$ -؛ میانی $AI - \bar{A}NAI$ -.

۱۳۵. در زیر نمونه‌ای از صرف در حرف اضافه آمده است: تنها مفرد داده شده است، زیرا فقدان درجه‌بندی کاهش با مقایسه صورتهای معلوم و میانی در مفرد

روشن است، و ساختن صورتهای دیگر از صورتهای اخباری مشابه کاملاً همسان است.

ستاکیهای اخباری: XŠAYA - «سلطنت کردن»، - BARA «بردن» -
 DĀYA «دادن»، VI-JASA «بیرون آمدن»، - YAZA «قربانی کردن»، - PRSA
 «پرسیدن»، «سخن گفتن»، - MANYA «اندیشیدن»، - TANV: TANAV
 «کشیدن»، - KRNU: KRNAV «ساختن»، - Š: AŠ «بودن»، - DĀ
 «دادن»، - AUG «سخن گفتن»، - RNU: RNAV «بخشیدن»، - DARS
 «دیدن».

ستاکی غیر ماده‌ای

ستاکی ماده‌ای

SAUP-:SUP-	SAPA-	اخباری
SAUPĀ tanava	SAPĀ xšaya	اول شخص مفرد ربطی معلوم
SAUPĀNI kərənavāni	SAPĀNI barāni	
SAUPAŠ aṛhō	SAPĀŠ dāyā	دوم شخص مفرد ربطی معلوم
SAUPUHI dāhi?	SAPĀHI barāhi	
SAUPAT aṛhat	SAPĀT barāt	سوم شخص مفرد ربطی معلوم
SAUPATI aṛhaiti	SAPĀTI vījasāiti	
SAUPĀI aojāi	SAPĀI jasāi	اول شخص مفرد میانی
SAUPĀNAI kərənavane	SAPANĀI yazāne	
SAUPAHAI	SAPAHAI pərəsāhe	دوم شخص مفرد میانی
SAUPATAI kərənavataē-ča	SAPATAI pərəsaite	سوم شخص مفرد میانی
SAUPATA darəsatā	SAPĀTA mainyātā	

صورت ربطی از فعل گذشته (ساده و با S) و نقلی، دقیقاً به همان ترتیب تشکیل می‌شود و گذشته ساده در این مورد ممکن است پایانه‌های اولی نیز بگیرد čarat KAR - A - T «که آن کار را انجام دهد» (گذشته ساده ریشه‌ای)؛ varəšā, varəšaiti VARZ - S - A - TI, VARZ - Š - A varəšaiti «که من، که او آنرا انجام دهد»؛ (گذشته ساده S دار) VAVAČĀT vaočāt «اگر بگوید» (نقلی، برخلاف آن از صورت VAVAČĀT vaočāt، از ماضی بعید ماده‌ای).

ربطی دارای معانی زیر است:

(۱) در یک وضعیت اصلی، ربطی معنی متداول شک و امکان و آرزو و مانند آنها را می‌رساند:

ku ŋrā nə mōi ayeni (AYĀNI):

«به کجا بگریزم؟» (یسن ۴۶، ۱)؛

tē mē vāšəm ŋanĵayānte ΘANĴAYĀNTAI:

«بگذارید که ارا به مرا بکشد» (یشت ۱۹، ۴۴).

این معانی غالباً نزدیک به معنای زمان آینده می‌شود:

yavat isāi tavača avat xsāi YAVAT ISĀI (IS - اخباری) TAVAČA (TAV -

اخباری) AVAT XSĀI (XSA - اخباری):

«تا آنجا که بتوانم تعلیم خواهم داد و نیروی آن را خواهم داشت» (یسن ۲۸،

۴). از این جا صورت ربطی برای بیان زمان آینده به کار می‌رود:

kat ašava... vŋghat (VAN - Š - A - T، گذشته ساده ربطی) drəgvantəm

«مرد پرهیزگار پیر و دروغ را شکست خواهد داد» (یسن ۴۸، ۲)؛

tāŋwa pərəsa yā zī āiti (Ā - AI - TI، زمان حال اخباری) (jānghaitiča GAM - Š -

A - T، گذشته ساده ربطی):

«از تو درباره آنچه می‌آید و آنچه خواهد آمد می‌پرسم» (یسن ۳۱، ۱۴).

(۲) مورد استفاده ربطی در بندها بیشتر تحت تأثیر معنی خاص آنها قرار

می‌گیرد تا ضوابط رسمی. بدین ترتیب در بندهای شرطی، ربطی ممکن است در بند، یا پایه یا پیرو به کار نرود و این بسته به این است که عمل در یکی از معانی ربطی، نشان داده بشود یا نشان داده نشود:

kuṽa vərəzayan (میانی حال ربطی, VINDĀTAI, yezi isəmnō nōit vindāite mazdayasna: (حال ربطی معلوم, VRZYĀN,

«اگر کسی که می‌رود، نیابد، مزدیسنا چه باید بکند؟» (وندیداد ۱۳، ۳۵).

در این جا، ربطی در هر دو بند وجود دارد:

yezi mazdayasna tam zam kārayan (KĀRAYAN, yezi āpō hərəzayan (HRZAYAN, yaṭ ahmi spānāšča narasča para iriṽinti (RIΘYANTI, ربطی, (آخبری... nasuspaēm pasčaeta āstryānte (ĀSTRYĀNTAI, (میانی حال):

«هرگاه مزدیسنان زمین را شخم زده، اگر آب به زمینی آورده باشند که در آن اجساد سگان و آدمیان وجود داشته باشد، در مورد دفن اجساد گناهی مرتکب شده‌اند» (وندیداد ۶، ۳). در اینجا خبری را در بند پیرو و ربطی را در بند پایه داریم.

تمنّایی

۱۳۶. ستاکهای تمنّایی ممکن است از ستاکهای زمان حال و گذشته ساده و نقلی به دو طریق مشتق شود. ستاکهای ماده‌ای پسوند -I- می‌گیرند و ستاک تمنّایی که از آن ناشی می‌شود پایانی -AI- را دارد و فاقد درجه‌بندی در صرف است. ستاکهای خبری غیر ماده‌ای، پسوند درجه‌بندی کننده -I- -YĀ: را به صورت ضعیف می‌پیوندد.

با کمک پایانه‌های ثانوی تنها یک صورت صرفی ستاک تمنّایی، درست مانند ستاک ربطی، می‌تواند مشتق شود در مورد اول شخص مفرد میانی، تمنّایی دارای

پایانه ویژه - A - است.

۱۳۷. در زیر نمونه ای از صرف در تمنایی برای ستاکهای ماده ای و غیر ماده ای آورده شده است.

ستاکهای اخباری: -BARA «حمل کردن»، -HAXŠA «دنبال کردن»،
 -YAZA «پرستیدن»، -AS: Š «بودن» DADĀ: DAD «دادن»،
 -SRUNAV - SRUNU «شنیدن» TANU -: TANAV «کشیدن»، -MRU :
 -MRAV «سخن گفتن».

ستاک غیر ماده ای

ستاک ماده ای

SAUP -: SUP -

SUPYA -: SUPI -

dai ȝam, SUPYĀM hy ȝm

surunuyā, SUPYĀS hyā

SUPYĀT hyāt, dai ȝyāt

SUPAY pairi tanuya

SUPIŠA framrviša

SUPĪTA daiditā

SAPA -

SAPAI -

SAPAI(M)M

SAPAIŠ barōiš

SAPAIT barōit

SAPAYA haxšaya

SAPAIŠA yazaēša

SAPAITA yazaēta

اخباری

تمنایی

تمنایی معلوم

اول شخص مفرد

دوم شخص مفرد

سوم شخص مفرد

اول شخص مفرد میانی

دوم شخص مفرد میانی

سوم شخص مفرد میانی

از ستاکهای گذشته ساده «(s)» دار داریم: raēxšiša دوم شخص مفرد میانی،
 -ŠA - RAIXŠĪ، ستاک گذشته ساده، -RAIXŠ از ریشه RIK «ترک کردن». از
 ستاکهای نقلی داریم: aiwitūtuyā ABI - TUTUYĀŠ از ستاک نقلی -TUTU :
 -TUTAV از ریشه TV «توانستن».

۱۳۸. مفاهیم تمنایی:

(۱) در یک جمله مستقل، مفهوم معمولی آرزو و دستور غیرمستقیم و مانند
 آنها را داریم:

nō yasn ȝm: (معلوم حاضر تمنایی مفرد، SRUNUYĀŠ) surunuyā

«کاش دعای ما را بشنوی» (یسن ۶۸، ۹)؛

us tanum snayaeta (SNAYAI - TA, (سوم شخص مفرد میانی حال تمنایی)

«بگذار تن خود را بشنوی» (وندیداد ۵، ۵۴)؛

mā čiš paurvo bui yaēta (BUDYAITA, (سوم شخص مفرد میانی حال تمنایی)

nō,vispse paurva bui^{ke}yōimai

(اول شخص جمع میانی حال تمنایی, BUDYAMADAI)

«هیچکس پیش از ما بوی نبرد که ما همیشه از پیش بوی ببریم» (یسن ۹،

۲۱).

(۲) در جمله‌های مخلوط داریم:

(a) در هر دو بخش شرطی تحقق ناپذیر:

ye^{ke}i zī mā mašyāka yazdyanta (YAZAINNTA,

... fra šušuyam (ŠU - ŠUYĀM, (سوم شخص جمع میانی حال تمنایی)

... ava mam avi bawryyam (اول شخص مفرد ماضی بعید، معلوم تمنایی

BABRYĀM, همان) aojō:

«اگر مردم برایم قربانی آورده بودند... بیرون آمده، برای خود نیرو به دست

آورده بودم» (یشت ۸، ۲۴).

(b) در بندهایی که شرطی نیستند ولی دربرگیرنده یک شرط مربوط به زمان

گذشته هستند:

pančadasa fračaroī^e (FRA - ČARAIΘAI, (سوم شخص تنیه میانی استمراری)

pita pu⁹rasča rao^{ke}aēšva katarasčit yavata xšayōit (XŠAYAIT,

... yimō: (سوم شخص مفرد حال معلوم تمنایی)

«هم پدر و هم پسر تا زمانی که جم سلطنت کرد پانزده ساله به نظر می آمدند»

(یسن ۹، ۵).

تأکیدی

۱۳۹. صورتهایی از همه ستاکها، صورتهایی با پایانه‌های ثانوی - گذشته ساده، استمرار و ماضی بعید - در مفاهیمی به کار می‌رفته که نزدیک به ربطی بوده است و همیشه بدون افزونه به کار رفته و وجه ویژه‌ای یعنی تأکیدی را تشکیل داده است. دشواری تشخیص مفهوم ویژه آن که با حرف ربط و ندایی فرق دارد به وسیله مثال زیر که در آن صورتهای همه این وجوه به کار رفته است روشن می‌شود:

darə sama (DARSAMA, اول شخص جمع حال معلوم ربطی), ʔwā, pairi ʔwā ʔamyama ʔAMYAMA (حال معلوم تمنایی), ham əm ʔwā haxma (HAXMA, حال معلوم تأکیدی)

«که ترا ببینیم، بگذار در پیرامون تو راه برویم، بگذار به دنبال تو بیفتیم» (یسن ۶، ۱۲).

امری

۱۴۰. امری که مفاهیم دستور مستقیم و غیر مستقیم را با هم دارد در دوم شخص مفرد و سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع دارای صورتهای ویژه‌ای است.

ستاکهای اخباری - BARA «بردن»، - VRZYA «ورزیدن» - XRAUSA «خروشیدن»، - AI: I «رفتن»، - MRU: MRAY «سخن گفتن»، - AS: S «بودن» - DAD: DADĀ «دادن»، - KR: ČAR «ساختن» (گذشته ساده)، - DYĀ «بازداشتن»، - XŠĀ «سلطنت کردن».

ستاکهای ماده‌ای ستاکهای غیرماده‌ای

SAUP: SUP-	SAPA	اخباری	
		امری معلوم	
mrui ^۱ i, SUP-DI idī	SAPA bara	دوم شخص	مفرد
SUPTU astu dadātu	SAPATU baratu	سوم شخص	
SUPŃNTU həntu	SAPANTU barəntu	سوم شخص	جمع
SUPŠVA kə rə šva dasva, (DAD-SVA)	SAPAŠVA baraṇuha	میانی دوم شخص	مفرد
SUPTĀM dyātām	SAPATĀM vərə zyātām	سوم شخص	
SUPŃNTAM xšəntām	SAPANTĀM xraosəntām	سوم شخص	جمع

در مورد سایر شخصها، به انضمام دوم شخص جمع، صورتهای تأکیدی به کار می‌رود.

اختلاط صورتهای فعل

۱۴۱. متداولترین نقض نظام باستانی در انواع ستاکها ماده‌ای کردن ستاکهای غیرماده‌ای است، یعنی ایجاد صورتهایی از آنها بنابر الگوی صورتهای مشابهی از ستاکهایی با - a - و - aya - (طبقهٔ اخیر به ویژه در دورهٔ ایرانی متأخر بسیار مرسوم شد): kərənava «بکن» به جای صورت معمول kərənui^۱، مقایسه شود با فارسی باستان akunavayanta «آنها کردند»؛ ČAIΘ - AT cōi^۱at «او آموخت»، به جای ماده‌ای نزدیک به CAIΘA - TAI cōi^۱aitē (ربطی) «خواهد آموخت» با نوع غیرماده‌ای.

اختلاط صورتهای ماده‌ای و غیرماده‌ای در آغاز مربوط به صورتهای ربطی بود: ربطی غیرماده‌ای SAP - A - T از لحاظ صورت با استمراری ماده‌ای SAPA - T

فرقی ندارد. بنابراین، شاید برای اجتناب از اشتباه بوده است که صورتهایی با ā - بلند که به ویژه مکرر دیده می شود برای ربطی که از ستاکهای غیرماده ای بوده رجحان داشته است: STAVĀT stavāt «ستایش خواهد کرد»، stavan STAVĀN «ستایش خواهند کرد» با STAUMI staomi «ستایش می کنم»، staot STAUT «ستایش می کند» و مانند آنها. این امر از آن لحاظ طبیعی تر به نظر می آمد که صورتهای اول شخص در ربطی در هر دو صرف منطبق می شدند. از اینجاست که اخباری را از آن قیاس می کنند. اختلاط صورتهای شخصهای مختلف در تنبیه در بالا نشان داده شد (بخش ۱۰۴).

نقض درجات کاهش را در ستاکهای غیرماده ای در مواردی مثلاً در صورتهای تمنایی می توان دید: جمع باید ستاک ضعیفی از گونه SUPĪ داشته باشد که در صورتهای VRZĪMA vərəzimača، اول شخص جمع حال معلوم تمنایی باقی مانده است، از VRZ - VARZ «(ورزیدن)»، هم چنین در صورت NĀŠĪMA nāšima، اول شخص جمع گذشته ساده معلوم تمنایی از NĀŠ (NĀŠ - S) «(بردن)». اما صورتهایی با یک ستاک قوی وجود دارد مانند: HYĀMA hīyāma از S «(بودن)»، اگرچه صورتهای مشابه ودایی syāma و مانند آن نیز وجود دارد.

بدین ترتیب، گرایش کلی تکامل همان است که در نظام اسمی: گرایش به سوی وحدت درجه بندی به وسیله الگوی ماده ای و طرد درجه بندی کاهش به عنوان یک وسیله سازه ای؛ از بین رفتن صورتهای تنبیه.

پیش فعل ها

۱۴۲. بعضی از پیش فعل ها به عنوان حروف اضافه به کار می روند (بخش

۹۹).

چنین است: PARI, PATI, UPA, AVA, Ā, ANATAR, ANU, ABI, API:

API - KRNTATI aipi kərəntaiti «(قطع می کند)» AVI - KRNTATI avi... krntaiti

«از میان قطع می‌کند» UPA - KRNTAYAN upa. kərəntayən «(قطع کردن)»
PATI - AVA - KRȚYĀT paiti, ava, kərəyāt «(بگذارید قطع کند)».

آنها که منحصرأ به عنوان پیش فعلی‌ها به کار می‌روند: عبارتند از APA apa،
یونانی باستان $\alpha\pi\alpha$ «(از)» apakərəntaiti «(قطع می‌کند)»؛ uz، us US، هندی باستان
ud «(به سوی بالا)»، «(به دور)» us-jaṣaiti «(برمی‌خیزد)»؛ fra FRA، هندی باستان
pra «(به پیش)» fra-jaṣaiti «(بیرون می‌آید)»؛ JASĀN fra-jaṣan «(نزدیک خواهند شد)»؛
ni NI، هندی باستان ni «(به سوی پایین)» ni-jaṣan «(پایین آمد)»؛ vi VI، هندی
باستان vi «(دور باش)»، «(در جهات مختلف)» vi...jaṣati «(دور می‌شود)»؛
HAHM هندی باستان sam «(با هم)» hanjaṣante «(آنها گرد می‌آورند)».

پیش فعلی‌ها به سبب وضعیت خود در جمله، غالباً به سوی فعل گرایش
می‌یابند ولی ممکن است از آن نیز جدا شوند:

aṭča hyat tā həm (HAM) mainyū jaṣaetəm (JAṢAITAM):

«و در این جا هنگامی که آن دو مینو با هم گرد آمدند» (یسن ۳۰، ۴).

منفی

۱۴۳. منفی NA - IT nōit را می‌توان برای همه حالات غیر از امر به کار برد
(هیچ منفی دیگری در مورد اخباری نمی‌توان به کار برد).
اخباری:

(سوم شخص مفرد اخباری نقلی معلوم, ĀHA) nōit aotəm āḡha (NA - IT)
nōit (NA - IT) garəmə m noit (NA - IT) zaurva āḡha (AHA) nōit (NA - IT)
m əryus:

«نه سرما و نه گرما و نه پیری و نه مرگ بود» (یسن ۹، ۵).

nōit (NA - IT) astəm nōit (NA - IT) varsam... pairi. spāiti apam āstryānte (Ā -
STRYĀNTAI (سوم شخص جمع حال میانی):

«در مورد آب، با انداختن استخوان و مو در آن گناهی مرتکب نشوند»
(وندیداد ۶، ۲۹).
تمنایی:

nōit̥ (NA - IT) daibitīm duš. sastiš ahūm m̥rašyāt

(MRNSYAT) سوم شخص مفرد حال معلوم تمنایی)
«نگذارید آموزگار بدی، حیات دیگر را نابود کند» (یسن ۴۵، ۱).
تاکیدی:

nōit̥ (NA - IT) mana xša⁹re bvaṭ

aotō... (سوم شخص مفرد حال معلوم تاکیدی، BAVAT)
«سرما در شهریاری من نباشد...» (وندیداد ۲، ۵).

۱۴۴. نهی - mā MĀ, هندی باستان mā, یونانی μή, فارسی نو ma
منحصراً برای ربطی، تمنایی و نهی به صورت دلخواه به کار می‌رود.
امر:

mā (MĀ) avi asman̥m frašusa (FRA - ŠUSA

(دوم شخص مفرد حال امری معلوم)

mā (MĀ) avi zaṃ ni urvise (NI - RVISYA, همان):

«به آسمان مروه زمین باز مگرد» (یشت ۱۷، ۶۰).
ربطی:

māča (MĀ)... irišyāt (RIŠYAT, سوم شخص مفرد حال ربطی):

«(زبان نرساند)» (وندیداد ۷، ۳۸).

تمنایی:

mā (MĀ) vō jamyāt

akāt̥ ašyō: (سوم شخص مفرد گذشته ساده معلوم تمنایی، JAMYĀT)

«بگذارید بد از بدتر به تو برسد».

تاکیدی:

yim (دوم شخص مفرد تاکیدی حال معلوم. mā (MĀ) dīm pərəso (PRSAS. pərəsahi:

«از کسی که از تو می پرسد می پرس» (هاخت نسک ۲، ۱۷).

اسم فعل

۱۴۵. شمار بسیاری از اسمهای مختلف از ریشه هایی به دست می آیند که حاکی از عمل هستند و از ستاکهای فعلی ناشی می شوند. مهمترین آنها که وارد نظام فعلی به عنوان وجه وصفی و مصدر شده اند از قرار زیرند.

وجه وصفی

۱۴۶. وجه وصفی حال و وجه وصفی گذشته ساده.

(۱) وجه وصفی معلوم از ستاک حال یا از ستاک گذشته ساده با پسوند -NT - -ANT- به دست می آید (که با آن، واژه پایانی ستاک ترکیب می شود):

حال - SAPA - : SAUPA وجه وصفی حال معلوم - SUPAT
: SUPANT؛ حال - S - : AS وجه وصفی - HAT - : HANT «موجود»، مفرد
مذکر رایی hantəm، جمع اضافی hatəm.

حال - SAPA، وجه وصفی حال معلوم - SAPAT - : SAPANT؛ حال
- VANA وصفی - VANAT - : VANANT «در حال بردن»، مفرد اضافی
vanatō، جمع اضافی vanəntəm.

گذشته ساده - SAP - S، وجه وصفی گذشته ساده معلوم - ANT - : SAPSAT،
- NT - S - VAN - vaṇhant «پس از آن که بردند».

صرف این وجه وصفی در بخش ۵۵ آورده شده است. صورت جنس مؤنث با

افزودن پسوند -Ī - به ستاک ضعیف جنس مذکر - خشتی به دست می آید:
 SAPATĪ, HATĪM haitīm مفرد مؤنث رایی از - HAT «(موجود)»؛ هم چنین
 صورتهایی از ستاک قوی وجود دارد: VANANTĪM vanaintīm SAPANTI -
 رایی VANATYĀS vanaintyāšča, مفرد اضافی «(در حال بردن)» (صرف: بخش
 ۶۲).

(۲) وجه وصفی میانی، یک صورت ماده ای است با پسوند -MNA (اخباری
 - mana -) برای ستاکهای ماده ای در گذشته ساده* حاضر و - ANA -
 (اخباری - ana -) برای ستاکهای غیرماده ای.
 حال -SAPA, گذشته ساده میانی -SAPAMNA, حال -MANYA
 «(اندیشیدن)»، وجه وصفی -MANYAMNA, مفرد مذکر فاعلی mainimnō «(در
 حال اندیشیدن)»، مؤنث mainimna «(در حال اندیشیدن)».
 حال -SUP, گذشته ساده میانی -SUPĀNA, -MANH گذشته ساده
 «(S)» دار از همان فعل است. وجه وصفی مفرد مذکر فاعلی maṇhānō «(پس از
 اندیشیدن)».

۱۴۷. وجه وصفی معانی ویژه ستاک فعلی آغازین را حفظ می کند. بدین
 ترتیب، وجه وصفی از ستاکهای با -SYA - (بخش ۱۱۱) دارای معنی زمان آینده
 است:

bavantamča (وجه وصفی حاضر, HANTAM) vispam ašavanam hantamča
 (BU - SYA - NT - AM) bušyantamča (وجه وصفی حاضر, BAVANTAM):

«هر مرد نیکوکاری که هست و می شود و خواهد بود» (یسن ۲۱، ۴): معنی
 زمان آینده غالباً به وجه وصفی های گذشته ساده منتقل می شود (که بر اثر صورتهای
 ظاهر خود غالباً معنی زمان حال را نمی دهد):

*. aosist

yō apatat mōrəxšānō (MRK - Š - ĀNAŠ وجه وصفی گذشته ساده میانی،
gaēvā:

«کسی که آمده است تا خراب کند (تحت اللفظی دارد خراب می کند) طبیعت
را» (یشت ۱۹، ۴۱).

۱۴۸. وجه وصفی نقلی:

(۱) وجه وصفی معلوم از ستاک نقلی (صورت ضعیف) به وسیله پسوند
US - - VAS -، یعنی - US - SUSUP - VAS - مشتق
می شود.

نقلی VID - - VAID، وجه وصفی نقلی معلوم - VIDUŠ - - VIDVAS،
مفرد برای viduše، فاعلی مفرد vidvā.

نقلی DAD - - DADĀ، وجه وصفی نقلی معلوم - DADUŠ - - DADVAS
«آفریدگار»، «آن که آفریده است» مفرد اضافی daivušō، مفرد فاعلی daivā.
نقلی - UN - VA - - VAN - VA، وجه وصفی نقلی معلوم - VANUŠ -
VAUNVAS جمع اضافی vaonusam «آنهايي که پیروز شدند».

(۲) وجه وصفی میانی به همان طریق ساخته می شود که از ستاکهای
غیر ماده ای انوریست حاضر یعنی ANA - SUSUP - : مؤنث - ANĀ.

- MAMNĀNA «در حال به یاد آوردن» نقلی - MN - MA
۱۴۹. وجه وصفی مجهول نقلی عبارتی است که معمولاً در مورد صورتهای

اسمی با - TA - به کار می رود که به طور خاص، صفت های فعلی هستند که مستقیماً
از ریشه های مختلف به دست آمده اند، و مرحله میانی، یک کاهش ضعیف ریشه های
همخوان SP و مرحله صفر برای ریشه های واکه گون SVP هستند.

SUP - TA -، SAP - TA -

haxta، HAXTA -، HAK - TA - VHK

BASTA - BND - TA - $\sqrt{\text{BND}}$ (هندی باستان badha) «بسته».
 BR - TA - $\sqrt{\text{BR}}$ (هندی باستان bhrta) (تثنيه مذکر فاعلی)
 «آورده».

$\sqrt{\text{MN}}$ - TA - MN (هندی باستان mata) humatəm (مفرد
 خنثای فاعلی) «به خوبی اندیشیده شده»، «به نیکی اندیشیده شده».
 این وجوه وصفی در صورتی دارای معنی مجهول خواهند بود که از ریشه‌های
 عمدتاً متعدی ناشی شوند. هنگامی که ریشه دارای معنای لازم است، وجه وصفی
 دارای معنی معلوم (یا دقیقاً بگوئیم خنثی است):
 GM - TA - $\sqrt{\text{gatō}}$ «آن که بیرون آمده است» aiwitəm ، ABI - I - TA - M ،
 مذکر رای «آن که آمده بود».

این وجه وصفی به طور وسیع در ساختارهای گسترده متأخر با الفاظ زاید به
 کار رفته و برای صرف زمان ماضی در زبانهای ایرانی جدید جنبه بنیادی یافته
 است.

مصدر

۱۵۰. فعل اوستایی دارای هیچ صورت ویژه کلی مصدری نیست. صورتهای
 مختلف حالات غیر فاعلی کنش گر اسمی در معنا و کارکردهای مصدر دیده می شود.
 تشخیص صورتهایی از آنها که به شکل مصدر در آمده و وارد نظام فعلی شده اند
 دشوار است. نخستین ویژگی این تشخیص در میان ما متداول است: تنفیذ فعلی
 کافی نیست. در اوستایی، بسیاری از نامها که دارای منشأ فعلی هستند تنفیذ فعلی را
 حفظ می کنند:

... ažiṃ dahākəm (AZIM (تفضیلی, ABI - VAN - YĀS, yat bavāni aiwi.vanyā
 DAHĀKAM, رای):

«که بر ضحاک ازدها ظفر یابم (بر او فاتح شوم)». اسمی کنش‌گر در حالت رای، مفعول مستقیم می‌گیرد:

ma⁹ra⁹m (MANΘRAM, رای) vae⁹im (VAIDYAM, فاعلی معلوم)

«معنای کلمه مقدس» (یسن ۲۵، ۶): در این جا اسمی صرف شده عملی که انجام گرفته است مفعول مستقیم می‌گیرد.

بنابراین، تشخیص مصدرها کمابیش به صورت متداول باقی می‌ماند*. اما صورتهای زیر را می‌توان موثق‌تر دانست:

(۱) صورتهای برای اسمی‌های مختلف عمل و بویژه اسمی‌ها با -TI - SUPTAYAI, SAPTAYAI

(۲) یک صورت ویژه که به صورت برایی باز می‌گردد ولی صورتهای مشابه حالات دیگر را ندارد، و بنابراین، به مفهومی که از مصدر در نظر داریم بیش از همه نزدیکتر است: این صورت از ریشه‌های فعلی با آغازین DYĀI - jaidyāi: JN - DYĀI «(زدن)» VAID - DYĀI vōiždyāi «(دانستن)» است.

۱۵۱. نمونه‌هایی که روشنگر استفاده از مصادر است:

(۱) فعل وجه نما:

yezi va⁹an (VASAN, جمع استمراری معلوم) mazdayasna za⁹m raoi⁹ya⁹m (ZĀM RAUDYĀM, رای) hixtayaēča (HIX - TAI - AI -) karštayaēča (KARŠTAI - AI) parakantayaēča (PARAKAN - TAYAI - ČA):

«اگر مزدیسنان بخواهند زمین زراعتی را دوباره آبیاری کنند و بکارند و بکاوند» (وندیداد ۶، ۶)

(۲) مفعول با مصدر:

at⁹ tōi ātra⁹m (ATAR - AM, رای) us⁹ ma⁹hi (USMAHI, -) rapantē čivra. ava⁹ha⁹m (STĀI, مصدر) stōi... (جمع حاضر معلوم بایی)

*. See E. Benveniste, *Les infinitifs avestiques*, Paris, 1935.

AVAHAM, (رای،):

«و می خواهیم که آتش تو خوشایند پرهیزگاران باشد» (یسن ۳۴، ۴).

(۳) معنی امر (بدون توجه به شخص):

hōi hudamam (HU - DAMAM, رای،) dyāi (DYĀI, مصدر) vaxraha :
 «بگذارید لذت گفتار را به او بدهیم» (یسن ۲۹، ۸).

اطلاعات مختصری در باره جمله

۱۵۲. همان گونه که در مورد زبانی با صرفهای بیشمار پیش می آید، نظم کلمات در جمله به اندازه کافی آزاد است و ارتباط میان کلمات تنها به وسیله ویژگیهای سازه ای مشخص می شود:

yeŋhe hātām āat yesne paiti varhō mazdā ahurō vaēka ašat hača yāṇhamča
 tāšča tašča yazamaide:

«و در این جا هم آنهایی (YAZAMADAI) را می ستاییم (مردان، TANS - ČA - و هم آنهایی (همسران، TĀS - ČA) را از میان آنها که وجود دارند (HATĀM) که نوع آنها (بهترین، VAHYAH) که درباره آنها (مرد، YAHYA) و آنها (همسران، YĀŠĀM - ČA) در (PATI) دعایی (YASNAI) اهورامزدا (AHURAS MAZDĀS) آموخت (VAIDA) از (HAČA) ارتا (RĤĀT) (دعای مکرری است در پشتها).

۱۵۳. اجزای متجانس جمله را می توان چنین به هم پیوست:

(۱) حروف ربط وازه بند ČA - «و»، VĀ - «یا»:

pita puṛasča PITA PUORAS - ČA

((پدر و پسر))؛

yō gaṇwam... ĵainti vā (VĀ) vayeiti vā (VĀ) xraosyeiti vā (VĀ)...

«که زنی هرزه... خواهد زد، خواهد راند، یا خواهد ترساند (وندیداد ۱۵،

:(۵)

(۲) حرف ربط uta (UTA) «و»، فارسی میانه U، فارسی نو U:

uta (UTA) nmānəm uta (UTA) vīsəm uta (UTA) zantūm

«و خانواده و خویشاوند و طایفه».

۱۵۴. در مورد جمله مرکب، همان حروف ربطی همپایه به کار می‌روند که در مورد اجزای متجانس، و واژه‌بندها به کلمه اول جمله می‌پیوندند:

snaoṯ vafra snaēžat... ʾrižatča (- ČA) iṯa gəus apaṯasat:

«برف از ابر فرو می‌ریزد (تحت اللفظی «ابری برف خواهد بارید») ... و (تنها) یک سوّم رمه زنده خواهد ماند» (وندیداد ۲، ۲۳-۲۲).

حروف ربطی تبعی بیشتر صورتهای ضمیر ربطی - YA و قیدهای ضمیری مشتق از همان ستاک هستند:

ušta buyāt ahmāi naire, yasə (YAS, مفرد مذکر فاعلی) ʾwā... frayazāite.

«کسی که ترا ستایش می‌کند (همه چیز) بنا به میل او باشد» (یشت ۱۰، ۹):

Janat aṯim srvarəm... yim (YAM, مفرد مذکر رایی) upairi viš raoṯat.

«(او) ازدهای شاخدار را کشت... که رویش زهر جاری بود» (یسن ۹،

۱۱).

دو صورت ضمیر YAT, yā YĀ به عنوان ربطی‌های چندمعنایی به کار

می‌روند:

tat mazdā tava xša ʾrəm, yā (YĀ) dahi drigaove vahyō

«در آن است مزدا، قدرت تو که بهترین را به مستمندان می‌دهی» (یسن ۳۲،

۴):

nōit pasçaeta hušṯafa, yat (YAT) mainyū daman dai ʾrəm :

«نخفتند پس از آنکه دو مینو آفریدگان را آفریدند» (یسن ۵۷، ۱۷):

tat ahmāi jasat āyaptəm, yat (YAT) hē pu ʾro us.zayata

«که سعادت نصیب کسی شد که پسر برای او زاده شد» (یسن ۹، ۴)؛

yada, YADA «هنگامی که»:

yadā (YADĀ) aešam kaēnā Jamaiti

«هنگامی که کفر آنها فرا برسد...» (یسن ۳۰، ۸).

YAVATĀ, YAVAT «مادام که، ضمن آنکه»:

pančadasa fračaroi^{۱۵}e pita pu^{۱۶}rasča rao^{۱۷}aešva katarascit, yavata (YAVATA)

xšayōit... yimō:

«هم پدر و هم پسر پانزده ساله به نظر می آمدند مادام که جم شهریاری می کرد»
(یسن ۹، ۵).

YAΘA «همان گونه»، «که» و مانند آنها:

a^{۱۸}ā nā a^{۱۹}hat ya^{۲۰}ā (YAΘĀ) hvō vasat:

«بگذارید همان گونه که می خواهد باشیم» (یسن ۲۹، ۴)؛

dazdi me... ta^{۲۱}āyaptam... ya^{۲۲}ā (YAΘĀ) azam nōit tarštō frā.nmāne

«آن سعادت را به من ارزانی دار که نهر اسم و گریزان نشوم» (یشت ۹، ۴).

yezi, yei^{۲۳}i yezi, yadā, YAZI, YADI, YADĀ «اگر»:

yezi (YAZI) dim nōit yaožda^{۲۴}nte, āat hvam tanūm pairi yaoždai^{۲۵}ita:

«اگر او را مجبور به تطهیر نکنند، بگذارید خودش این تطهیر را انجام دهد»
(وندیداد ۸، ۱۰۳).

ضمیمه

نمونه‌های متون

۱- گویش اوستای متأخر: یسن II، ۲-۱ (خلاصه‌ای از هوم یشت یکی از مشهورترین بخشهای یسنا).

این المثنی، از روی دستنویس پهلوی یسنا (یعنی متن یسنا با ترجمه فارسی میانه و تفسیرها)، K-5 کتابخانه دانشگاه کپنهاک نوشته شده است. این دستنویس را راسک در طی اقامت خود در هندوستان به دست آورد و آن را به کپنهاک برد. در ۱۳۲۳ نویسنده‌ای به نام مهربان کیخسرو این دستنویس‌های را که یکی از بهترین دستنویس اوستایی شناخته شده است استنساخ کرد ورق ۷۸.

حرف‌نویسی

𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀¹ ašavanō afriṇačamhō zavanai² (3 'šk'rk 'hruḇw
 MNW PWN 'frynw gwōšnyh rpynd 3 HYTW y rušak 'YK afrynw 'BYD-
 WNyh) gaošča³ aspasča haomasča (TWRH W 'sp W hum) gāuš zaota-
 ram zavaite⁴ (TWRH zwtrpyt MNW ŠM YHSNWNšm) uta buyā afrazan-
 aiš⁵ uta ašuš⁶ sruvā⁷ hačimnō⁸ ('YK 'ytum YHWWNyh 'frend p-š
 'ytumw dwerubryh LWITH YHWWN't) yō nam x'āstagn nōišt baxšahē⁹
 (MNW L r'd L' HRKWNy' 'rč'nyg'nw) āat mqn tūm fšaonyehē¹⁰ nāi-
 ryā¹¹ vā pušrahe vā huγā¹² vā maršuyā¹³ ('ydan LK L r'd fšny'nyh
 YK-m LHWR YHSNWNy' n'rk'nw pwer'nw ZK y NPŠH mawšw r'd)

* متن فارسی میانه که آن را در پراتنز آورده‌ایم برای آن صفحه داده شده است
 که المثنای آن را چاپ کرده‌ایم. تنها متن اوستایی مضافاً حرف‌نویسی شده است.

aspō bāšōram zavaite (SWSY' 'wō WLH bur't'r SGYTWNy't) mā buyā
 aurvatagn¹⁴ yuxta mā aurvatagn aiuišasta mā aurvatagn. nišaxta yō
 mqn zāvare nōišt jaišyehi¹⁵ pōurumaišē¹⁶ hanjamaišē¹⁷ pōurni.nā-
 rayā¹⁸ karšyā¹⁹.

گونه‌های دیگر دست‌نویس

1. hašim 2. zavaite, zavaite, zavayamti 3. gāušča, gāšča 4. za-
 vaite 5. afrazaintiš, afrazainti 6. ašuš 7. sruvā 8. hačimnō, hačimnō
 9. baxšahi 10. fšaonyehē, fšaonyehē 11. nāiryā 12. huγā, hōyā,
 haoyā, huγā 13. mšuyā 14. aurvatagn 15. jaišyehē 16. pouumaišē,
 paōurni.maišē, paurni.maišē, paouurni.maišē 17. hanjamaišē, hanjamaišē
 18. poum-, paurn-, paōurn-; -naryā, -naryā, -nairyā 19. karšyā, ko-
 rašyā, karšyā, karašyā, karayā

آوانویسی در مصرعهای هشت و هفت

سیلابی شعرها

ӨRĀYAH HAӨYAM R̥TAVANAH
 ĀFRĪV ĀČAHAH ZAVANTI
 GĀUŠ-CA ASPAS-ČA HAUMAS-ČA
 GĀUŠ ZAUTARAM ZAVATI
 UTA BUYĀH AFRAZANTIŠ
 UTA DAUŠ-SRAVĀH HAČAMNAH
 YAH MĀN HVĀSTAM NT-IT BAXŠAHAI
 ĀT MĀM TUVAM FŠAUNAYAHAI
 NARYĀH VĀ PUORAHYA VĀ
 HUVAYĀH VĀ MARŠUYĀH
 ASPAH BARTĀRAM ZAVATI
 MĀ BUYĀH ARVATĀM YUXTĀ
 MĀ ARVATĀM ABIŠASTĀ
 MĀ ARVATĀM NIOXTĀ
 YAH MĀM ZĀVARNA-IT ĴADYAHİ
 PARUMATI HANĴ AMANAI
 PARU-NARAYĀH KARŠUYĀH

ترجمه

سه موجود واقعاً نیکوکار درخواست می‌کنند و نفرین بر زبان می‌آورند: گاونر
 و اسب و هوم. گاونر موید را نفرین می‌کند: «می‌خواهم که دارای فرزند نشوی،
 قرین رسوایی شوی، تو که به من نمی‌رسی، غذای مطبوع پختی، ولی به زن و فرزند
 و خودت غذا می‌دهی» اسب، راکب را چنین نفرین می‌کند: «می‌خواهم که بر

(اسب) چابک زین نگذاری، بر (اسب) چابک سوار نشوی، بر (اسب) چابک فرمان ندهی، تو که از من نمی خواهی تا در برابر جمع بیشمار یک کشور پر جمعیت نیروی خود را نشان دهم.»

تفسیرها

TRĀYAS, ΘRĀYAN, «سه» (بخش ۸۳) جمع مذکر فاعلی.
HAΘYAM, هندی باستان satyam «واقعی» قید، صفت رایبی (بخش ۱۰۱)؛
ترجمه فارسی میانه āškarak «آشکارا».

R.TA - VAN - AŞ, RTA - فارسی باستان - arta, هندی باستان - rta (از لحاظ ریشه شناسی چنین است در صورتی که ترجمه معمولی - dharma است) «عدالت»، «نظم الهی»، «نماد عنصر مهربانی در جهان»؛ پسوند - UN - VAN - (بخش ۴۵)، «نیکوکار»، «پرهیزگار».
AŞ - VACĀŞ - FRĪ - Ā - FRI, هندی باستان pri.

«خشنود شدن، خشنود ساختن»، Ā - FRĪ «(خوب یا بد) آرزو»، یعنی «برکت» و «لعنت» (فارسی نو āfrīn → Ā - FRĪ - NA یا Ā - FRĪ - VANA)؛
bahuvrihi (بخش ۴۸)، جمع فاعلی (بخش ۵۷) (- AŞ - VACĀX خنثی «گفتار»، VK (بخش ۴۴) b، لاتینی vox).

ZAV - A - NTI, ZV, حال - ZAVA, سوم شخص جمع (بخش ۱۱۹).
GĀU - Š «گاونر»، هندی باستان gaus, یونانی باستان γαῦς، لاتینی bos، اسلاوی - ґоу арمني kov، فارسی نو gāv. این واژه در هند و ایرانی و یونانی نشانگر یک گونه خاص است:

مفرد فاعلی GĀUS, gāuš, اضافی g, gāuš, هندی باستان مفرد فاعلی gaus, اضافی (gaus) gos, یونانی باستان γαῦς, γαῦς.
ČA - یک حرف ربط واژه بند جمله بند است (بخش ۱۵۱).

- § - ASPA «توسن»، مفرد فاعلی (بخشهای ۳۲، ۳۴، ۵۰).
- § - HAUMA، هندی باستان - $\sqrt{Hu sama}$ «(فشردن)»؛ hauma «نام گیاهی که مقدس به شمار می آمد و عصا را آن برای رسیدن به جذبه مذهبی نوشیده می شد. آریائیهای باستانی به هوم شخصیت می بخشیدند و آن را می پرستیدند.
- TAR + $\sqrt{ZAV}$ ، ZAUTAR - پسوند اسمی های کنشگر، هندی باستان hotar- «کسی که خواند»، «موبد» (بخش ۴۵)، مفرد رای (بخش ۵۶).
- ZAVATI: سوم شخص مفرد حال معلوم.
- UTA: حرف ربط (بخش ۱۵۲).
- § BUṶ, BUYĀṢ، هندی باستان - bhū، لاتینی fu - it «بودن»، «شدن»، ریشه گذشته ساده (بخش ۱۱۶) (حال - BAVA، بخش ۱۲۲)، دوم شخص مفرد تمنایی گذشته ساده غیر ماده ای (بخش ۱۳۷).
- § - A - FR - ZAN - TI - $\sqrt{ZN}$ هندی و اروپایی gn* (بخش ۳۲)؛ FRA - ZAN - TI «پسر»، «دختر»، فارسی نو frazand؛ A - (N) هند و اروپایی پیشوند نفی؛ bahuṽrihi «محروم از نسل»، مفرد مذکر فاعلی (بخش ۶۰).
- DAUŠ - SRAVAH، $\sqrt{SRU}$ یونانی باستان، $\kappa\lambda\nu$ لاتینی clueo (بخش ۳۲)؛ SRAVAH خنثی (بخش ۴۴) «واژه»، «شهرت»؛ - DUŠ، هندی باستان - dus، یونانی باستان - $\delta\upsilon\varsigma$ پسوندی است حاکی از بدی، تنفر، مقابل ایرانی - HU هندی باستان - SU، یونانی باستان - $\delta\epsilon\upsilon$ DAUŠ کاهش میانی در ترکیبها روی می دهد؛ - DAUŠ - SRAVAH «(رسوایی)»، جمع خنثای رای (بخش ۵۴).
- § - HAČ - A - MNA - $\sqrt{HK}$ ، هندی باستان sacate، لاتینی sequitur «دنبال می کند»؛ حال - HAČA (بخش ۱۰۹)؛ وجه وصفی میانی (بخش ۱۴۶) «در حال همراهی»؛ مفرد مذکر فاعلی، حالت رای DAUS - SRAVAH را به وجود می آورد.
- YAŠ، مفرد مذکر فاعلی ضمیر موصولی (بخش ۷۶).

mām «مرا» (بخش ۸۰).

HVĀSTAM، هندی باستان - svāta «ادویه دار»، «خوب پخته»؛ در اوستا مسلماً به این معنا در ترکیب با - gav استعمال می شود:

gamča x^h āstəm anāpəm, yaomča aš^həm anāpəm, ma^huča anāpəm:

«گوشت گاو که با ادویه هایی بدون آب پخته شده و جو کوبیده شده بدون آب و شراب بدون آب» (وندیداد ۵، ۵۲)؛ ترجمه فارسی میانه puxtak «پخته» اما در متن ما ĀM - یک صورت مؤنث است به جای AM - که یک صورت مذکر است و ترجمه فارسی میانه xāstak «خواسته»، «ثروت»؛ ترجمه سانسکریت که در سده سیزدهم از فارسی میانه به عمل آمده کلمه Lakṣmis را به دست می دهد که به معنی «خوشبختی»، «ثروت» است اما بیشتر محتمل است که این خود اشتباهی از سوی مفسر پهلوی باشد.

NA - IT یک نفی است (بخش ۱۴۳).

BAGĀ - BAXŠAHI، BG، خنشی «سهم»، هندی باستان bhaga: مذکر «خدا»، «دهنده». ریشه آن گسترده S - است (بخش ۳۸)، ستاک حال (بخش ۱۰۷) «عطا کردن»، «هدیه کردن»، فارسی نو baxšīdan؛ دوم شخص مفرد میانی (بخش ۱۲۱).

ĀT حرف ربطی است که جمله جدیدی را آغاز می کند: «و»، «سپس»، «اینجا» و «آنجا».

TUVAM «تو» (بخش ۸۰).

FŠAUNAYAHAI، PSV^h «رَمه»، هندی باستان paçu، لاتینی pecus (-) (pekū)؛ با کاهش صفر - FŠU - YA «گله داری کردن»، با کاهش میانی - NI - FŠAU «فربه». از اینجا ستاک اسمی حال - FŠAUNAYA «تغذیه کردن»، «فربه کردن»؛ دوم شخص مفرد حال میانی.

NAR - NĀRYĀŠ «مرد»، هندی باستان - nara, nar؛ NĀRĪ، هندی

باستان nārī «زن» (بخش ۴۶، کاهش در کلمات مشتق شده تقویت می شود): مفرد اضافی (بخش ۶۲).

vā «یا» (بخش ۱۵۳).

puṭra - «فرزند»، هندی باستان - putra (بخش ۳۶): مفرد اضافی (بخش ۵۰).

hava - «وابسته به کنشگر» (بخش ۸۱؛ مفرد مؤنث اضافی) (بخش ۵۱، ۷۱).

maršū - maršuyās - یا maršvī «زهدان» یا «کام»: مفرد اضافی بخش (۶۱ یا ۶۲).

bartār - am, √br, barāmi, هندی باستان bharāmi, یونانی باستان φάρμα, «حمل می کنم». اسمی یک کنشگر با - TR. mā یک نهی است (بخش ۱۴۲).

arvat - ām, √r «حرکت کردن» (در ستاک: نگاه کنید: بخش ۱۱۰)، هندی باستان - rccha فارسی باستان - rasa فارسی نو rasīdan «رسیدن»: - vat - ar - vat - با پسوند - vat - - vāt - (بخش ۴۵) «تندرو (توسن)»، جمع اضافی (بخش ۵۵).

yug - ta, yungo لاتینی «می پیوندم»، هندی باستان yuñajmi؛ مقایسه شود با یونانی باستان Ζυγόν, Jugum اوستایی yuyati «دهنه می زند». اسمی یک کنشگر با - TR. یک ساختار تفسیری.

abi - sad - tr - این صورتی است شبیه به بالا، از √sad, لاتینی sedeo, هندی باستان sīdati, فارسی نو ni - šas - tan «نشستن» با پیشوند فعلی abi (بخشهای ۳۳، ۳۴).

ni - ŋg - tr - عیناً از √ŋg, ستاک حال - anjaya «کشیدن»، «مسلط بودن بر اسب» با پیشوند فعل - ni.

- ZĀVAR خنتی «زور»، مفرد رای (بخش ۵۶)، فارسی نو *zōr*.
 - JĀDYA ستاک زمان حال است از $\sqrt{GD}$ «پرسیدن»، دوم شخص مفرد حال معلوم (بخش ۱۰۹).

- PARU، هندی باستان - *puru* «بیشمار»، فارسی نو *pur*، با پسوند
 - MAT : - MANT (بخش ۴۵) «دربرگیرنده بسیار»، «انبوه»؛ دری مفرد (بخش ۵۵).

- HAM - JĀM - ANA - $\sqrt{GM}(\partial)$ ، هندی باستان - *gaccha*،
 حال: بخش ۱۰۸، *ā - gma - ta*؛ وجه وصفی (بخش ۱۴۹)، فارسی نو «آمد». یک
 اسم فعل با پیشوند فعلی HAM (بخش ۱۴۲) و پسوند - ANA - «گرد آمدن»،
 «انجمن».

- PARU - NAR - *bahuvrihi* «بسیاری» + «آدم»، یعنی «بیشمار» مؤنث با
 - I -، حالت اضافی.

KARŠVI (احتمالاً)، $\sqrt{KRŠ}$ «شیار زدن»، «شخم زدن» هندی باستان
kršati، فارسی نو *kištan* «کِشتن»؛ مقایسه شود با - KARŠ - VAR،
 - VAN - KARŠ، فارسی نو، «کشور».

۱۱. گویش گاهان: (یسن ۴۵، ۱-۳) از متن مشهور به اوستودگاه (بر طبق

چاپ گلدرن).

حرفنوسی

at fravaxšyā nū gūšōdum nū srautā yaēčā asnāt yaēča dūrāt
išaθā..... at fravaxšyā ahauš manyū parvayē yayā spanyā uti
mravat yam ahrām: nōišt nō manā nōišt sanhah nōišt xratavō naēdā
varanā nōišt ugdā naēdā šyaouθnā nōišt dainā nōišt rvānah hačantē.
at fravaxšyā ahauš ahyā parvām yam mōi vi-dvāh mazdā vaučai
ahurō yōi im vō nōišt iθā maθrām varšanti yaθā im manāi-ča vavačā-ča
aibyah ahaušavāi ahat apamam.

آوانوسی

1. AT FRAVAXŠYA, NŪ GŪŠADVAM, NŪ SRAUTA, YAI-ČA ASNĀT
YAI-ČA DŪRĀT IŠAΘA
2. AT FRAVAXŠYĀ AHAUŠ MANYŪP ARVYAI, YAYĀH SPANYĀH UTI
MRAVAT YAM AHRAM: NA-IT NAH MANAH, NA-IT SANHAH, NA-IT
XRATAVAH NAI-DA VARAŅĀ, NA-IT UGDĀ NAI-DA ŠYAUΘNĀ NA-IT
DAINĀH, NA-IT RVĀNAH HAČANTAI
3. AT FRAVAXŠYĀ AHAUŠ AHYA PARVYAM, YĀM MAI VI-DVĀH
MAZDĀH VAUČAT AHURAH. YAI ĪM VAH NA-IT IΘĀ MA NΘRAM
VARŠANTI, YAΘĀ IM MANĀI-ČA VAVAČĀ-ČA, AIBYAH AHAUŠAVĀI
AHAT APAMAM.

ترجمه

و در اینجا سخن خواهم گفت - اکنون توجه کنید اکنون گوش فرا دهید ای کسانی که از جاهای نزدیک و ای کسانی که از جاهای دورید بجوئید (این را) ... در اینجا در باره دو مینو در آغاز آفرینش سخن خواهم گفت که درباره آنها مینوی مقدس با مینوی بد چنین سخن گفت «نه پندارهای ما، نه گفتارهای ما، نه دلایل ما، نه اعتقادات ما، نه کلمات ما، نه اعمال ما، نه وجدانهای ما، نه روحهای ما با یکدیگر منطبق نیست».

و در اینجا در باره آغاز آفرینش آنچه را که اهورامزدا به من گفت بازگو خواهم کرد. «آن عده از شما که این دستور را به انجام نرسانید، بدان گونه آن را درک و بیان می‌کنم، برای آنان، پایان هستی مایه افسوس خواهد بود».

تفسیرها

- FRA - VAK - ŠYA - ستاکی از زمان حال به معنی آینده است (بخش ۱۱۳) با پیشوند فعلی - FRA؛ اول شخص مفرد معلوم از صرف ماده‌ای (بخش ۱۰۶، ۱).
NŪ «اکنون»، هندی باستان nū، یونانی باستان νῦν، سلاوی باستان hoi - و مانند آن.
- GŪŠA «گوش دادن» فارسی نو niyošīdan -> ni - gōš (مقایسه شود gōš «گوش»).

- SRAV - SRU - «گوش دادن، همان ریشه که در - SRAVAH (نگاه کنید به قطعه بالا منتخب از هوم‌بشت)؛ دوم شخص جمع تاکید استمراری معلوم.
YAI فاعلی جمع مذکر از ضمیر موصولی - YA
- ASNA «نزدیک»، - DŪRA «دور»، فارسی نو dūr؛ ازی به معنای قیدی (بخش ۱۰۳).

— IŠA «آرزو کردن»، هندی باستان - iccha، دوّم شخص جمع حال معلوم.
 — AHU «جهان»، «هستی»، $\sqrt{S}$ «بودن»؛ مفرد اضافی (بخش ۵۹).
 — PARVYA «نخستین»، به مفهوم اسم از جنس خنثی «آغاز»؛ مفرد دری.
 — MANYU «مینو»، $\sqrt{MN}$ ، mainyate، «می‌اندیشد»؛ اسلاوی множити
 مانند آن؛ تنّیه فاعلی.

— YAYĀS- تنّیه اضافی از -YA.

— SPANYĀS- درجه تفصیلی از ریشه (بخش ۴۷) با صفت - SPANTA است،
 اسلاو باستان святъ «مقدس»؛ مفرد مذکر فاعلی (بخش ۵۴).
 UTI «چنین» مقایسه شود با هندی باستان iti.

$\sqrt{MRV}$ «سخن گفتن» با هندی باستان - brū، مقایسه شود. ستاک حال
 — MAU -: MRAV؛ سوّم شخص مفرد استمراری، با انتقال به صرف ماده‌ای به
 جای صورت MRAUT معمولی (بخش ۱۳۹). در این جا حالت رایی را به معنای
 سخن گفتن با کسی به وجود می‌آورد، ولی معمولاً حالت برایی به کار می‌رود:
 mraot ahurō mazdā... zara ŋuštrāi

«گفت اهورامزدا به زردشت».

— AHRA «اهریمن»، در اوستا با - MANYU «مینو» به صورت یک
 اسنادی معمول ترکیب شده است بعدها دو واژه به صورت واحدی درآمده‌اند:
 ahraman «اهریمن».

— NAS یک ضمیر بی‌تکیه به معنای ملکی است، جمع ابزاری (بخش ۸۱).
 — MANAH «اندیشه» از همان ریشه $\sqrt{MN}$ که MANYU است. صورتی از
 خنثی با پسوند - AS- (بخشهای ۴۴، ۵۴).

— SANHA «واژه»، $\sqrt{S(N)H}$ ، SANHATI sṇghaiti، فارسی باستان
 ṣahati «سخن می‌گوید». اسم - SANHA «گفتار»، از جنس مذکر است.
 مفرد فاعلی SANHAS sṇghō و جمع فاعلی باید SANHĀS بوده باشد. اما، پایانی

با $\bar{A}$ - که احتمالاً به صورت sandhi پیش از واکه بعدی برمی گردد هم در اوستای متأخر و هم در گاهان (بخش ۶۸) معمول است. همان پایانی مشخصه فاعلهای همگون $\check{S}YAU\Theta\bar{N}\bar{A}$ ، $UGD\bar{A}$ ، $VARAN\bar{A}$ است که از آنها برای اسمهای خنثای $UGDA$ - (وجه وصفی - $\check{S}UGH$) «آنچه گفته شد»، «گفتار»، بخشهای $\check{S}YAU\Theta\bar{N}\bar{A}$ - و a^{34} (۱۳۹) (اسم کنشگر با پسوند - NA - از - $\check{S}YAV$ ، هندی باستان - $CYAV$ ، فارسی نو - $\check{s}av$ «حرکت کردن»، «عمل کردن») که درست صورت معمولی است (بخش ۵۰)؛ اما، - $VARANA$ «ایمان»، «اعتقاد» از $\check{V}R$ «برگزیدن» معمولاً دارای صورتهای مذکر است.

$XRATU$ «خرد»، فارسی نو $xirad$ ؛ جمع فاعلی.

$NAI - DA$ - «نه این و نه آن».

$DAIN\bar{A}$ - «دین»، «وجدان»، فارسی نو $d\bar{i}n$ ؛ جمع فاعلی (بخش ۵۱).

$RUN - :RVAN$ «روان»، فارسی نو $ruv\bar{a}n$ ؛ جمع فاعلی (بخش ۵۷).

$HA\check{C}A$ - «دنبال کردن»، «موافقت کردن».

$AHYA$ - مفرد مذکر اضافی از ضمیر «این».

$Y\bar{A}M$: صورتی است که در دستنویسها آمده است، مؤنث رایج. گلندر آن را به صورت $Y\bar{A}$ تصحیح می کند، جمع خنثای رایج (مانند سایر زبانهای هند و اروپایی معنای جمع دارد).

MAI یک ضمیر بی تکیه است (مفرد بایی) به مفهوم برایی.

$VID - V\bar{A}\check{S}$ - «در حال دانستن»؛ وجه وصفی نقلی معلوم (بخش ۱۴۸، ۱).

$VA - VA\check{C}A - T$ - «گفت»؛ ماضی بعید.

$AHURA$ -، هندی باستان - $asura$ نام یکی از طبقاتخدایان آریایی و

مخالف - $daiva$ است؛ $MAZD\bar{A}\check{S}$ «دانا» صفتی است و بعدها در ترکیب با اهورا نام خدای تعالی است.

$\bar{I}M$ ضمیر بی تکیه مفرد رایجی است (بخش ۷۳)؛ که در حالت اول به صورت

زاید به کار می‌رود.

IOĀ «چنین»، قید ضمیری (بخش ۱۰۳).

MAN - ΘRA «اندیشه»، «واژه» بویژه به مفهوم «واژه مقدس»، هندی

باستان - mantra.

VAŠ - ضمیر بی‌تکیه، دوم شخص جمع، به مفهوم جزئی.

VARZ - Š - VARŠ - گذشته ساده «S» دار از VRZ√ «ورزیدن»، «انجام

دادن»؛ - VARŠA ستاک تأکیدی است.

YAΘĀ «وقتی که» (بخش ۱۰۳).

MANĀI, VAVAČĀ صورتهای ربطی اول شخص مفرد هستند (از ستاک

گذشته ساده ماده‌ای - MAN «اندیشیدن» و تام - VAVAČ «گفتن»؛ صورت

نخست میانی و صورت دوم معلوم).

AIBYAŠ - صورت جمع برایی از ضمیر - A.

AVĀI, «افسوس»، به صورت اسم درآمده است.

AHAT: سوم شخص مفرد ربطی از √Š به مفهوم زمان آینده.

APAMA - «آخرین» با - PARVYA همدوش به کار می‌رود.

فهرست مراجع اصلی

در زیر، تنها کتابهای عمومی و اساسی را که کهنه نشده و شامل کتاب‌شناسی مفصل‌تری است آورده‌ایم. این فهرست شامل صفحاتی که مربوط به مسائل فردی است نمی‌باشد و همچنین ترجمه‌های بخشهای اوستا را در بر ندارد.
ک گلدنر،

Awestalitteratur (مطالب مربوط به اوستا، Grlph، جلد دوم، استراسبورگ ۱۹۰۴-۱۸۹۶، S. ۵۳-۱. این کتاب محتوای اوستا را شرح می‌دهد، اطلاعاتی در باره نسخه‌ها و تاریخ بررسیهای اوستایی و اصول زیان‌شناسی آنها را در اختیار ما

می‌گذارد. همچنین شامل فهرستی از منابع تحقیقات کلی پیشین، انتشارات و ترجمه‌های اوستاست.

ک. بارتولومه

vorgeschichte der iranischen sprachen, Awestasprache, und Altpersisch, Grlph., Bd 1, strassburg, 1895 - 1901. S. 1 - 248.

این کتاب جامع‌ترین مطالب آواشناسی و خلاصه دستور زبانشناسی اوستایی است. در اینجا نوشته‌های زبانشناسی پیشین تقریباً به طور کامل ولی تنها در پانوسها ذکر شده است.

ک. بارتولومه.

Altiranischen Worterbuch, Strassburg, 1904, 2nd ed. Belin, 1961.

این بررسی همه مواد اوستا و کتبه‌های فارسی باستان را که در اختیار مؤلف بوده است دربر دارد. همچنین فهرستی تقریباً کامل برای متن اوستا در آن موجود است. پس از تحقیقات والترهیتس و رونالد کنت، این بررسی در مورد فارسی باستان کهنه شده، ولی برای زبان اوستایی به منزله دستگیری لازم باقی مانده است.

ه. رایخلت

Awestisches Elementarbuch Heidelberg, 1909. این بررسی به صورت کمکی

بسیار مناسب باقی مانده است، در آواشناسی و سازه‌شناسی از بارتولومه به صورت موجزتر پیروی می‌کند. گذشته از این، رساله مزبور شامل بخش وسیعی درباره نحوه است که بدون توجه به تحقیقات کهنه شده اشپیگل در نوع خود بی نظیر محسوب می‌شود متون فراوانی با فهرست واژه‌های دشوار به این بررسی ضمیمه شده است.

ه. رایخلت

iranisch, Grundriss der indogermanischen sprach und Altertum Kunde, II , Bd4, 2. Halfe, S.I - 84, Berlin - leipzig, 1927.

این اثر به منزله بررسی عمومی و اطلاعاتی به شمار می‌رود که در مورد

مطالعات ایرانی به عمل آمده است.

مورگن اشتیرنه

orthograpy and Sound - System of the Avesta NTS, XII, 1942, PP. 36 - 82.

گذشته از بازسازی تجربی نظام صوتی اوستای ساسانی، این رساله شامل مطالب کلی دربارهٔ تکامل نظام صوتی زبانهای ایرانی است.

ک. هوفمن

Altiranisch, "Handbuch der Orientalistik, I Abt. IV Bd, iranistik", I. Abschrift.

Linguistik, Leiden - koln, 1958.

خلاصه مختصر و مفیدی است از ویژگیهای آواشناسی و دستوری زبانهای اوستا و زبانهای فارسی باستان با بررسی مسایل اساسی آنها در زمان حاضر.
متون منتشر شدهٔ اوستا

ف. اشیگل

Avesta, die heiligen Schriften der parsen, Zum ersten Male im Grundtexte

Sammt der Huzvareh - Übersetzung herausgegeben Bd I - II, 1853 - 1858.

متن فارسی میانهٔ این رساله ارزش بسیار دارد.

ک. گلدنر

Avesta, die heiligen Bucher der Parsen, Bd I - III, Stuttgart, 1886 - 1895.

این چابی است انتقادی متکی بر شمار بسیاری دستنوشته‌های به کار رفته، که به صورت یک مرجع نمونه‌ای مفید باقی مانده است.

((codices Avestici et Pahlavici Bibliothecae Universitatis Hafnensis)). Vol. VII -

IX, K - 5 (1937, 1938, 1939); Vol. X - XI, K - 3a, K - 3b, K - 1 (1941 - 1942), Vol

XII, K - 7, K - 25 (1944).

این کتاب عبارت است از کلیشه‌هایی از بهترین نسخه‌های موجود در کپنهاگ.

ه. رایخلت

Avesta Reader, Strassburg, 1911.

متن بسیار مناسبی از اوستاست با منتخباتی از متون به انضمام یک تفسیر و یک واژه‌نامه.

ترجمه‌های اوستا

ج. دارمستتر

Le Zend - Avesta, Traduction Nouvelle avec Commentaire Historique et Philologique, Vol. 1 - III, Paris, 1892 - 1893, 2nd Ed. Paris 1962.

ترجمه متن از بسیاری جهات از لحاظ زبانشناسی کهنه است، ولی تفسیرهای او بر ویژگیهای کتابها هنوز مورد استفاده بسیار است.

ف. ولف

Avesta, die Heiligen Bucher der Parsen, Ubersetzt auf der Grundlage von chr. Bartholomae's Altiranischen Worterbuch, Strassburg, 1910.

در اینجا تفسیرهای تازه‌ای از بخشهایی به عمل آمده، ولی رویهم‌رفته کتاب، همان‌گونه که فرهنگ بارتولومه به صورت یک فرهنگ اصیل بر جای مانده، اصالت خود را از لحاظ ترجمه حفظ کرده است.

ترجمه‌های گاهان

ک. بارتولومه

Die Gatha's des Awesta, Zarathustra's Verspredigten Strassburg 1905.

م. اسمیت

Studies in the Syntax of the Gathas of Zarathustra together With Text, Translation and Notes, Philadelphia, 1929.

این رساله در مقایسه با ترجمه بارتولومه، که نویسنده مزبور طبعاً کار خود را با آن آغاز کرده است، تفسیرات ابتکاری بسیار در بر دارد. این کتاب حاوی اطلاعات

فراوانی است که بدون توجه به موافقت یا مخالفت با نتایج کلی مؤلف (که در آنها جای بحث است)، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

ج. دوشن‌گیمن

Zoroastre, Essai Critique avec une Traduction Commente des Gathas, Paris, 1948. (English Translation: the Hymn of Zarathustra, London, 1952, 2nd. Ed. Boston, 1963).

این ترجمه‌ای دقیق با تفسیرات ادبی است: تفسیر بیشتر جنبه تاریخی - دینی دارد. مؤلف همچنین می‌کوشد که بخشهایی از گاهان را به ترتیب زمانی مرتب سازد. بود (bode)

Songs of Zarathustra, the Gathas, Translated From the Avesta, London 1953; Anklesaria, the Holy Gathas of Zarathustra, Bombay, 1953.

این ترجمه‌ها بیشتر از آن لحاظ جالبند که به وسیله زردشتیان معاصر مورد تفسیر قرار گرفته‌اند.

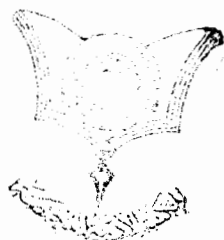
و - هینتس

Zarathustra, Stuttgart, 1961.

این پژوهش درباره دوره آغازین آیین زردشتی و ترجمه‌ای از گاهان با فهرست مفصلی از مراجع است.

ه. هوم‌باخ

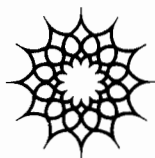
Die Gathas des Zarathustra, Bd 1, II, Heidelberg, 1959.



THE AVESTAN LANGUAGE

S. N. SOKOLOV

**Translated into Persian
by
Roghieh Behzadi, Ph.D.**



**Cultural Studies
and
Research Institute
Tehran, 1991**